

# سپری دراماکن سرزمین وحی



حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سیری در اماکن سرزمین وحی

نویسنده:

علی اکبر حسنی

ناشر چاپی:

مشعر

## سیری در اماکن سرزمین وحی

### مشخصات کتاب

نام کتاب: سیری در اماکن سرزمین وحی

نویسنده: علی اکبر حسینی

موضوع: تاریخ مکه و مدینه

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: تابستان ۱۳۷۱

نوبت چاپ: ۱

ص: ۱

### اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«یکی دیگر از وظایف مهم، قضیه آشنا کردن مردم است به مسائل حج، آدم بسیار می‌بیند که حج می‌روند، زحمت می‌کشند، لکن مسأله حج را نمی‌دانند...» امام خمینی رضوان الله تعالی علیه

حج نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحّد از همه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی‌مانندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسئولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است.

پس حج تبلور تمام عیار حقایق و ارزش‌های مکتب اسلام است.

مؤمنان گر چه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند، و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می‌زدایند، و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند، و گر چه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیات‌بخش حج است، اما هنوز ابعاد بیشماری از این فریضه مهم، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، حج را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشانند، و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند.

اما هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حج، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حج گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محلّ هبوط ملائکه الله، و توقّف انبیاء و اولیاء بود، گام بگذارد.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظم رهبری با الهام از

اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل احیاگر حج ابراهیمی، قدس سرّه الشریف و بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای مدّظله العالی، با تأسیس معاونت آموزش و تحقیقات، تلاش می‌کند فصل جدیدی فرا راه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حج، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حج، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیت‌های بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و به ویژه آموزش مسائل و آداب حج تلاش‌هایی را آغاز کرده است. آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر.

بی‌گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارسائی‌ها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می‌فشارد. کتاب سیری در اماکن سرزمین وحی توسط فاضل ارجمند جناب حجّه الاسلام والمسلمین آقای علی اکبر حسنی تهیه و تنظیم گردیده و پس از ویرایش، تصحیح عبارات و در پاره‌ای موارد بازنویسی متن در مرکز تحقیقات حج، به شکل کنونی در اختیار خوانندگان محترم قرار گرفته است امید آنکه با مطالعه آن، حجاج عزیز بیت الله الحرام و زائران حرم نبی اکرم صلی الله علیه و آله بتوانند با آگاهی و بصیرت بیشتر، و شناخت دقیق نسبت به اماکن مکه و مدینه، از برکات فراوان این سفر معنوی و الهی بهره‌مند گردند.

و من الله التوفيق و عليه التكلان

معاونت آموزش و تحقیقات بعثه

مقام معظم رهبری

ص: ۹

بخش اول: مدینه منوره

اشاره

## جغرافیای مدینه

مدینه منوره، در شمال شرقی جده، و شمال مکه واقع است، و در عرض ۲۳/۵ از خط استوا، و طول ۷۰ درجه از جزائر خالدهات، قرار گرفته و ۷۲۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. فاصله آن تا مکه حدود ۹۰ فرسخ شرعی و تقریباً ۵۰۰ کیلومتر است. شهر مدینه، در میان یک جلگه است، امتداد آن جلگه از شمال به جنوب تقریباً ۳۰ کیلومتر و عرض آن حدود ۲۰ کیلومتر می‌باشد. مدینه در قسمت شمال این جلگه قرار دارد و بندر آن ینبوع (ینیع) است. زمین این منطقه برای کشاورزی و پرورش درختان مناسب است.

این جلگه که شهر مدینه را در میان گرفته، از سه جهت (شمال و شرق و جنوب) به دشت‌های لم یزرع و به کوه‌های سیاه متصل، و از طرف مغرب به دریا محدود است. این سه دشت، که شامل سنگ‌ها و مواد آتشفشانی در شرق و غرب، و جنوب مدینه است، در گذشته از نظر ایاب و ذهاب به وسیله شتر، بسیار مشکل بوده است. بسیاری از بخش‌های این دشت‌ها «حرّه» نامیده می‌شود. «(۱)» کوه‌های اطراف مدینه، از نظر بزرگی و کوچکی مختلف بوده و با یکدیگر فاصله دارند.

## کوه‌های معروف مدینه

در سمت جنوب غربی کوه، عائر (عیراوعیر) است، که سرخ رنگ، تیره، و ممتد است، و آن را «جماء الکبری» نیز می‌نامند.

۱- حره به زمین سنگلاخی گفته می‌شود که سطح آن از سنگ‌های آتشفشانی تیره رنگ پوشیده باشد.



و دیگری کوه احد است که در جهت شمال شرقی قرار دارد. در سمت مغرب و شمال غربی، یک رشته کوه بنام «سَلع» است، که یک گوشه‌اش به شهر اتصال دارد، و راه شام، مابین کوه سلع و احد بوده است.

در طرف جنوب، یک رشته کوه پست‌تری است، که «جماء الصغری» نامیده می‌شود و به مسجد شجره اتصال دارد، قبرستان «شهادی حژه» نزدیک به همین کوه، یعنی در جهت جنوب غربی شهر واقع است و در دامن «جماء الصغری» قرار دارد. مساحت مابین مسجد شجره تا مسجد ذوقلتین و شهر را «وادی حصون النیق» و مساحت مابین مشرق شهر و جنوب آن را «وادی راثونا» می‌گویند.

باغات و نخلستان‌های مدینه، در طرف جنوب آن واقع، و بیش از ده کیلومتر امتداد دارد، در میان این باغات چند کوه کوچک، سرخ‌رنگ (کله قندی) واقع شده که به آنها «جماء» می‌گویند، و منظره لطیفی را بوجود آورده‌اند، چنانکه «ابوقطفه» توصیف می‌کند:

القصر والنخل والجماء بینهما اشتهی الی القلب من ابواب جیرون

زیباترین اشیاء فرخ‌ترین اعیان از هر چه هست پیدا و ز هر چه هست پنهان  
از انبیاء محمد (ص) از شهرها مدینه از شاخ‌ها طوبی، از باغ‌هاست رضوان  
«(۱)» مدینه را پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله «یثرب» می‌گفتند.

نخستین قومی که پس از طوفان نوح در آن سکونت یافتند قوم تبع یا تبايعه «(۲)» بودند و آنگاه قوم عمالقه، بر یثرب و حجاز و مکه مسلط شدند و ظلم و ستم بسیار کردند و مدت‌ها بر آن نواحی سلطه داشتند تا اینکه موسی علیه السلام به رسالت مبعوث شد. آنگاه حضرت موسی لشکری از پیروان خویش، به آن سو گسیل داشت و آنان به تدریج عمالقه را نابود ساختند، و یهودیان در این مناطق سکونت گزیدند. یاقوت حموی و دیگران نقل می‌کنند که: یهودیان به‌ناچار از ستم‌های امپراتور روم (مسیحی) به این نواحی پناهنده شدند و سپس به‌خاطر پیشگویی‌های تورات در مورد ظهور پیامبر آخر الزمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله به مدینه کوچ کردند و در مدینه ساکن شدند.

به‌هر صورت پس از عمالقه اقوام یهود و اوس و خزرج در آنجا سکونت داشتند، بعدها همین اوس و خزرج بنام «انصار» نامیده شدند.

۱- راهنمای حرمین ج ۵ ص ۳۰.

۲- عمده الاخبار فی مدینه المختار تألیف شیخ احمد بن عبدالحمید عباسی چاپ مدینه ص ۳۶ الی ۴۳

## اسامی و نام‌های مدینه

مدینه نام‌های متعددی دارد «سمهودی» در تاریخ معروفش نودوچهار نام برای مدینه نقل کرده است که مهمترین آنها عبارت است از:

۱- حرم رسول الله

۲- طیبه

۳- قبه الاسلام

۴- یثرب «(۱)» ۵- قریه الانصار (شهر یاران رسول خدا)

۶- مدینه الرسول

۷- و نیز المدینه که قرآن نیز آن را به کار برده است: «ما كان لاهل المدینه و من حولهم ...» «(۲)»

۸- دارالهجرة

۹- ارض الهجرة

۱۰- دار الايمان

۱۱- دارالأبرار

۱۲- دار الأخيار «(۳)» ۱۳- الحرام

۱۴- غلبه و ...

«ياقوت حموی» بیست و نه نام برای آن ذکر کرده است.

و «مجد شیرازی» لغوی، سی نام گفته است.

و طبق نقل «ابن زباله» در تورات چهل نام برای مدینه آمده است. «(۴)» بسیاری از این نام‌ها در کتاب «عمده الاخبار» ذکر شده

است. «(۵)» از جمله غلبه که در جاهلیت غلبه خوانده می‌شده است. «(۶)» مدینه حرم پیامبر صلی الله علیه و آله

مدینه حرم پیامبر صلی الله علیه و آله است چنانکه مکه حرم خداست.

مرحوم «محقق حلی» می‌گوید: مدینه حرم است و حد آن از عایر تا وعیر (عویر) می‌باشد و به نقلی:

تاثور- (نام کوهی است در مدینه)

قطع درخت در آن جایز نیست. «(۷)»

۱- این نام در سوره احزاب آیه ۱۳ آمده است

۲- سوره توبه آیه ۱۲۰

۳- عمده الاخبار ص ۶۸

۴- راهنمای حرمین شریفین ج ۵ ص ۲۳

۵- عمده الاخبار ص ۹-۶۸

۶- عمده الاخبار ص ۴۳

۷- مساحت این دو کوه ۱۲ میل است فروع کافی ج ۴ ص ۵۶۴

صید در آن کراهت شدید دارد. «(۱)» صاحب جواهر می فرماید: در اینکه مدینه حرم است بین ما مسلمانان اختلافی نیست. «(۲)» صاحب مسالک می گوید: عایر و وعیر نام دو کوه است که از طرف مشرق و مغرب مدینه را احاطه کرده است. حرم مدینه چهار فرسخ در چهار فرسخ است. «(۳)» حکم حرم مدینه با حرم مکه فرق دارد. زیرا در مکه بدون احرام نمی توان وارد شد ولی در حرم مدینه چنین نیست.

خوردن صید در حرم مکه و همچنین صید کردن در آن حرام است ولی در حرم مدینه حرام نیست و ...

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همانطور که مکه حرم الهی است که حضرت ابراهیم آن را حرم قرار داده است، مدینه هم حرم من است. «(۴)» حدیث معروفی نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که: هر کس در یکی از دو حرم بمیرد در قیامت بدون حساب وارد بهشت می شود. و با اصحاب بدر محشور می گردد. «(۵)» فضیلت و شرافت مدینه

سمهودی برای مدینه و فضایل آن نود و نه خصوصیت نقل کرده است. «(۶)» مدفن بزرگ ترین انبیای الهی و اشرف کائنات، قهراً از تمامی زمین برتر و اشرف خواهد بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: المدینه قبه الاسلام و دارالایمان و ارض الهجرة و مبدء الحلال و الحرام. «(۷)»

و نیز فرمود: مقصود از سوگند به تین (والتین) مدینه است و مقصود از سوگند به زیتون (والزیتون) بیت المقدس و همچنین مقصود از سوگند به طور سینین و بلد امین به ترتیب کوفه و مکه است. «(۸)» «ابو سعید خدری» از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که مسافرت شایسته نیست، مگر به سوی سه مسجد:

مسجد من (در مدینه)، مسجد الحرام و مسجد الاقصی. «(۹)» از «مالک بن انس» پرسیدند که منزل کردن در مدینه بهتر است یا در مکه؟

۱- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۲۷۸

۲- جواهر الکلام ج ۲۰ ص ۷۵

۳- مسالک شهید ثانی ج ۱ ص ۱۲۸

۴- و هذا الحرم برید فی برید

۵- سفینه البحار ج ۱ ماده حرم

۶- وفاء الوفا سمهودی ج ۲ وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۲۸۳

۷- کتاب الحج و العمرة عبدالرزاق نوفل مصری مناسک حج عبدالرحمن محمد امین مصری

۸- وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۲۸۳

۹- عمدة الاخبار ص ۹۵ و ۹۶

گفت: در مدینه، چرا بهتر نباشد در حالی که در آنجا راهی نیست مگر اینکه رسول خدا از آنجا عبور کرده و جبرئیل بر آن حضرت در آنجا نازل شده است. «(۱)» اقامت در مدینه و سکونت در آن یا مجاورت آن مستحب، و حتی مجاورت در آن از مجاورت در مکه افضل است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در حرم خدا یا حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا برود در ضمن افرادی که در امان هستند محشور می‌شود. چنین کسی در قیامت از حساب و سوال و جواب معاف است. «(۲)» امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در حرم دفن شود در امان است. «(۳)» مستحب است انسان سه روز در مدینه منوره برای برآورده شدن حاجات روزه بگیرد. امام صادق علیه السلام فرمود که علی علیه السلام فرموده است: مکه حرم خداست. مدینه حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و کوفه حرم من است.

در گذشته بسیاری از بزرگان و علماء هنگام تشریف به مدینه و زیارت به احترام آن حضرت پیاده و با پای برهنه وارد شهر می‌شدند. «(۴)» غسل برای زیارت مستحب است. و حتی غسل برای ورود به شهر نیز مستحب است. دعای ویژه‌ای برای ورود به شهر نقل شده است که از جمله بگوید: اللهم هذا حرم نبيك محمد صلی الله علیه و آله فاجعله وقایه لی من النار و امانا من العذاب و سوء الحساب ... امتیازهای دیگر مدینه

مدینه شهریست که مردمش پیامبر صلی الله علیه و آله را در هنگام غربت و تنهایی پناه دادند و به استقبالش شتافتند و او را یاری کردند در حالی که قوم و عشیره‌اش و سایر همشهریانش او را رانده بودند. مردم مدینه در جبهه‌های جنگ در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، و در راه اسلام، ایثار و فداکاری نمودند. مدینه شهری است که پایگاه اسلام و مرکز اولین حکومت اسلامی گردید. شهری است که آیات حقوقی، سیاسی و نظامی، اقتصادی، اخلاقی و

۱- وفاء الوفا سمهودی

۲- سفینه البحار ماده حرم

۳- وسائل الشیعه ج ۱۰ کتاب الحج ابواب المزار

۴- من لا یحضره الفقیه ج ۲ باب فضائل الحج

اجتماعی است و آیات مربوط به روابط بین الملل و ... در آن نازل شد. شهریست که اتحاد واقعی اسلامی و برادری و اخوت در آن رسماً پایه ریزی و اجرا گردید.

شهریست که معالم دین و معارف اسلام از آنجا توسط صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس شاگردان مکتب امام صادق علیه السلام به سراسر جهان گسترش یافت.

شهری است که پیکر پاک پیامبر صلی الله علیه و آله را در برگرفته و جسم پاک بزرگترین بانوی جهان زهرا اطهر علیها السلام را چون گنجینه‌ای مخفی در درون خود جای داده است، پیکر پاک و مطهر چهار ستاره درخشان آسمان ولایت و امامت، و صدها نفر از صحابه و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و شهدای گرانقدر اسلام را در خاک‌های گرم خویش برای همیشه نگهداری می‌کند.

### زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام

در رابطه با اهمیت زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و استحباب آن علاوه بر منابع شیعه، روایات زیادی نیز از طریق اهل سنت نقل گردیده است. «(۱)» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«من زار قبری و جبت له شفاعتی»: هر کس قبرم را زیارت کند، شفاعت او در قیامت بر من واجب گردد. «(۲)» و نیز فرمود: هر کس مرا زیارت کند و جز زیارت من مقصودی نداشته باشد بر خداست که من شفیع او در قیامت باشم. «(۳)» و باز فرمود: من زارنی حياً و میتا کنت له شفیعاً یوم القیامه. «(۴)»

و همچنین فرمود: من در قیامت همسایه زائران خود خواهم بود. «(۵)» و نیز فرمود: مقام زائران من همانند مقام مهاجرانی است که برای یاری من به مدینه هجرت کردند. «(۶)» اهمیت زیارت آن حضرت تا بدان پایه است که فرموده‌اند.

هر کس پیامبر صلی الله علیه و آله را زیارت کند، گویی خدا را در عرش زیارت کرده است. علی علیه السلام فرمود: اتموا برسول الله حجکم اذا خرجتم الی بیت الله.

نماز در مسجد مدینه برابر است با ۵۰ هزار نماز و در مسجد الحرام با یکصد هزار نماز. «(۷)»

۱- عمدة الاخبار فی مدینه المختار ص ۲۸ خلاصه وفاء الوفا ص ۸۲ وفاء الوفا سمهودی ج ۱ وفاء الوفا سمهودی ج ۱

۲- بحار الانوار ج ۹۷ ص ۱۳۹

۳- بحار ج ۹۷ ص ۱۴۳

۴- بحار الانوار ج ۹۷ ص ۱۴۴

۵- بحار الانوار ج ۹۷ ص ۱۴۵

۶- بحار الانوار ج ۹۷ ص ۱۴۱ تهذیب الاحکام شیخ طوسی ج ۶ ص ۴

۷- وفاء الوفا ج ۱ ص ۴۲۰

«زرکشی» در «اعلام مساجد» از ابن عباس روایتی نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نماز در مسجد من با ده هزار نماز برابر است. <sup>(۱)</sup> در منابع عامه روایات زیادی داریم که نماز در مسجد النبی صلی الله علیه و آله برابر است با هزار نماز در مساجد دیگر. <sup>(۲)</sup>

### مسجد النبی یا مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله

با ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به یثرب گروه‌های زیادی از مردم به استقبال آن حضرت آمده، اصرار داشتند که پیامبر صلی الله علیه و آله بر آنان وارد شود مخصوصاً کسانی که در دو بیعت عقبه در منی در سال ۱۲ و ۱۳ بعثت با آن حضرت بیعت کرده و از آن حضرت تقاضا کرده بودند که به مدینه هجرت کند. بعلاوه فامیل مادری جدّ پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی قبیله بنی النجار نیز توقع داشتند که پیامبر صلی الله علیه و آله به خویشاوندان مادری جدّ خود وارد شود.

از دحام مردم جلوی شتر پیامبر صلی الله علیه و آله زیاد بود ولی آن حضرت فرمود: «خلّوا سبیلها فانها مأموره»: راه شتر را باز بگذارید که او مأمور است و هر جا خواهید همانجا منزل خواهم کرد. سرانجام شتر بر در خانه ابو ایوب انصاری که مسلمانی فقیر و مخلص و با ایمان بود خوابید و پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا سکونت کرد.

در کنار آن خانه، «مرید» یعنی زمینی بود که در آنجا خرما خشک می‌کردند و متعلق به دو یتیم به نام سهل و سهیل فرزندان رافع بن عمر از طایفه بنی النجار بود که تحت کفالت «ساعد بن زراره» بودند. <sup>(۳)</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله آن را خریده و در آن مسجدی به مساحت ۷۰\*۶۰ ذراع ساخت (طول آن هفتاد ذرع از شمال به جنوب و عرض آن ۶۰ ذرع از شرق به غرب).

اکثر مورخان گفته‌اند که مسجد را از خشت خام ساخته، و سقف آن را با شاخه‌های خرما پوشانده و ستون‌هایش را از تنه درخت خرما درست کرده بودند. <sup>(۴)</sup> بیهقی از عبادة نقل می‌کند که: انصار مالی جمع کرده و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند که مسجد را تزیین کنند و از نو بسازند، حضرت نپذیرفت و فرمود: «لا تزخرفه و لا تنقشه» و نیز فرمود: سقف مسجد برادرم حضرت موسی نیز چنین بود. <sup>(۵)</sup> طبق نوشته «ابن رسته» به اتفاق مورخان شخص پیامبر صلی الله علیه و آله همانند یاران در

۱- وفاء الوفا ج ۱ ص ۳۲۱

۲- عمده الاخبار وفاء الوفا سمهودی

۳- دلائل النبوة بیهقی ج ۲ ص ۱۸۷ ترجمه فارسی

۴- دلائل النبوة بیهقی ج ۲ ص ۱۸۷ ترجمه فارسی

۵- معالم دارالهجره ص ۲۰۹

بنای مسجد کار می‌کرد. انس بن مالک و زهری و دیگران گفته‌اند که حضرت همزمان با کار، این شعر را می‌خواند:

اللهم لا خير الا خير الآخرة فانصر الانصار و المهاجرة

«(۱)» به نقل سمهودی علی علیه السلام نیز این شعر را می‌خواند:

لا يستوى من يعمر المساجدا يدأب فيها قائما و قاعدا

و من یری عن الغبار حائدا «(۲)» مردم نیز عموماً همگام با پیامبر صلی الله علیه و آله شروع به کار کردند و این شعر را می‌خواندند:

لئن قعدنا والنبي يعمل فذلك من العمل المضلل

سرانجام مسجد النبی صلی الله علیه و آله به‌عنوان بزرگترین پایگاه عبادی و سیاسی و فرهنگی و نظامی و ... ساخته شد.

این مسجد تا سال ۷ هجری به همین‌صورت بود تا آنکه پس از فتح خیبر لزوم توسعه آن بیش از پیش احساس می‌گردید و به نقل امام‌صادق علیه السلام از آن سال مسجد به نحوی توسعه یافت که به شکل مربع در آمد یعنی ۱۰۰ \* ۱۰۰ ذرع، که تارحلت پیامبر صلی الله علیه و آله «(۳)» به همین وضع باقی بود.

این مسجد در زمان عمر بن خطاب نیز در سال ۱۷ هجری توسعه یافت و خلیفه خانه عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله را داخل مسجد نمود در حالی که عباس راضی به فروش و هبه آن نبوده است. این موضوع را تمام مورخان و سیره نویسان نقل کرده‌اند و علت خودداری عباس را آن دانسته‌اند که چون در بنای این خانه پیامبر صلی الله علیه و آله شخصاً او را یاری داده بوده او حاضر به تخریب آن نشده است.

عمر سپس قسمتی از خانه جعفر بن ابیطالب علیه السلام را نیز تخریب و ضمیمه مسجد ساخت ... «(۴)» بعد از او عثمان در سال ۲۹ هجری تغییرات و اضافاتی در مسجد النبی صلی الله علیه و آله صورت داد و آن را به طول ۱۶۰ و به عرض ۱۵۰ ذراع وسعت داد. عمر بن عبدالعزیز نیز در دوران خلافت عبدالملک مروان که والی مدینه بود در سال ۸۸ هجری مسجد النبی صلی الله علیه و آله را توسعه داد. «(۵)» در دوره‌های بعد نیز در چند نوبت مسجد النبی صلی الله علیه و آله توسعه یافته و در آن

۱- معالم دارالهجرة ص ۲۱۲

۲- وفاء الوفاء باخبار المصطفی

۳- اطلاق النفیسه ابن رشد ص ۶۴ و ۶۵

۴- تاریخ طبری ج ۹ ص ۳۸۱۵ ترجمه فارسی

۵- تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۵۸ ترجمه فارسی



حجره طاهره در یک مربع مستطیل قرار گرفته و محل اصحابصفا نیز مشخص گردیده است. طبق محاسبات کارشناسان ترک عثمانی در اوایل قرن ۱۳ هجری، مساحت مسجد النبیصلی الله علیه و آله ۲۴۷۵ متر مربع برآورد شده است.

### تغییرات و توسعه‌های مسجد النبیصلی الله علیه و آله در طول تاریخ

مسجد النبیصلی الله علیه و آله در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله یک درب به طرف بیت المقدس داشت و بعد از تغییر قبله به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله این درب بسته شد و پیامبر دری به طرف مکه باز کردند. مسجد النبی محراب مشخص و توخالی نداشت و خلفا نیز تغییر در محراب ندادند.

اولین کسی که محراب را به اینصورت درآورد، عمر بن عبدالعزیز والی مدینه بود که از سال ۸۸ تا ۹۱ هجری به دستور ولید بن عبدالملک مسجد را تعمیر و بازسازی کرد.

و بعدها طبق حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله به این مضمون نقل کرده‌اند: «لو مدّ هذا المسجد ایصنعاء فهو مسجدی» بر توسعه آن همت گماردند.

ترتیب ساختمان مسجد و توسعه آن را از آغاز تاکنون بدین ترتیب می‌توان جمع بندی کرد:

- ۱- سال اول هجرت ۷۰\* ۶۰ ذراع.
- ۲- سال هفتم هجرت ۱۰۰\* ۱۰۰ ذراع پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله:
- ۳- در سال هفدهم هجرت به طول ۱۴۰ و عرض ۱۳۰ و ارتفاع ۱۱ ذراع، جمعاً ۱۴۰۰ متر مربع توسط خلیفه دوم.
- ۴- از سال ۲۸-۳۰ هجری از طرف قبله و شمال و جنوب به مقدار ده ذراع افزایش دادند و سقفش را با چوب ساج ساخته و بدین ترتیب تقریباً ۴۹۶ متر اضافه شد، یعنی به مساحت ۱۸۹۶ متر مربع رسید.
- ۵- در سال ۸۸ هجری در ظرف ۵ سال ۲۰۰\* ۲۰۰ از سمت جلو مسجد و ۱۸۰\* ۲۰۰ ذراع نیز از سمت پائین بر وسعت مسجد اضافه شد، که جمعاً بالغ بر ۲۳۶۹ متر مربع گردید و در هر گوشه یک مأذنه یا مناره قرار داده شد که از آن تاریخ

مناره یا مئذنه در هر مسجدی مرسوم شد.

مناره باب الرحمه در توسعه اول سعودی‌ها از بین رفت ولی چهار مناره دیگر باقی ماند.

۶- در عهد سلطان عبدالمجید عثمانی مناره‌ها به پنج عدد افزایش یافت به این ترتیب:

۱- مناره شامیه غریبه.

۲- مناره شامیه شرقیه.

۳- مناره جنوبیه شرقیه یا مناره رئیسی

۴- مناره غربیه جنوبیه یا مناره باب اسلام.

۵- مناره غربیه یا مناره باب الرحمه.

۶- در سال ۱۶۱ هجری عباسی طول مسجد را ۳۰۰ ذراع و عرض آن را ۱۸۰ ذراع اضافه کرد و مساحت مسجد به ۲۴۵۰ متر مربع

رسید و در سال ۱۶۵ هجری این توسعه پایان یافت.

۷- در سال ۶۵۴ هجری مسجد دچار آتش سوزی شد و خلیفه عباسی مستعصم بالله تعمیر آن را شروع کرد تا آنکه بغداد سقوط

کرد و سلاطین دیگر مثل منصور نورالدین از مصر، شمس الدین یوسف از یمن ناصر محمد قلاوون و ... مسجد را با حفظ وسعت

قبلی و بدون هر گونه تغییری تعمیر کردند.

۸- در اواخر قرن نه هجری مسجد مجدداً دچار آتش سوزی شد و مردم مدینه جریان را به «قایتبای» نوشتند و او مسجد را از نو

ساخت. محرابی نو بنا کرد و مسجد را توسعه داد و از هر طرف دو و یک چهارم ذراع اضافه نمود. که در مجموع ۱۲۰ متر مربع بر

مساحت مسجد افزوده شد.

۹- بعد از ۳۸۰ سال یعنی سال ۱۲۶۳ ضرورت تعمیر و توسعه مسجد به سلطان عبدالمجید گزارش داده شد، و او پس از بررسی در

سال ۱۲۶۵ هجری شروع به تعمیر و توسعه آن کرد که ۱۳ سال طول کشید.

در دوره‌های بعد نیز در چند نوبت مسجد النبیصلی الله علیه و آله توسعه یافت که در آن حجره طاهره در یک مربع مستطیل قرار

گرفته و محل اصحابصفه نیز مشخص گردیده است.

۱۰- در سال ۱۳۷۰ هجری، مجدداً مسجد توسعه داده شد و مساحت آن به نام‌های: باب السلام، باب الرحمه، باب جبرائیل، باب

نساء، باب ابوبکر بود

که چند درب دیگر به نام‌های باب عثمان، باب مجیدی، باب عمر بن خطاب، باب عبدالعزیز، و باب الملک به آن افزوده گردید.

۱۱- در توسعه دیگری / ۳۵۰۰۰ متر به‌عنوان مصلاهی بزرگ به مسجد اضافه شد.

۱۲- و در توسعه بعد از آن / ۴۳۰۰۰ متر مربع که برای آن سایبانی ساخته بودند به‌عنوان مصلی در خارج مسجد ایجاد نمود ولی

تغییری در ساختمان مسجد ندادند. «(۱)» ۱۳- در چند سال اخیر بازارها و مغازه‌های اطراف مسجد تخریب و به مسجد اضافه شد به

شکلی که مساحت آن هم اینک به / ۱۶۵۰۰۰ متر مربع افزایش یافته است.

مناره‌های مسجد نیز که چهار عدد بوده و ۷۲ متر بلندی داشت به ده مناره با ارتفاع ۹۲ متر تبدیل گردید.

در این توسعه، درب‌های مسجد النبیصلی الله علیه و آله نیز که ۱۶ درب بزرگ و اصلی و ۱۴ درب فرعی و در مجموع حدود ۶۵

درب بود به ۸۱ درب افزایش یافت.

ظرفیت قبلی مسجد النبیصلی الله علیه و آله برای نمازگزاران چیزی حدود ۲۷ هزار نفر بود که با توسعه‌های جدید به / ۲۵۷۰۰۰ نفر

رسیده است.

در توسعه جدید نصب ۵ پلکان برقی برای استفاده از سقف مسجد جهت اقامه نماز، نیز پیش بینی شده است.

همچنین برای فضای باز مسجد، سقف‌های متحرکی پیش بینی نموده‌اند که در مواقع لزوم از آن استفاده نمایند.

## مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله

«حجره طاهره و دیگر اماکن مقدسه داخل مسجد»

### حجره طاهره

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله، چون در خانه مسکونی خود، دفن شده است، «(۱)» لذا آن محل مقدس را «الحجره الطاهره» و گاهی «الحجره الشریفه» و یا «المقصوره الشریفه» نامیده‌اند.

این حجره که فعلا در زاویه جنوب شرقی مسجد قرار گرفته و کاملا مشخص است، قبلا در کنار مسجد و خارج آن بوده است. طول آن ۱۶ متر و عرض آن ۱۵ متر و مساحت کلی آن ۲۴۰ متر مربع است که، با حصار مشبکی به شکل ضریح، از مس و فولاد ساخته شده و سپس میناکاری و طلاکاری شده است، لیکن طرف جنوبی آن برنجی می‌باشد. این حجره، بنایی پنج ضلعی است که دو ضلع شمالی آن، چون دو ساق مثلث، و سه ضلع جنوبی آن مربع است و بلندی این بنا شش متر است.

ضریح شریف، در طول، شش حجره و طاق نما، و در عرض سه حجره و طاق نما می‌باشد. از این حجره‌ها و طاق نماها، چهار غرفه مربوط به قسمتی است که مرقد حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن قرار دارد و دو غرفه دیگر مربوط به قسمتی است که منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام است که متاسفانه با موانع ایجاد شده در اطراف آن، ضریح کاملا قابل رؤیت نیست. درون این ضریح، مشتمل بر چهار پایه است، که هر پایه دو متر و نیم عرض دارد، و سقف گنبد، بر روی این پایه‌ها است.

در گوشه‌های حجره طاهره، ستون‌هایی از سنگ مرمر، به رنگ‌های بسیار جالب وجود دارد که گنبد سبز (قبة الخضراء) بر آن ستون‌ها قرار گرفته است.

این ستون‌ها، با سبک خاصی، باریک و عمودی، تراش داده شده که با ستون‌های مسجد، فرق دارد، و در واقع وجه تمایز بین ستون‌های حجره طاهره و مسجدالنبی، صلی الله علیه و آله سبک تراش و حکاکی آنها است.

روی ستون‌های حجره، و شبکه‌های ضریح که از فولاد و مس و برنج است، زرانود می‌باشد، و به‌صورتی زیبا و دیدنی، تزئین شده است.

در اطراف و کتیبه‌های آن نیز، آیات قرآن مجید، و اشعار بسیاری به عربی نوشته شده است.

قتیه الخضراء، که با کاشی سبز رنگ، پوشش یافته، از مس و به رنگ مینای بسیار جالب، با نقوش و خطوط مختلف طرح ریزی گشته است.

این حجره طاهره، چهار باب دارد که باب ورودی آن پشت به قبله می‌باشد:

۱- باب الوفود، (باباب الرحمه) در جهت غربی و بالاسر.

۲- باب التوبه، (باباب الرسول) صلی الله علیه و آله در جهت جنوبی و پیش‌رو.

۳- باب فاطمه علیها السلام در جهت شرقی و پایین پا.

۴- باب التهجذ، در شمال و پشت سر.

مرقد مطهر پیغمبر صلی الله علیه و آله، در قسمت جنوبی حجره، و قبر حضرت فاطمه علیها السلام، (بنابه بعضی روایات) در قسمت شمالی آن، قرار دارد.

در داخل حجره، ضریح دیگر و مرقدی، وجود ندارد، ولی قبر منور پیغمبر صلی الله علیه و آله و نیز قبر ابوبکر و عمر نزدیک قبر آن حضرت، مشخص است.

چگونگی قرار گرفتن قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و ابوبکر و عمر

«سمهودی» در تاریخ خود، برای قبر آن حضرت، و شیخین، هفت کیفیت ذکر کرده، که مشهورترین آنها، ترسیمی است که مشاهده می‌فرمائید:

ابولبابه یکی از سرداران سپاه اسلام بود. هنگامی که یهود بنی قریظه توسط مسلمین محاصره شدند، فرستاده‌ای نزد پیامبر صلی الله علیه و آله اعزام نموده، و درخواست کردند تا یکی از سرداران اسلام، به میان آنها آمده، شرایط صلح را اعلام نماید. حضرت، «ابولبابه» را به این مأموریت اعزام داشتند، او خواست با یک تیر دو نشان بزند، هم به منظور اجرای دستور پیغمبر صلی الله علیه و آله به آنها پیشنهاد تسلیم کند، و هم به خاطر سابقه دوستی که با بزرگان آنان داشت، آنها را از جنگ برحذر داشته مقام خود را نزد آنان بالا ببرد، لذا وقتی به بنی قریظه نزدیک شد بر فراز نقطه بلندی

محل تصویر محراب فعلی مسجد یا محراب عثمان  
رفت و محاصره شدگان را به اطاعت از رسول خداصلی الله علیه و آله، و تسلیم بلا شرط، در برابر نیروی اسلام دعوت کرد، ولی در  
ضمن با دست اشاره به گلوی خود نمود به این معنی که اگر تسلیم نشوید گردن شما را خواهند زد.  
ابولبابه می گوید: وقتی که از آن قلعه خارج شدم، بناگاه وجدانم بیدار شد، فهمیدم خیانت نموده‌ام، بدون آن که نزد پیامبرصلی الله  
علیه و آله مراجعه کنم و نتیجه

مأموریت را گزارش دهم، به مسجدالنبی صلی الله علیه و آله رفته، و با طناب، خود را به همین ستون بستم، و سه شبانه روز غذا نخورده و مرتب گریه می کردم.

خبر، به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید فرمود: اگر ابولبابه مستقیماً نزد من می آمد، و تقاضای عفو می کرد، تاکنون بخشیده شده بود، ولی چون به خانه خدا رفته، باید امر الهی برسد، و سرنوشتش معین گردد.

سرانجام روز سوم، وحی نازل شد و توبه وی مورد قبول واقع گردید.

نوشته اند ام سلمه همسر پیغمبر صلی الله علیه و آله، وقتی از جریان وحی واقف گشت، اجازه گرفت که این مژده را به او برساند، لذا به مسجد آمده و او را با خبر ساخت، ولی ابولبابه، حاضر نشد که طناب های خویش را باز کند! و گفت: به خدا سوگند زمانی حاضر به خروج از مسجد خواهم شد که پیغمبر صلی الله علیه و آله شخصاً آمده، طناب را باز کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز طبق درخواست او عمل نموده، با دست خویش طناب را از او باز کرده و قبول توبه اش را اعلام فرمود، و او را مورد محبت قرار داد. از آن تاریخ به بعد این ستون، مورد احترام صحابه قرار گرفت، و به نام «استوانه ابولبابه» و یا ستون توبه معروف گردید. <sup>(۱)</sup> ستون المحرّس

ستون مدوری است که در امتداد شبکه یا ضریح فعلی در سمت غرب حجره پیامبر صلی الله علیه و آله واقع است. که ستون سریر در جهت قبله یا جنوب آن و ستون الوفود در جهت شامی و شمال آن قرار دارد.

سمهودی در کتابش وفاء الوفا می نویسد: علی علیه السلام در این محل از پیامبر صلی الله علیه و آله حراست می نمود. به همین جهت آن را ستون علی علیه السلام نامیده اند. (وفاء الوفا، ج ۱، ص ۴۴۷)

آنجا محل نماز علی علیه السلام در مسجد النبی صلی الله علیه و آله بوده است به همین جهت آن را ستون علی علیه السلام یا مصلی علی علیه السلام نیز گفته اند.

در منابع اهل سنت مثل صحیح بخاری، و نیز از انس بن مالک آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان زیاد نماز می خوانده است.

۱- السیره النبویه- ابن هشام- تفسیر علی بن ابراهیم ج ۱ ص ۲۷۱

ستون وفود (هیأت‌ها)

ستون مدووری است که در سمت شامی در امتداد ضریح مطهر قرار دارد.

در این مکان پیامبر صلی الله علیه و آله هیئت‌های مختلف و نمایندگی‌های مذهبی و سیاسی ... را برای مذاکرات به حضور می‌پذیرفتند.

ستون قرعه، مهاجرین، عایشه

این ستون که به ستون عایشه مشهور شده (البته دلیل درستی برای این نامگذاری نیافته‌ایم). سومین ستون مدووری است که در جهت غربی منبر قرار دارد، محل اجتماع و نشست مهاجران بوده است لذا به آن مجلس مهاجران هم گفته‌اند. «(۱)» این ستون‌ها متبرک بوده و مرحوم کلینی (ره) و دیگران، با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام بر عبادت زائران در کنار آنها، تاکید کرده‌اند. «(۲)» ستون مقام جبرائیل

ستونی بوده که در محل درب خانه فاطمه علیها السلام نصب گشته و درب خانه فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام در اینجا بوده است ابی الحمراء می‌گوید: چهل روز خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودم، هر روز پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه علی علیه السلام می‌ایستاد و می‌گفت: الصلوة الصلوة و این آیه را می‌خواند «(۳)»: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً...» «(۴)»

لیکن به علت وجود دیوار و شبکه‌های فلزی و بسته بودن درب ضریح دسترسی به آن مقدور نمی‌باشد.

ستون تهجد

ستونی است که برابر با درب حجره فاطمه علیها السلام قرار دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله نماز شب و تهجد خود را در این مکان به جای می‌آورده‌اند. «(۵)» ستون سریر

اولین ستون مدووری است که در نزدیک محل دفن پیامبر صلی الله علیه و آله در امتداد غربی

۱- وفاء الوفا سمهودی ج ۱ ص ۴۴۰

۲- فروع کافی کتاب الحج ج ۴ ص ۵۵۷

۳- وفاء الوفا سمهودی ج ۱ ص ۴۵۰

۴- آیه

۵- وفاء الوفاء ج ۱ ص ۴۵۱-۴۵۰



ضریح قرار دارد و ستون ابولبابه نیز در مغرب آن می‌باشد. و گاهی پیامبر در آنجا استراحت می‌کرد. این همان ستونی است که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن تکیه داده و به سوالات مردم پاسخ می‌گفت و به مشکلات آنها رسیدگی می‌نمود. <sup>(۱)</sup> «ستون حنانه»

داستان این ستون را اکثر مورخان به نقل از ده نفر صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین نقل کرده‌اند: چون به پیشنهاد برخی از اصحاب برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله منبری ساختند، نخستین روزی که پیغمبر صلی الله علیه و آله بر عرشه منبر قرار گرفت، آن ستون که حضرت موقع سخنرانی بدان تکیه می‌داد، مانند آواز شتری که بچه خود را گم کرده باشد، به حنین و ناله درآمد (جزع الجزع، فحنّ کما تحنّ الناقه، حین فارقه النبی صلی الله علیه و آله) از این جهت، آن را «ستون حنانه» گویند. <sup>(۲)</sup> این منبر پس از پیغمبر صلی الله علیه و آله تا زمان معاویه، باقی بود تا اینکه مروان بن حکم، حاکم مدینه شد، وی دستور داد منبری که دارای شش پله بود برای او ساختند و بر آن می‌نشست! بعدها منبرهای گرانمایی به این مسجد تقدیم شد. از جمله «مظفر»، پادشاه یمن، از چوبسندل، و «ظاهر بیروس» و «ظاهر برقوق» و «موئید» هر کدام منبری فرستادند، ولی اهل مدینه خود جمع شده منبری مطلقاً ساختند و به مسجد تقدیم کردند.

در آتش سوزی سال ۸۸۶ هجری آنچه در این مسجد بود نابود شد. در سال ۸۸۸، «قایتبای» منبری از سنگ مرمر، ارسال نمود و سپس «سلطان مراد» عثمانی در سال ۹۹۸ هجری، منبر کنونی را که از مرمر سفید و طلاکوب است تقدیم داشت و منبر قایتبای را به مسجد قبا بردند.

ستون مخلّقه

استوانه مخلّقه یعنی ستون خوشبو.

این ستون چسبیده به مصلی پیامبر صلی الله علیه و آله در جهت قبله بود. و پیامبر به آن سو نماز می‌خواند.

این استوانه در جهت راست امام بود وقتی که به نماز می‌ایستاد، ولی امروز

۱- اخبار المدینه ابن زباله و فاء الوفاء ج ۱ ص ۴۴۷

۲- وفاء الوفا سمهودی

جلوتر از محل اصلی است.

یزید بن عبید می گوید: با سلمه بن اکوع برای نماز ضحی (ظهر) آمدیم سلمه استوانه مخلقه را انتخاب کرد و در کنار او نماز خواند به او گفتم، در جای دیگر مسجد نماز نمی خوانی گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که در اینجا نماز می خواند.

### مقام جبرائیل

در زاویه جنوب شرقی، (داخل حرم)، محل کوچکی است، به شکل مربع مستطیل، با یک در، که محل تلاقی دو دیوار جنوبی و شرقی مسجد، وزیر ناودان آن می باشد، اینجا را «مقام جبرائیل» می گویند که اکنون بین باب البقیع (که تازه باز کرده اند) و دیوار جنوبی قرار دارد.

نقل شده که هرگاه امین وحی، می خواست بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد گردد، اینجا می ایستاد، و اجازه می گرفت، سپس بر آن حضرت وارد می شد، و محل نزول وحی غالباً اینجا بوده است.

### محراب پیغمبر صلی الله علیه و آله

در مسجد النبى صلی الله علیه و آله چندین محراب است

۱- یکی از آنها محرابی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن محل می ایستاده و محاذات روضه است و هرگاه رو به قبله بایستید، در طرف چپ منبر، و طرف راست قبر مطهر، این محراب قرار دارد. طبق نقل مورخین، این محراب، ابتداء مجوّف و به اینصورت فعلی نبوده است. «بیهقی» در «سنن» خود می گوید: محراب مجوّف از اختراعات عمر بن عبدالعزیز (خلیفه اموی) است.

و بعضی محراب مجوّف را از زمان معاویه می دانند، وی پس از آنکه خوارج خواستند او را ترور کنند، چنین اختراعی کرد.

هزاره این محراب، از سنگ مرمر است، و سایر قسمت ها گچ کاری، و نقاشی، و آب طلاکاری است.

۲- محراب حنفی است، که محاذات این محراب، و طرف راست منبر می باشد، و معروف به محراب سلیمانی است که در سال ۹۷۴ هجری به امر

سلطان سلیمان عثمان ساخته شده.

۳- محراب عثمان است، که در قسمت اضافه شده به مسجد که وسیله وی انجام یافته، و در دیوار جنوبی مسجد قرار دارد، و اکنون ائمه جماعات حرم نمازهای پنجگانه را در این محراب می‌خوانند، و میکروفونی که صدای امام جماعت را پخش می‌کند کنار این محراب است و این محراب را «محراب دکه الاقوات» نیز می‌نامند.

۴- محراب تهجد است، و آن پشت حجره فاطمه علیها السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن مکان نماز شب می‌خوانده، و در آن نوشته شده است: «و من اللیل فتهجد به نافله».

۵- محراب فاطمه علیها السلام است، که در جنوب محراب تهجد، و داخل حجره طاهره است.

۶- محرابی است که در جنوب شرقی مسجد واقع است و از بناهای قایتبای می‌باشد.

### صفه و اصحابصفه

در آخر قسمت قدیمی مسجد النبی صلی الله علیه و آله سکویی قرار دارد که آن را صفه یا (ظلاً) می‌گویند (۱) که حدود نیم متر از زمین بلندتر است. این مکان محل مهاجران فقیر مسلمان بود که آهی در بساط نداشتند و در آن مکان سکونت می‌کردند. (۲) در اینجا گروهی از مسلمانان که نه خانه و نه کاشانه‌ای و نه همسر و اولادی داشتند تنها به عشق خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به نزد آن حضرت آمده بودند تا از الطاف ایشان بهره‌مند گردند. (۳) مطابق حدیثی در صحیح بخاری آنان میهمانان اسلام تلقی می‌شدند.

تعداد این گروه ۹۲ نفر بود. (۴) ابو نعیم در حلیة الاولیاء می‌گوید: اینصفه در مسجد برای ضعفای مسلمانان بنا شد و تعدادشان بیش از صد نفر بود. (۵) ابن حجر می‌گوید: آنجا مکان تهجد پیامبر صلی الله علیه و آله بود که پس از تغییر قبله این مکان را برای سکونت اصحابصفه اختصاص داد آن را «دکه الاغوات» نیز می‌گویند نویسنده «الرحلة الحجازیه» طول آن را ۱۲ متر و عرض آن را ۸ متر و

۱- وفاء الوفا سمهودی ص ۴۵۳

۲- وفاء الوفاء ص ۴۵۳ ابن اثیر در النهایه ج ۳ ص ۳۷

۳- مدینه‌شناسی ص ۱۰۹

۴- مدینه‌شناسی ص ۱۰۹

۵- وفاء الوفاء ج ۱ ص ۴۵۳

ارتفاعش را ۴۰ سانتی متر نوشته است و اکنون محلی برای عبادت و زیارت جمعی از مسلمانان است. پیامبر، «(۱)» زید بن ثابت را برای آموزش سواد به اهلصفا معین ساخت و برای هر یک از آنها شبانه روزی یک چارک خرما و کمی نان مقرر فرمود.

روزی یکی از آنان عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله از بس که خرما خوردیم گلوی ما می سوزد، فکری برای ما بنما حضرت فرمود: پس از من وضع شما بسیار خوب خواهد شد و خانه شما مانند کعبه با اشیاء نفیس زینت می شود ولی دلها در آن روز به این پاکی (وصفا) نخواهد بود. هر چه سطح زندگی بالا رود دلبستگی به دنیا بیشتر می شود... «(۲)»

### مناره‌های مسجد النبی صلی الله علیه و آله

در زمان پیامبر برای مسجد مناره‌ای نبود.

بلال اذان را بر فراز نقطه بلندی و به نقلی بر ستون مرتفعی که در خانه‌ای در کنار مسجد قرار داشت می گفت: یعقوبی می نویسد که بعداً غلام عباسی به نام «کلاب» مناره‌ای برای مسجد ساخت. «(۳)» در زمان ولید بن عبدالملک در سال ۸۸ تا ۹۱ هجری چهار مناره در چهار گوشه مسجد ساخته شد. در تعمیرات زمان خلفای عثمانی پنج مناره برای مسجد ساخته شد. که در سالهای اخیر مناره‌ای را که در مجاورت باب الرحمة بود ویران کرده و چهار مناره جدید احداث نمودند. مناره‌ها عبارتند از:

- ۱- مناره رئیسیه در ضلع شرقی دیوار قبلی مسجد قرار دارد. که در زمان سلطان قایتبای در سالهای ۸۸۶ تا ۸۹۲ هجری ساخته شد. این مناره دارای ۶۰ متر ارتفاع بود و در کنار گنبد سبز پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارد.
- ۲- مناره باب السلام: که در ضلع غربی مسجد قرار دارد و در زمان عمر بن عبدالعزیز ساخته شد. پس از خرابی در سال ۷۰۶ هجری نیز مجدداً ساخته شده است.
- ۳- مناره باب الرحمة که قایتبای آن را در سال ۸۸۸ هجری ساخت ولی در توسعه‌های اخیر سعودی‌ها از بین رفت.
- ۴ و ۵- مناره‌هایی است که در توسعه مسجد توسط ملک عبدالعزیز بنا شد.

۱- الرحلة الحجازیه ص ۲۰۹

۲- مدینه‌شناسی ص ۱۱۰

۳- تاریخ یعقوبی ج ۱ ص ۴۰۱

یکی در ضلع شرقی و دیگری در ضلع غربی دیوار شامی مسجد النبی صلی الله علیه و آله است. هر یک از این مناره‌ها ۷۰ متر ارتفاع دارد. وپی و اساس آنها ۱۷ متر است. در توسعه‌های اخیر مناره‌های دیگری نیز ساخته شده است. «(۱)»

### درب‌های مسجد النبی صلی الله علیه و آله

در بنای عبدالملک طبق نوشته ابن زباله و مطری مسجد دارای بیست درب بود. هشت درب آن در دیوار شرقی مسجد. هشت درب در دیوار غربی مسجد.

چهار درب آن در قسمت شامی یا شمالی مسجد النبی قرار داشت.

درب‌های شرقی مسجد عبارت بود از:

۱- باب علی علیه السلام محاذی خانه علی بن ابیطالب علیه السلام (خانه فاطمه زهرا علیها السلام).

۲- باب النبی: دری که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن داخل مسجد رفت و آمد می‌کرد.

۳- باب عثمان: چون این درب محاذی خانه عثمان بود که در بیرون قرار داشت و داخل مسجد نبود.

۴- باب النساء: که زمان عمر بن خطاب احداث شد. و درب‌های دیگر به مناسبت سکونت افراد مشخص و سرشناس در هر عصر به سوی مسجد باز می‌شد و بعد با تغییر وضعیت آنان تغییر و کاهش می‌یافت.

در بنای عثمانی و نیز توسعه‌هایی که در این سال‌ها داده شده این درب‌ها را می‌توان بر شمرد:

۱- در غرب و ضلع غربی آن باب السلام و باب الرحمه قرار دارد. که باب عاتکه منسوب به عاتکه عمه پیامبر صلی الله علیه و آله نیز گفته می‌شود.

۲- در شرق مسجد باب جبرائیل و باب النساء است.

۳- در شمال آن باب مجیدی و باب التوسل است.

در توسعه‌های اخیر این باب‌ها نیز اضافه شده است:

۱- باب ابوبکر بین باب السلام و باب الرحمه که در غرب مسجد قرار گرفته است.

۲- باب ملک سعود در دیوار غربی.

۳- باب عمر بن خطاب در غرب دیوار شمالی مسجد.

۴- باب عبدالعزيز در دیوار شرقی.

۵- باب عثمان بن عفان در شرق دیوار شمالی مسجد. «(۱)» ۶- اخیراً بابی به بقیع محاذی باب السلام در دیوار ضلع شرقی میان رکن جنوبی و باب جبرئیل افتتاح کرده‌اند.

ضلع جنوبی مسجد که قبله است بابی ندارد و کلاً مسدود است.

درب‌ها و پنجره‌هایی از خانه‌های اطراف به مسجد باز بود. این خانه‌ها متعلق به شخصیت‌های معروف اسلام بود و از آن‌ها به داخل مسجد رفت و آمد می‌شد. صاحبان خانه‌هایی که روزنه یا پنجره (خوخه) ای به طرف مسجد داشتند به درون آن می‌نگریستند و این موضوع موجب تفاخر برخی شده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله به دستور وحی همه درب‌هایی که به مسجد باز می‌شد بست و تنها یک درب غیر از درب خانه‌اش به مسجد باز گذاشت و آن درب خانه علی علیه السلام بود. «(۲)» گر چه همان روز برخی سر و صدا کردند و گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها درب‌های صحابه پیر و مسن را بسته است، بلکه درب خانه عمویش عباس را هم بسته و فقط درب خانه علی علیه السلام را باز گذارده است؟! ولی پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ این حرف‌ها فرمود: فانی امرت بسد هذه الابواب غیر باب علی علیه السلام فقال فیه قائمکم. «(۳)»

من از طرف خدا مامور شدم به بستن تمامی درها جز در خانه علی علیه السلام ولی می‌بینم که برخی حرف‌هایی می‌زنند.

والله ما سددت شیئاً ولا فتحته ولکنی امرت بشیء فاتبعتم. «(۴)»

سوگند به خداوندی که من چیزی را نبستم و باز نگذاشتم، مگر آنکه خداوند امر کرد و من اطاعت کردم.

حاکم نیز حدیثی از عمر بن خطاب نقل می‌کند که گفت: به علی سه خصلت داده شده که اگر یکی از آنها بمن داده می‌شد برایم بهتر بود از اینکه شتران سرخ موی را بمن می‌دادند. پرسیدند چه بود؟ گفت:

۱- تزویج با فاطمه علیها السلام

۲- او همانند پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد سکونت داده شد و آنچه برای پیامبر صلی الله علیه و آله حلال بود، برای او حلال شد.

۳- پرچم فرماندهی در جنگ خبیر، به او داده شد. «(۵)» در مسند احمد و سنن نسائی همین مطلب بدین نحو از قول ابن عمر نقل شده

۱- مدینه شناسی ص ۱۱۴-۱۱۵

۲- مدینه شناسی ص ۱۱۴-۱۱۵

۳- مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۵

۴- مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۵

۵- مستدرک صحیحین ج ۳ ص ۱۲۵

است که گفت: سه خصلت به علی علیه السلام «(۱)» داده شد که اگر یکی را به من می‌دادند بهتر بود از اینکه شتران سرخ موی را به من بدهند:

- ۱- تزویج با فاطمه زهرا علیها السلام
  - ۲- همه درها که به مسجد باز می‌شد، بسته شد، جز درخانه او.
  - ۳- در جنگ خیبر پرچم فرماندهی به او داده شده.
- مؤلف سیره حلبیه و دیگران به تفصیل در این باره سخن گفته‌اند. «(۲)»

### آرامگاه بقیع

این مبارک بقعه را حاجت به نور ماه نیست در دل هر ذره، خورشیدی نهان دارد بقیع (شفق) بقیع: مقدس‌ترین و با فضیلت‌ترین مکان‌ها، پس از قبر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مدینه می‌باشد. این مکان مقدس که محل دفن چهار امام معصوم علیهم السلام، همسران و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله، جمع کثیری از صحابه و یاران آن حضرت و تعداد زیادی از علماء، شهداء و بزرگان اسلام است از دیدگاه تاریخی و معنوی؛ دارای ارزش فوق العاده‌ای است. بقیع و معانی آن:

قبرستان بقیع را که قدیمی‌ترین قبرستان مدینه است جنه البقیع هم می‌نامند. و از آنجا که در این مکان مقدس، درختی بنام غرقد بوده، به «بقیع الغرقد» نیز معروف است. بقیع در زبان عرب، به جایگاه وسیع، یا مکانی که در آن درخت و ریشه‌های درخت باشد، اطلاق می‌شود.

در مجمع البحرین آمده است: البقیع من الارض: المكان المتسع (قیل) و لا یسمی بقیعاً الا فیہ شجرا و اصولها، و منه، بقیع الغرقد. بعضی می‌گویند: بقیع به معنی توتستان، و بقعه، و مزرعه نیز آمده، و «غرقد» نام درختی است. در کنار بقیع الغرقد، قطعه دیگری، به نام «بقیع العمات» بوده است که در این اواخر دیوار بین دو بقیع را برداشته، و هر دو قسمت را به صورت یک قبرستان در آورده‌اند.

۱- مسند احمد ج ۴ ص ۳۶۹

۲- سیره حلبیه ج ۳ ص ۴۶۰

بقیع در کجا واقع شده است؟

بقیع در سمت شرقی مسجد النبی صلی الله علیه و آله، و در حال حاضر تقریباً در وسط شهر مدینه واقع شده، که از شمال به شارع عبدالعزیز، و از شرق به شارع ستین، و از جنوب به شارع باب العوالی، و از غرب به شارع ابی ذر، محدود است. در گذشته دیوارهای بقیع، از گل و خشت خام درست شده بود، که بعداً دور تا دور این قبرستان را با بلوک‌های سیمانی دیوار کشیده و روی دیوار نیز نرده‌ها، و پنجره‌هایی، نصب کردند.

متأسفانه تا چند سال پیش درب‌های بقیع تنها برای دفن جنازه‌ها باز می‌شد و در غیر آن، بسته بود.

ولیکن از سال ۱۳۶۵ ه. ش و به دنبال درخواست مردم مسلمان ایران و اقدامات مسئولین ایرانی، در ساعاتی از روز درب آن به روی زائران گشوده می‌شود.

فضیلت بقیع:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سرزمین بقیع، نخستین مکانی است که در روز قیامت شکافته می‌شود، و مدفونین آن سر از خاک بیرون می‌آورند، و پس از آن زمین مکه. و در روز قیامت هفتاد هزار نفر، از بقیع، در صحرای محشر حاضر می‌گردند که صورتشان مانند ماه شب چهارده می‌درخشد، و بدون حساب نیز داخل بهشت می‌شوند.

به گواهی تاریخ، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بارها و حتی در نیمه‌های شب به زیارت بقیع می‌رفت و برای خفتگان در آن، طلب مغفرت می‌کرده و می‌فرمود: خدایا اهل بقیع را ببامرز. و نیز می‌فرمود: ماموریت دارم تا بر اهل بقیع درود بفرستم: انی بعثت الی اهل البقیع لاصلّی علیهم.

گنجینه‌های گرانقدر در خاک بقیع

چنانکه گفتیم بقیع: قبرستان قدیمی مدینه است، که بهترین عزیزان پیامبر صلی الله علیه و آله و سربازان فداکار اسلام، در آنجا مدفونند که اکنون، به نام برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- مرقد چهار امام معصوم، از ائمه شیعه علیهم السلام یعنی: امام مجتبی علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در این قبرستان است.

۲- (بنا به نقلی) قبر پنهان فاطمه زهرا علیها السلام، نیز در آنجا می‌باشد.

۳- قبور فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله مانند ابراهیم، زینب، ام کلثوم، و رقیه.



۴- قبور همسران آنحضرت.

۵- قبر فاطمه بنت اسد مادر علی بن ابی طالب علیه السلام

۶- قبر عباس عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله.

۷- قبر صفیه و عاتکه عمه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله.

۸- قبر حلیمه سعدیه مادر رضاعی آن حضرت صلی الله علیه و آله.

۹- قبر عقیل برادر علی علیه السلام، و عبدالله بن جعفر، همسر زینب کبری علیها السلام

۱۰- قبر سعد بن معاذ، و ابو سعید الخدری.

۱۱- قبر اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام.

۱۲- قبر ام البنین مادر حضرت ابوالفضل علیه السلام.

۱۳- قبر عثمان بن مظعون، و سفیان بن الحارث بن عبدالمطلب.

۱۴- قبر جمعی از شهدای احد و شهدای واقعه حرّه که محل آنها معلوم و مشخص است.

۱۵- قبور برخی از فرزندان ائمه و بستگان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و برخی از صحابه بزرگوار آن حضرت.

۱۶- قبور گروهی از راویان حدیث و عده‌ای از علما و شهدا و قزّا و مبلغین بزرگ اسلام.

و سرانجام بسیاری از شخصیت‌های برجسته و افراد والا مقام که از صدر اسلام تا کنون، در این سرزمین مقدس آرمیده‌اند و قبورشان مجهول است.

قبوری که چنانچه، هر یک از آنها در دیگر بلاد اسلامی قرار داشت، آنچنان آباد و مجلل می‌بود که چهره آن شهر را عوض می‌کرد.

سمهودی در وفاء الوفا از مالک روایت کرده است که: در این آرامگاه ده هزار نفر از صحابه گرامی و اکابر اسلام مدفونند، لکن قبور تعدادی از آنها مخفی، و برخی دیگر هم که معلوم بوده به مرور زمان از بین رفته، و متأسفانه بسیاری از آنها را هم در این قرن اخیر از میان برده‌اند.

«رفعت پاشا» نویسنده «مرآة الحرمین» عقیده دارد: بیش از دو هزار نفر از اصحاب و تابعین، در این قبرستان دفن شده‌اند.

از صحابه مانند:

۱- مقداد بن الاسود.

۲- مالک بن حارث.

ص: ۳۶

۳- مالک اشتر نخعی.

۴- خالد بن سعید.

۵- خزیمه ذوالشهادتین، که پیامبر صلی الله علیه و آله شهادت و گواهی او را به جای دو شاهد عادل می پذیرفت.

۶- زید بن حارثه، پسرخوانده پیامبر صلی الله علیه و آله.

۷- سعد بن عباد.

۸- ابو دجانة انصاری.

۹- جابر بن عبدالله انصاری.

۱۰- مالک بن نویره.

۱۱- زید بن ارقم.

۱۲- حسان بن ثابت.

۱۳- قیس بن سعد بن عباد.

۱۴- اسعد بن زراره ...

مورخین نوشته اند: نخستین کسی که از انصار در بقیع مدفون شد، اسعد بن زراره بود، وی از بیعت کنندگان با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، در عقبه اول و دوم (پیش از هجرت) در سرزمین منی بوده است. و از مهاجرین:

عثمان بن مظعون است که، به حبشه و مدینه هجرت کرد و هم او بود که، سرپرستی گروه مهاجران اول به حبشه را عهده دار بود. علاوه بر افراد یاد شده، تعداد دیگری از بستگان پیغمبر صلی الله علیه و آله و فرزندان ائمه (علیهم السلام) نیز در اینجا دفن شده اند، از جمله:

۱- محمد حنفیه، فرزند علی علیه السلام.

۲- حسن مثنی و جعفر و زید فرزندان امام مجتبی علیه السلام.

۳- چهار تن از فرزندان امام سجاد علیه السلام به نام های عمرالاشرف، عبدالله باهر، حسین اکبر، حسین اصغر (احسین اصغر متولی موقوفات جدش علی علیه السلام بوده که از موقعیت والائی نیز برخوردار بوده است).

۴- از فرزندان امام باقر علیه السلام. ابراهیم، عبدالله، زینب و ام سلمه.

۵- از فرزندان امام صادق علیه السلام اسماعیل و عبدالله افطع.

۶- عبیدالله و اسحق از فرزندان امام کاظم علیه السلام.

۷- فرزندان حضرت ابوالفضل علیه السلام.

امام زادگان دیگری چون عبدالله امیر العارفین از فرزندان حسین اصغر، حسن مثلث فرزند حسن مثنی و ...

بعلاوه بقیع مرقد گروهی از راویان و قراء و مبلغان نیز می باشد، مانند:

۱- عبدالله بن مسعود.

۲- معاذ بن جبل.

۳- سالم.

۴- ابوالحسین یحیی النسابة العقیقی، او نخستین کسی است که در انساب سادات، کتابی تدوین نموده، و تالیفات بسیاری دارد، و در کتب رجال نیز مورد تمجید و تقدیس قرار گرفته است.

۵- سید المهنا بن سنان الحسین اعرجی، او کسی است که سؤالاتی از مدینه منوره به حضور «علامه حلی» (ره) ارسال نمود، و علامه هم به سؤالات وی جواب داد و اکنون آن جوابها، به صورت کتابی بنام «اجوبه المسائل المهنائیة» معروف است.

لازم به یادآوری است که در گذشته بقیع و مرقد امامان معصوم علیهم السلام عموماً دارای بقعه و گنبد و بارگاه بوده ولیکن در سالهای اخیر همه آنها تخریب گردیده و هم اکنون هیچ آثاری از آن جز، چند قطعه سنگ که در بالا و پایین قبور گذاشته شده، وجود ندارد.

در حالیکه اغلب این قبور چنانکه محمد بن محمود نجار متوفای ۶۴۳ هجری (در کتاب اخبار مدینه الرسول) ابن جُبیر متوفای ۶۱۴ هجری و ابن بطوطه متوفای ۷۷۹ آنها را مشاهده و خصوصیات آنرا شرح داده اند، دارای کتیبه و سنگهای نوشته شده، بوده است. و نیز میرزا حسین فراهانی در سال ۱۳۲۰ و ۱۳۰۲ هجری این آثار را دیده و در سفرنامه خود آنها را شرح داده است.

مظلومترین و اندوهناکترین صحنه بقیع:

در بقیع صحنه های اندوهبار و حزن انگیز فراوانی است که از همه آنها اندوهبارتر، قبور چهار امام مظلوم و معصومی است که چون خورشیدی، در دل

خاک مستور مانده‌اند:

۱- پیشوای دوم امام حسن مجتبی علیه السلام.

۲- پیشوای چهارم امام زین العابدین علیه السلام.

۳- پیشوای پنجم امام محمد باقر علیه السلام.

۴- پیشوای ششم امام جعفر صادق علیه السلام.

بدیهی است شرح حال و بیان علت شهادت و دفن آن بزرگواران در بقیع و ماجرای تشییع و تدفین هر یک از آن عزیزان، خود کتابی مستقل و مقالاتی جداگانه می‌طلبند که باید در جای دیگر به آن پرداخت و این مختصر را گنجایش آن نیست. و اینک قسمتی از بیوگرافی و شرح اجمالی زندگانی برخی از بزرگان مدفون در بقیع را ذکر می‌کنیم.

۱- فاطمه بنت اسد:

فاطمه دختر اسد: فرزند هاشم، همسر ابوطالب، و مادر علی علیه السلام، جعفر، عقیل، هانی و طالب است. وی که از مهاجرین نخستین، و بیعت کنندگان با حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد به پاکی و پرهیزکاری مشهور است و تنها کسی است که در خانه کعبه وضع حمل نمود و مولود کعبه علی علیه السلام را به دنیا آورده او در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، جهان را بدرود گفت، آن حضرت در مرگ وی تاثر و اندوه فراوان از خود نشان داد، و سرانجام بر جنازه‌اش نماز خواند، و او را در میان قبر نهاد.

برخی قبر او را در کنار قبر عثمان بن مظعون و ابراهیم فرزند پیامبر دانسته‌اند ولی مشهور این است که نزدیک قبر چهار امام معصوم علیهم السلام قرار دارد که اهل سنت آنرا قبر فاطمه زهرا علیها السلام می‌دانند! این قبر قبلا قبه و بارگاه داشته است. «(۱)» ۲- عباس عمومی پیامبر صلی الله علیه و آله

عباس فرزند عبدالمطلب عمومی پیامبر صلی الله علیه و آله و مادرش نتيله دختر خناب است.

او دو تا سه سال از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بزرگتر بود. «(۲)» عباس از بزرگان و سادات قریش و بنی هاشم بود که پیش از ظهور اسلام منصب سقایت حاجیان و عمارت مسجد الحرام را به عهده داشت. او به دستور

۱- مدینه‌شناسی ص ۳۸۵

۲- الاصابه تمییز الصحابه ج ۲ ص ۲۷۱.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه ماند و فعالیت‌های ضد اسلامی قریش را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش می‌کرد. «(۱)» و نیز او بود که خبر حمله قریش به مدینه را در جنگ احد و خندق به پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاع داد.

عباس، دو ماه قبل از فتح مکه به سوی مدینه هجرت کرد. و از آن پس مستقیماً جزء یاران و صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد و از مهاجران شمرده شد. وی مورد توجه و عنایت خاص پیامبر صلی الله علیه و آله بود، «(۲)» در جنگ حنین نیز فداکاری‌های زیادی انجام داد.

عباس در سال ۳۳ هجری در عصر خلافت عثمان دار دنیا را وداع گفت. و در قبرستان بقیع در کنار قبر فاطمه بنت اسد دفن شد. «(۳)» ۳- عبدالله بن جعفر

پس از مهاجرت گروهی از مسلمانان، به سرپرستی جعفر بن ابی طالب از مکه به سوی حبشه، و اقامت در آنجا، خداوند به جعفر فرزندی داد که نامش را عبدالله گذاشت. عبدالله اولین مولود مسلمانی بود که در حبشه به دنیا آمد.

پدرش جعفر، در سال هفت هجری و در سال فتح خیبر از حبشه، به مدینه بازگشت و در سال هشتم، به فرماندهی سپاهی که زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه فرمانده دوم و سوم آن بودند عازم مته شد و در آنجا شهید گردید ...

رسول خدا صلی الله علیه و آله با نشان دادن عکس العمل شدید نسبت به شهادت او و همراهانش، ایثار و فداکاری جعفر را ستود و برای تسلیت به خانواده‌اش به منزل وی رفت و بشارت خدا را نسبت به جعفر بدینگونه اعلان کرد که: خداوند متعال به جای دو بازوی جدا شده او در جنگ مته، دو بال به او داده است تا در بهشت همانند فرشتگان پرواز کند و بدین جهت او را جعفر طیار لقب داده‌اند. «(۴)» و اما عبدالله پسر جعفر هم مورد محبت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، او کسی است که در کودکی با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با آنکه معمولاً بیعت کودکان را نمی‌پذیرفت بیعت او را پذیرا شد. «(۵)» عبدالله همسر بانوی بزرگ اسلام حضرت زینب کبری علیه السلام است. و بهر حال او مردی سخاوتمند و جوانمرد و از حامیان علی بن ابیطالب علیه السلام بود، «(۶)» که در سال ۸۰ هجری و در نود سالگی در مدینه فوت کرد و در قبرستان بقیع، کنار قبر عمویش عقیل دفن گردید. «(۷)»

۱- تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۴۰۶ و ۴۱۶

۲- الاصابة ابن حجر ج ۲ ص ۲۷۱

۳- مدینه‌شناسی ص ۳۴۵-۳۴۲

۴- تاریخ یعقوبی ج ۱ ص ۴۲۷.

۵- مستدرک حاکم ج ۳ ص ۵۶۶

۶- مقاتل الطالبیین ص ۱۳۳

۷- وفاء الوفا جلد ۳ ص ۹۱۱

## ۴- ام البنین مادر ابوالفضل علیه السلام

ام البنین دختر حزام بن خالد همسر علی بن ابی طالب علیه السلام بود، او مادر چهارپسر یعنی حضرت عباس، جعفر، عثمان و عبدالله است که تمامی این فرزندان در کربلا شهید شدند. «(۱)» این بانوی گرامی به امام حسین علیه السلام بیش از فرزندان خود علاقه داشت.

هر چند نام او فاطمه بود، ولیکن به احترام فاطمه زهرا علیها السلام کمتر به این نام خوانده می‌شد.

و فقط او را به خاطر فرزندانش ام البنین (مادر پسران) می‌خواندند. وی در مدینه از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد. قبر او در کنار قبر عمه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله (صفیه و عاتکه) قرار دارد.

## ۵- حلیمه سعدیه

وی از قبیله بنی سعد بن بکر و دختر ابو ذؤیب، عبدالله بن حارث است او مدتی دایه و مادر رضاعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است او نیز در بقیع مدفون، و قبرش معروف است.

علی بن موسی مولف «کتاب وصف المدینه المنوره» می‌نویسد: قبر او در جهت شمالی قبر عثمان قرار دارد که در سال ۱۳۰۳ هجری دارای گنبد و بارگاه بوده است ... «(۲)» ۶- اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام

اسماعیل بزرگترین فرزند امام صادق علیه السلام و مورد علاقه شدید آن حضرت بود. «(۳)» مادرش فاطمه دختر حسین بن علی علیه السلام می‌باشد «(۴)» که در زمان امام صادق علیه السلام در سال ۱۳۳ هجری فوت کرد. امام علیه السلام در فوت او شدیداً گریست و بدون کفش و عبا به استقبال جنازه وی که از منطقه عریض به مدینه حمل می‌شد، رفت. در بین راه چندین بار جنازه را به زمین نهاد و صورتش را باز کرد و سپس او را در بقیع دفن نمود.

و این عمل بدین جهت بود که برخی خیال نکنند اسماعیل امام بوده و نمرده است. «(۵)» ولی با این حال، عده‌ای از طرفدارانش او را مهدی موعود پنداشته و امامت را

۱- اعلام الوری طبرسی ص ۲۰۳

۲- مدینه‌شناسی ص ۴۳۵

۳- اعلام الوری طبرسی ص ۲۸۴

۴- مناقب ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۲۸۰

۵- تلخیص الشافی ج ۴ ص ۲۰۲

حق مسلم او و فرزندانش بعد از امام ششم می‌دانند. شیعیان اسماعیلی از این طایفه می‌باشند. «سمهودی» قبر او را در مقابل قبر عباس در سمت مغرب آن می‌داند ... «(۱)» مقبره او دارای بقعه بوده است که پس از خیابان کشی، از قبرستان جدا و سپس تخریب شد.

۷- محمد بن حنفیه

اسم او محمد اکبر، پسر علی بن ابیطالب علیه السلام است وی نیز در قبرستان بقیع دفن شده است. «(۲)» محمد با آنکه به امامت علی بن الحسین علیه السلام معتقد بود ولی پس از قیام مختار برخی او را امام و حتی مهدی موعود خوانده‌اند. مورخین مرگ او را در سال ۸۱ هجری ذکر کرده‌اند. «(۳)» ۸- قبور عمه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله دو تن از عمه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نام‌های صفیه و عاتکه در بقیع دفن شده‌اند و برخی معتقدند که سه تن از عمه‌های آن حضرت در آنجا مدفونند.

شرح حال مختصر آنها:

الف- صفیه دختر عبدالمطلب- که با حمزه سید الشهداء از جهت پدر و مادر یکی بودند. وی همسر عوام بن خویلد برادر حضرت خدیجه و مادر زبیر بن عوام است. صفیه در نبرد احد حضور داشت و آنگاه که در کنار جسد مثله شده برادرش قرار گرفت سخنانی سوزناک و پرمعنی ایراد کرد.

در جنگ خندق همراه حسان بن ثابت و دیگران، در کوشک فارغ، به حراست شهر و نگهبانی از خانه‌ای که زنان و کودکان به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جمع بودند، پرداخت، می‌نویسند: او یک یهودی مهاجم را نیز با شمشیر از پای در آورد، و بدین خاطر، مورد تقدیر پیامبر قرار گرفت.

صفیه در سال ۲۰ هجری در مدینه از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد.

ب- عاتکه دختر عبدالمطلب- عاتکه و دو خواهرش امیمه و بّره از مادر دیگری به نام فاطمه بنت عمرو بن عابد بن عمران بودند. «(۴)» همسر او امیه بن مغیره بن عبدالله بود.

وی از او دو پسر داشت: به نام‌های زهیر و عبدالله. ظاهراً زهیر اسلام نیاورد

۱- وفاء الوفا ج ۳ ص ۹۲۰

۲- طبقات الکبری ابن سعد ج ۵ ص ۹۱-۱۱۶

۳- تهذیب التهذیب ج ۶ ص ۳۵۴

۴- تاریخ یعقوبی ج ۱ ص ۳۶۴

ولکن عبدالله با ابوسفیان بن حارث و عباس مسلمان شده و به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. به هر حال عاتکه پیش از وقوع جنگ بدر، شکست قریش را در رویا دیده بود. و سرانجام به مدینه هجرت کرد و در آنجا از دنیا رفت و در کنار قبر خواهرش صفیه به خاک سپرده شد. «(۱)» ۹- ابوسفیان بن حارث ابوسفیان نوه عبدالمطلب و پسر عموی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد، او شبیه ترین افراد به پیامبر بود و پیش از فتح مکه، مسلمان شد.

در جنگ حنین هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در تنگه حنین به محاصره در آمد، و یارانش پا به فرار گذارده بودند، او با اخلاص فراوان به دفاع از اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت، حضرت او را مورد تجلیل قرار داد و از اهل بهشت معرفی کرد. وی در سال ۲۰ هجری در مدینه فوت کرد و در کنار مقبره ای در بقیع که بعدها به مقبره عقیل شهرت یافت، دفن گردید. «(۲)» ۱۰- عقیل پسر ابوطالب و برادر علی علیه السلام

او فرزند ابوطالب و مادرش فاطمه بنت اسد می باشد که ده سال از جعفر و بیست سال از علی علیه السلام بزرگتر بود. سه فرزند او به نام های مسلم، عبدالله و عبدالرحمن در کربلا و کوفه شهید شدند. نسل عقیل تنها از فرزند دیگرش محمد بن عقیل ادامه یافت.

عقیل در علم انساب عرب شهرتی بسزا داشت. وی در جنگ بدر مسلمان شد، و در جنگ حنین فداکاری های زیادی نمود. عقیل در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله محبوب بود، و حضرت بدو چنین فرمود: تو را به دو جهت دوست دارم. ۱- به خاطر قرابت و خویشاوندی با من.

۲- به خاطر محبت عمویم ابوطالب به تو. «(۳)» او در آخر عمر نابینا شد و پیش از کشتار و قتل عام مدینه توسط یزید در واقعه «حرّه» در مدینه از دنیا رفت و در دار عقیل سمت غربی قبرستان بقیع که بعداً عبدالله جعفر و ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب نیز در آنجا دفن شدند، به خاک سپرده شد. این مقبره قبلاً قبه و بارگاه داشت، که از بین رفته است. «(۴)»

۱- مدینه شناسی ص ۳۹۵

۲- عقدالفریدج ۶ ص ۱۱۵

۳- مجمع الزوائد ابن حجر ج ۹ ص ۲۷۳

۴- مدینه شناسی ص ۳۵۳



۱۱- همسران پیامبر صلی الله علیه و آله

الف- زینب بنت جحش- او و برادرش عبدالله بن جحش از مسلمانان نخستین هستند، وی به اصرار پیامبر صلی الله علیه و آله به عقد زید بن حارثه پسر خوانده پیامبر صلی الله علیه و آله که از بردگان آزاد شده بود در آمد. شاید رسول خدا صلی الله علیه و آله می خواست با این کار، رسم جاهلی را که: اشراف با بردگان آزاد شده ازدواج نمی کردند، بشکند.

می گویند زینب در آغاز خواستگاری، تصور کرده بود که: پیامبر صلی الله علیه و آله او را برای خود خواستگاری کرده است و لذا تمایل فراوان نشان داد، ولی بعداً که معلوم شد حضرت او را برای زید خواستگاری نموده است، به احترام پیامبر پذیرفت.

این ازدواج تا سال پنجم هجری ادامه داشت. ولیکن زندگی آنان، بی اندازه سرد و کم فروغ بود و سرانجام منجر به طلاق گردید. از سوی دیگر طبق سنت غلط جاهلی، ازدواج مرد با همسر پسر خوانده خود ممنوع بود.

ولی قرآن این سنت را منسوخ کرد، زیرا اصولاً پسر خوانده، پسر واقعی انسان نیست و آثار حقوقی فرزند انسان را ندارد ولی شکستن این سنت غلط، کار آسانی نبود. از این رو بنا به دستور وحی، این سنت شکنی به عهده پیامبر صلی الله علیه و آله نهاده شد.

حضرت پس از طلاق گرفتن زینب، به امر خدا با او ازدواج کرد.

قرآن نیز در آیه ۳۷ سوره احزاب به این قضیه تصریح کرده است: «فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا...»

«هنگامی که زید او را طلاق داد، ما او را به همسری تو در آوردیم...»

زینب در سال ۲۰ هجری در سن پنجاه سالگی از دنیا رفت و در مراسم تشییع جنازه او رجال صحابه حاضر بودند و در بقیع به خاک سپرده شد. (۱) ب: عایشه بنت ابی بکر- عایشه دختر ابوبکر در سال چهارم بعثت متولد شد مادرش ام رومان دختر عامر بود، او در

سال دوم هجرت و پس از گذشت پنج سال از وفات حضرت خدیجه، با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد.

وی با آنکه طبق شواهد مسلم تاریخی مردم را به قتل عثمان تحریک می کرد ولی پس از خلافت علی علیه السلام و بیعت عموم مردم با آن حضرت، به تحریک بعضی از افراد به عنوان خونخواهی عثمان، جنگ جمل را با همکاری طلحه و زبیر

رهبری کرد و از سپاه علی علیه السلام شکست خورد.

او در سال ۵۸ هجری (و به نقلی در ۵۷) در گذشت و ابو هریره بر جنازه‌اش نماز خواند و در بقیع مدفون شد. «(۱)» ج: حفصه دختر عمر بن خطاب- وی ۱۸ سال پیش از هجرت (پنج سال قبل از بعثت) از مادرش زینب بنت مضعون متولد شد. او با خنیس بن حذافه ازدواج کرد و پس از مرگ وی در سال دوم یا سوم هجرت به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد. «(۲)» می‌گویند: پیامبر او را طلاق داد و پس از مدتی، به دلایلی که خیلی روشن نیست رجوع کرد. «(۳)» به نقل واقدی او در سال ۴۵ هجری در مدینه از دنیا رفت و مروان بر جنازه‌اش نماز خواند، و در بقیع در کنار مقبره همسران پیامبر صلی الله علیه و آله دفن شد. «(۴)» د- ام سلمه- نام او هند بنت ابی امیة بن مغیره، و مادرش عاتکه بنت عمر کنانیه بود. او که از مسلمانان اولیه بود، با ابو سلمه عبدالله بن عبدالاسد که وی نیز تازه به اسلام گرایش پیدا کرده بود، ازدواج کرد. و هر دو جزء نخستین گروه مهاجران، به حبشه بودند.

ام سلمه در حبشه فرزندی به دنیا آورد که وی را «بزه» نام نهاد ولی پیامبر صلی الله علیه و آله بعدها او را زینب نامید. ابو سلمه در جنگ بدر و سپس احد شرکت کرد ولیکن در جنگ احد بر اثر جراحات جنگ شهید شد. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از شهادت ابوسلمه، با ام سلمه ازدواج کرد.

ام سلمه خواهر رضاعی عمار یاسر بود. او به خاطر ایمانش، در میان زنان پیامبر صلی الله علیه و آله از موقعیت ممتازی برخوردار بود. وی همواره مدافع اهل بیت علیهم السلام بود. و حتی چندین بار عایشه را از مخالفت با علی علیه السلام و حرکت برای جنگ جمل بر حذر داشت ولی سودی نبخشید.

ام سلمه تا پس از شهادت امام حسین علیه السلام زنده بود. و او اولین کسی بود که با گریه‌اش بر امام حسین علیه السلام مدینه را در غزا و ماتم فرو برد. «(۵)» وی در سال ۶۱ هجری وفات کرد. «(۶)» و دو فرزندش عمر و سلمه او را در بقیع و در کنار مقبره دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله دفن کردند. «(۷)» ه- ماریه قبطیه- می‌نویسند: «مقومس» پادشاه مصر در پاسخ نامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله،

۱- مستدرک ج ۴ ص ۴

۲- تاریخ طبری ج ۴ ص ۱۲۹۴ ترجمه

۳- حلیة الاولیاء ابونعیم ج ۲ ص ۵۰

۴- مستدرک حاکم نیشابوری ج ۴ ص ۱۵

۵- مناقب خوارزمی ص ۱۱

۶- شذرات الذّهب ج ۱ ص ۶۹

۷- وفاء الوفا ج ۳ ص ۹۱۲

نامه‌ای را در سال ششم هجری همراه با هدایایی به مدینه ارسال داشت که از جمله هدایا، کنیز جوانی بنام ماریه (ماری/ مریم) بود. وی دختر شمعون قبطی مصری است، ماریه در بین راه توسط نامه رسان پیامبر صلی الله علیه و آله «حاطب بن ابی بلتعه» مسلمان شد. پس از مسلمان شدن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله او را به همسری خود انتخاب نمود، که از وی فرزندی به نام ابراهیم به دنیا آمد. و به همین جهت نیز مورد حسادت برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شد، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها از دو همسر دارای فرزند ذکور شد. یکی خدیجه، که قاسم را و دیگر ماریه که ابراهیم را به دنیا آوردند. ولی متأسفانه در مکه فوت کرد و ابراهیم نیز در سن ۲۲ ماهگی در مدینه از دنیا رفت و در بقیع دفن شد. «(۱)» و سرانجام ماریه در سال ۶۱ هجری، در عصر خلافت عمر بن خطاب در مدینه فوت کرد و در بقیع دفن گردید.

و- رمله بنت ابی سفیان (ام حبیبه)- او مسلمانی پاک و با اخلاص بود، که با همسرش عبیدالله بن جحش در یک حرکت قهرآمیز به حبشه مهاجرت نمودند.

همسرش در آنجا به دین نصاری گرایش یافت، و در همانجا از دنیا رفت ولی رمله به اسلام پای بند باقی ماند. به هر حال او که زنی مومن و از خاندان اموی بود، در حالی که از وطن رانده، و در غربت مانده بود در شرایط بسیار سختی قرار داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از راه تفقد و دلجویی توسط نجاشی، پادشاه حبشه، از وی خواستگاری کرد، سرانجام با اعلان رضایت، به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد. این ازدواج از لحاظ عاطفی و سیاسی و مصلحتی اهمیت فراوانی داشت. رمله یا ام حبیبه همچنان در حبشه بود تا آنکه در سال ۷ هجری همراه با آخرین گروه مهاجران، به مدینه بازگشت.

وی در سال ۴۴ یا ۴۶ هجری در مدینه در گذشت و در بقیع به خاک سپرده شد. «(۲)» ز- زینب بنت خزیمه- او دختر خزیمه بنت حارث می‌باشد. زنی مهربان و رؤوف بود که به او ام‌المساکین (مادر مسکینان) لقب داده بودند، او نخست همسر عبدالله بن جحش بود که پس از شهادتش در جنگ احد به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد.

وی در حالی که بیش از سی سال نداشت در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و در ماه ربیع الاخر سال ۴ هجری در گذشت. برخی نوشته‌اند که بیشتر از دو تا سه ماه با

۱- طبقات ابن سعد ج ۸ ص ۱۵۲

۲- الاستیعاب ج ۴ ص ۳۰۶

پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی نکرد و پس از فوت در بقیع به خاک سپرده شد.

ح-صفیه- او دختر حی بن اخطب یهودی بود که نخست با ابو عبید سلام بن مشکم ازدواج کرده بود و سپس از او جدا شد و همسر کنانه بن ابی الحقیق گردید. وی پس از شکست خیبر به اسارت اسلام در آمد و سپس همسر پیامبر گردید.

ابن اسحاق و دیگران گفته‌اند او پیش از شکست خیبر در رؤیا دیده بود که به همسری پیامبر آخر الزمان در آمده است و در این انتظار بود، تا آنکه به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد ...

وی در سال ۵۰ یا ۵۲ هجری در مدینه فوت کرد و در بقیع به خاک سپرده شد. «(۱)» ط- سوده بنت زمعه- پدرش زمعه بن قیس بن عبد شمس و نام مادرش شמוש بنت قیس بن زید بود.

وی نخست با سکران بن عمرو ازدواج کرد و با همسرش به حبشه مهاجرت نمود. ولکن در فوت همسرش در حبشه یا مکه اختلاف است.

به هر حال پس از فوت همسرش پیامبر صلی الله علیه و آله او را به همسری خود برگزید.

او دومین زن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اولین زنی است که آن حضرت پس از فوت خدیجه علیها السلام، با او ازدواج کرده است.

وی در سال ۵۰ یا ۵۴ هجری در مدینه وفات نمود و در قبرستان بقیع دفن شد.

ی- ریحانه بنت زید- وی از قبیله بنی نضیر بود و قبلاً با مردی از بنی قریظه به نام حکم ازدواج کرده بود ولی پس از اخراج یهودیان بنی قریظه از مدینه مسلمان شد و در سال ششم هجری به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد.

طبق نقل مورخان وی در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله در گذشت ولکن به نقل ابن سعد در طبقات، پس از مراجعت پیامبر صلی الله علیه و آله از حجۃ الوداع فوت کرد و حضرت او را در بقیع دفن نمود. «(۲)» ک- جویره دختر حارث- از بنی مصطلق بود. او در

جنگ مُریس (یا جنگ بنی مصطلق) همراه پدرش اسیر شد. وی به درخواست ثابت بن قیس بن شماس، رئیس طایفه بنی مصطلق و تمایل پدرش به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد. و از برکت این ازدواج اسیران بنی مصطلق که یکصد خانوار بودند آزاد شدند. او بیست ساله بود که در سال ۵ یا ۶ هجرت به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد. و در سال ۵۰ یا ۵۶ هجرت، در ایام خلافت مروان بن حکم در مدینه فوت کرد و در بقیع

۱- مدینه شناسی ص ۳۷۶

۲- طبقات ابن سعد ج ۸ ص ۱۲۹

مجاور قبور دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله دفن شد.

۱۲- فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله

الف: ام کلثوم- ام کلثوم یکی از دختران رسول خدا بود که با یکی از دو پسر ابولهب بنام عتبه یا عتیبه ازدواج کرده بود. «(۱)» با نزول سوره: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ...» و قطع رابطه ام جمیل و ابولهب با پیامبر صلی الله علیه و آله، ابولهب فرزندش را به طلاق دادن ام کلثوم مجبور کرد، از آن پس وی در خانه پدر، همراه فاطمه علیها السلام بود که تا پس از مرگ «رقیه» (دختر دیگر پیامبر و همسر قبلی عثمان) بنا به نقلی به همسری عثمان درآمد. «(۲)» وی تا سال نهم هجری زنده بود ولیکن فرزندى برای عثمان به دنیا نیاورد و پس از آن در گذشت.

اسماء بنت عمیس و صفیه بنت عبدالمطلب او را غسل دادند. و در بقیع، در مقبره بنات رسول اللہ صلی الله علیه و آله دفن شد. «(۳)» ابن حجر در «الاصابه» می نویسد که: علی علیه السلام و فضل بن عباس و اسامه بن زید وارد قبر شدند تا او را دفن کنند، اما از حضور عثمان در دفن او خبر و سندی در دست نیست. «(۴)» ب: زینب- مورخین او را بزرگترین دختر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام می دانند که پیش از بعثت متولد شد. «(۵)» او همسر ابوالعاص فرزند ربیع و مادر ابوالعاص نیز «هاله» خواهر خدیجه بود. زینب بعد از ظهور اسلام مسلمان شد ولیکن شوهرش به شرک باقی بود، وی بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله با شوهرش در طائف ماند.

ابوالعاص در جنگ بدر اسیر شد و مقرر گردید هر اسیری برای آزادی خود فدیهای بدهد، و آنگاه این خبر به گوش زینب رسیده گلوبندی را که مادرش حضرت خدیجه به او داده بود، برای مسلمانان فرستاد، پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن گلوبند خدیجه متأثر و پیشنهاد آزادی او را مطرح نمود؛ مسلمانان هم به احترام پیامبر صلی الله علیه و آله ابوالعاص را بدون فدی آزاد ساختند. و بنا شد که ابوالعاص، دختر پیامبر صلی الله علیه و آله را طلاق دهد و به مدینه بفرستد که او نیز موافقت کرد. «(۶)» سرانجام زینب به مدینه هجرت کرد، و ابوالعاص نیز بعدها به مدینه آمد و مسلمان شد، و چون تاجر پیشه بود به مکه برگشت و اموال مردم را رد کرد و پس از تصفیه حساب، به مردم چنین گفت: من مسلمان شدم. و سپس به مدینه آمد و مجدداً با زینب ازدواج کرد.

۱- سیره النبویه ابن اسحق ج ۱ ص ۳۰۲

۲- طبقات ابن سعد ج ۳.

۳- کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۲۹۱

۴- الاستیعاب ج ۴ ص ۴۸۷

۵- سیره ابن هشام

۶- حاشیه سیره حلبیه ج ۲ ص ۴۶

به هر حال زینب در سال ۸ هجری از دنیا رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله بر او نماز گذارد و در بقیع دفن شد. «(۱)» ج: رقیه- رقیه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله که به نقلی همسرش «عتبه» پسر ابولهب بود و او (مانند برادرش عتبه) با فشار پدرش ابولهب، او را طلاق داد. و بعد از مدتی رقیه با عثمان ازدواج، و با او به حبشه هجرت کرد، و سپس همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه بازگشت و در سال دوم هجرت در مدینه فوت نمود و در بقیع دفن شد.

می گویند: او از عثمان فرزندی در حبشه به دنیا آورد که نامش را عبدالله نهاده بودند.

ولی در سال چهارم هجرت بر اثر بیماری فوت کرد. «(۲)» و از آنجا که، عثمان بن مظعون نخستین مسلمانی بود که در مدینه در گذشت، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از فوت رقیه خطاب به وی فرمود: «الحقی بسلفنا عثمان بن مظعون» آنگاه دستور داد او را در مجاورت قبر عثمان بن مظعون دفن کنند. ابن عباس می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله کنار قبر وی نشست، در حالیکه فاطمه زهرا علیها السلام هم در کنارش بود و می گریست. و پیامبر اشک چشم فاطمه علیها السلام را با لباس خود پاک می فرمود.

«وقعد رسول الله صلی الله علیه و آله علی شفی القبر و فاطمه جنبه تبکی فجعل النبوی الله علیه و آله یمسح عین فاطمه بثوبه رحمه لها». «(۳)» لازم به یادآوری است، چنانکه اشاره شد، عثمان بن مظعون نخستین فرد، از مسلمانان بود که در بقیع دفن شد. و پس از آن قبرش نشانی برای مسلمانان گشت تا مردگان خود را در همان حوالی به خاک سپارند.

د: ابراهیم- او از فرزندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و مادرش، ماریه قبطیه بود، «(۴)» در ذی الحجه سال ۸ هجری قمری، به دنیا آمد. قابله اش سلمی، و دایه اش، ام برده دختر منذر بن زید از بنی نجار بود. پیامبر صلی الله علیه و آله به وی علاقه زیادی داشت. او یک سال و ده ماه در کنار پدر بزرگوارش و مادرش بود و سپس در سال دهم هجرت فوت کرد و در بقیع دفن شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در فوت او بسیار ناراحت گردید و بر حسب اتفاق، خورشید در آن روز گرفت، و مردم نیز آنرا معلول مرگ ابراهیم پنداشتند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این چنین نیست، هرگز خورشید و ماه، برای مرگ یا حیات کسی گرفته نمی شود و شما در صورت مشاهده «کسوف» یا «خسوف» باید به نماز بایستید.

۱- مدینه شناسی

۲- طبقات الکبری ج ۳ ص ۴

۳- مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۳۳۵

۴- سیره ابن هشام ج ۲ ص ۲۰۲ عقد الفرید ج ۵ ص ۵ الاصابه عسقلانی ج ۴ ص ۴۰۴ سیره حلبی ج ۳ ص ۳۰۸ مرآت الجنان ج ۱

## بیت الاحزان

خانه غم‌ها و اندوه‌ها!- تعبیری است از مکانی که فاطمه علیها السلام پس از رحلت پدر و هجوم مصائب فراوان در آنجا به سوگ می‌نشیند و گریه و ناله سر می‌دهد.

در اصل وجود چنین مکانی تردیدی وجود ندارد و شواهد تاریخی صدر اسلام و روایات فراوانی از شیعه و سنی آن را تایید می‌کند ولی در اینکه مکان آن کجا است، اختلاف تاریخی وجود دارد. باز در اینکه فاطمه علیها السلام در مدت کوتاه عمرش پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله همواره گریان و نالان بود، شکی نیست. ابن سعد در طبقات و ابونعیم در حلیه الاولیاء از محمد بن علی بن الحسین (امام باقر علیه السلام نقل می‌کنند که گفت: هرگز فاطمه زهرا علیها السلام را پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله خندان ندیدند! «(۱)» ابن شهر آشوب روایت مفصلی را با قاطعیت چنین بیان می‌کند:

فاطمه علیها السلام همواره پس از پدرش سر خود را بسته و با جسمی نحیف و قدی خمیده، گریان و دل سوخته بود، ساعتی غش می‌کرد و ساعتی به هوش می‌آمد و به فرزندانش می‌گفت: کجاست پدرتان که شما را گرمی دارد و بارها شما را به شانه خود سوار کند؟! سوار می‌کرد!

کجاست پدرتان که از همه مردم به شما مهربان‌تر بود و نمی‌گذاشت که روی زمین راه بروید (یا در بغل می‌گرفت و یا بر شانه‌اش سوار می‌کرد)

دیگر هرگز او را نمی‌بینیم که در این خانه را باز کند و شما را بر شانه‌اش سوار نماید چنانکه همیشه این کار را می‌کرد. (او سپس مریض شد و چهل شب به همین بیماری باقی ماند ... «(۲)» فاطمه علیها السلام تا پایان عمرش در رابطه با این مصیبت و اندوه و مظالم گریان بود و با همان ناراحتی از دنیا رفت و طبق وصیت او، شبانه و مخفیانه دفن شد و راضی نشد کسی بر جنازه او حاضر شود و قبر او هنوز هم مخفی است. «(۳)» با مراجعه به منابع تاریخی و روایتی، تردیدی نیست که فاطمه علیها السلام در ایام کوتاه حیاتش پس از رحلت پدر، مکرر این حزن و تاثیر شدید را در میان جمع اهل خانه، و بر مزار فاطمه بنت اسد یا قبر حمزه بن عبدالمطلب، و مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله، یا در خانه‌ای محقر در سمت شمالی قبرستان بقیع از خود بروز می‌داده است. فیروز آبادی می‌گوید: آن مکان تربت زهرا علیها السلام است که معروف به بیت الاحزان است ... «و موضع تربته يعرف ببیت الأحزان، يقال انه البیت

۱- مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۴۲

۲- مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۴۲

۳- . وفاء الوفا ج ۲ ص ۹۱۸

الذی آوت إليه فاطمة رضی اللہ تعالیٰ عنها و الترمتم الحزن فيه بعد وفاة أبيها سيد المرسلين صلى اللہ عليه و سلم»  
سمهودی خود می‌افزاید: «والمشهور ببیت الحزن إنما هو الموضع المعروف بمسجد فاطمة فی قبله مشهد الحسن و العباس». (۱) بر  
این اساس آنجا خانه‌ای بوده که فاطمه در آنجا در سوگ پدرش می‌گریست. شاید هم بعدها همین جا مقبره او شد! و آنگاه مسجد  
فاطمه علیها السلام نام گرفت که آن را بیت الاحزان نیز می‌گفتند.

همه مورخان و سیاحان مدینه بدون استثنا، از بیت الحزن به‌عنوان یکی از اماکن زیارتی اهل مدینه و از بقاع دیدنی زائران مدینه یاد  
کرده‌اند.

«ابن جبیر» سیاح مسلمان که در قرن ششم هجری (نه قرن پیش) مدینه را دیده است، از خانه فاطمه در مجاورت قبه عباس بن  
عبدالمطلب که به بیت الحزن شهرت داشته، یاد کرده و می‌نویسد: «ویلی القبة العباسیة بیت لفاطمة بنت الرسول صلی اللہ علیہ و سلم.  
و يعرف ببیت الحزن». در کنار مقبره عباس در بقیع خانه‌ای متعلق به فاطمه علیها السلام بود که معروف به بیت الأحزان است.  
میرزا حسین فراهانی در سفرنامه خود، (۲) از این بقعه چنین یاد کرده است: «در بقیع در حجره‌ای که بیت الأحزان می‌گویند و آن  
در پشت گنبد ائمه بقیع، بقعه کوچکی است که بیت الأحزان فاطمه زهرا سلام اللہ علیها است. و یک ضریح کوچکی از آهن در  
این بقعه است».

برای تایید بیشتر مطلب ذیلًا اسناد و شواهد تاریخی دیگری نقل می‌شود:

علی بن موسی آشکارا بنایی را در سمت شمالی بقعه ائمه وصف می‌کند، او می‌نویسد: «قبة لا شیئی فیها- و تعرف بقبة الأحزان لا  
یزورها الا الشیعة من الاعجام و غیر هم فی زمن الموسم»: در آنجا قبه‌ای است که هیچ چیز در آن نیست و معروف به بیت الأحزان  
است، در ایام حج فقط شیعیان عجم و غیر عجم آن را زیارت می‌کنند.

نایب الصدر شیرازی ساختمان قبه را دیده و آن را در سفرنامه خود «تحفة الحرمین» (۳) چنین وصف کرده است: «... و دیگر شیخ  
احمد احسائی در مقابل بیت الأحزان متصل به دیوار بقعه حضرت حسن مدفون شده ... و در بقعه ائمه بقیع می‌گویند جنابصدیقه  
طاهره مدفون هستند. چنانکه در بیت الأحزان هم احتمال داده‌اند».

۱- وصف المدينة المنورة ص ۱۱

۲- صص ۲۸۳ و ۲۸۶

۳- ص ۲۲۸



«ابراهیم رفعت پاشا» در «مرآة الحرمین» (۱) ضمن وصف آثار بقیعصریحاً می‌نویسد: «وهناك قبه الحزن يقال انها في البيت الذي آوت اليه بنت النبي و التزمت الحزن فيه بعد وفاة ابيها...» در آنجا قبه‌ای است که قبه حزن نامیده می‌شود و می‌گویند آن در خانه‌ای بود که فاطمه علیها السلام پس از وفات پدرش همواره به آنجا می‌رفت و به سوگ می‌نشست.

بر این اساس بیت الأحنانی که تا یک قرن پیش مورد زیارت ایرانیان و شیعیان بوده، همان مکان و محلی است که در مجاورت جنوبی قبور اهل بیت در بقیع وجود داشته است.

این نشانه با آنچه که در چند دهه اخیر مشهور است تفاوت اساسی دارد.

مکانی که فعلاً بیت الأحنان نامیده شده، به‌صورت زمین مسطح با آثاری از بنا، در سمت شرقی قبرستان بقیع و با فاصله‌ای خارج از بقیع جای دارد! و هیچ مأخذ و مستندی از قرون گذشته برای تأیید آن وجود ندارد.

مرحوم «سید مصطفی عطار» که پس از ۹۰ سال زندگی در مدینه به سال ۱۳۹۸ ه از دار دنیا رفت، با توجه به سوابق و شناسایی خویش از مدینه در سال ۱۳۹۶ ه ق به مولف کتاب «مدینه‌شناسی» (۲) گفته است:

«تحقیقات زیادی انجام شد. و آنچه که می‌توان به‌عنوان بیت الأحنان خواند، همان محل مجاور قبور اهل بیت در بقیع می‌باشد».

«(۲)» قبر حضرت عبدالله علیه السلام

عبدالله پسر عبدالمطلب پدر حضرت محمدصلی الله علیه و آله بود.

او کوچکترین پسر عبدالمطلب و مادرش فاطمه بنت عمرو است.

همسر عبدالله آمنه دختر وهب از قبیله بنی زهره است.

وی پس از ازدواج، به‌دستور پدر برای تجارت خرما به مدینه رفت و در آنجا مریض شد و در سن ۲۵ سالگی در نزد دایی‌های

پدرش از طایفه «بنی النجار» در گذشت و در خانه‌ای معروف به دارالنابعه به خاک سپرده شد. «(۴)» سلمی همسر هاشم مادر

عبدالمطلب از بنی نجار بود.

حضرت محمدصلی الله علیه و آله در سن شش سالگی با مادرش آمنه به مدینه آمد و چند روزی در همان خانه توقف کرد.

آن حضرت بعد از هجرت به آن نگاه می‌کرد و می‌فرمود: در این جا با مادرم

۱- ج ۱، ص ۴۲۶

۲- وصف المدینه المنوره ص ۴۴

۳- تاریخ الخمیس ج ۱ ص ۱۸۲

۴- طبقات الکبری ج ۱ ص ۱۱۶

وارد شدیم و آنجا قبر پدرم می‌باشد. در دوران حکومت عثمانی‌ها بقعه و بارگاهی بر فراز قبر عبدالله ساخته بودند. صاحب «مرآة الحرمين» از ضریح عبدالله پدر پیامبر صلی الله علیه و آله نام می‌برد. «(۱)» که بسیاری در سال‌های اخیر به زیارت آن نائل آمده‌اند. ولی در دو دهه اخیر از آن خبری نیست و با سایر اماکن اطراف مسجد النبی صلی الله علیه و آله مشمول توسعه و تخریب واقع شده است، مکان قبر عبدالله در سمت جنوب غربی مسجد النبی صلی الله علیه و آله در منتهی الیه مصلی قبلی بوده است. «(۲)» خانه امام جعفر صادق علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام این خانه در جنوب شرقی مسجد النبی صلی الله علیه و آله قرار داشت. و از نظر تاریخی باید گفت که: در مجاورت محله بنو مالک بن نجار و خانه‌های بنو غنم بن نجار بوده است.

این محل با توجه به اسناد بیان شده پیرامون تاریخ مسجد النبی صلی الله علیه و آله، در جنوب منزل مرید سهل و سهیل قرار داشت. به گفته ابن سعد در «الطبقات الکبری» «(۳)» به نقل از محمد بن عثمان «وكانت لحارثة بن النعمان منازل قرب منازل النبی علیه السلام بالمدينة فکان کما احدث رسول الله اهلا- محول له حارثة بن النعمان عن منزل بعد منزل حتی قال النبی صلی الله علیه و آله لقد استحييت من حارثة بن النعمان مما يتحول لنا عن منزله ...».

خانه حارثة با چنین موقعیتی در شهر مدینه دست به دست گشت تا اینکه در حوالی سال‌های ۱۰۰-۱۴۷ ه. ق. و بنا به تأیید سمهودی در: «وفاء الوفا باخبار دار المصطفی» «(۴)» به ملکیت امام جعفر بن محمد علیهما السلام در آمد و خانه مسکونی او گشت. موقعیت جغرافیایی خانه امام جعفر صادق علیه السلام، در بافت قدیمی مدینه مشهور خاص و عام بود. و این خانه در مجاورت خانه ابویوب انصاری و خانه امام باقر علیه السلام نیز در کنار آن قرار داشت. خانه امام زین العابدین علیه السلام را نیز در همین مکان دانسته‌اند که متأسفانه همه اینها در نوسازی اخیر از بین رفته است، مخصوصاً خانه امام صادق علیه السلام که مؤسس بزرگ‌ترین دانشگاه جهان اسلام در عصر تاریک حکومت بنی امیه بوده و چهار هزار شاگرد متخصص و ورزیده را در علوم و فنون مختلف پرورش داده است ... «(۵)»

۱- مدینه‌شناسی ص ۳۹۹

۲- مدینه‌شناسی

۳- ج ۳، قسم ثانی، ص ۵۱

۴- ج ۱، ص ۷۳۳

۵- معجم البلدان ج ۱ ص ۳۰۱

## محلّه بنی هاشم

محلّه بنی هاشم که در بین بقیع و مرقد مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله و مسجد النبی صلی الله علیه و آله در ضلع جنوب شرقی (و شرق) مسجد قرار داشت محلّه‌ای آباد و پر برکت و سراسر خاطره بود.

در این محلّه بسیاری از امامان معصوم علیهم السلام چشم به دنیا گشودند و محلّ تربیت و نشو و نماى ائمه هدی، و امامزاده‌ها و سادات بزرگوار زیادی بوده است.

خانه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و زین العابدین علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و امام موسی بن جعفر علیهما السلام و ... در این محلّه بود. قدم به قدم این منطقه برای هر مسلمان بخصوص شیعه تاریخ پر فراز و نشیب اهل بیت علیهم السلام را تداعی می‌کند. در هر منطقه‌ای که پا می‌گذارد، جای پای یک امام معصوم یا ائمه معصومین علیهم السلام است.

در توسعه‌های اخیر بویژه طرح جدید توسعه و نوسازی حرم تمامی این منطقه‌ها صاف شده است و آثاری از محلّه بنی هاشم و خانه جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام که روزگاری بزرگترین دانشگاه جهان بود، وجود ندارد. خانه ابویوب انصاری نیز جزء همین طرح از بین رفته است.

کوچه‌ای که قبلاً به محلّه بنی هاشم منتهی می‌شد از روبروی باب البقیع فعلی مسجد النبی صلی الله علیه و آله، که به تازگی باز کرده‌اند، قرار داشت. و محلّه عموماً در سمت راست انسان هنگام رفتن از مسجد النبی صلی الله علیه و آله مستقیماً و از باب بقیع و پیش روی مسجد به طرف بقیع قرار گرفته است.

## مساجد دیگر مدینه

## ۱- قبا نخستین مسجد در اسلام

قبا به ضم قاف دهکده‌ای بوده که در ۳/۵ کیلومتری جنوب غربی قبله مدینه واقع شده است.

قزوینی در «آثار البلاد و اخبار العباد» (۱) می‌نویسد: قبا قریه‌ای است در دو مایلی مدینه.

و یاقوت حموی می‌گوید: قبا در اصل نام چاهی بود و محل سکونت بنو عمرو بن عوف انصاری. (۲)

## ۱- ص ۱۰۳

## ۲- زادالمعاد ابن قسیم جوزی ج ۲ ص ۵۴

همدانی در «صفه جزیره العرب» (۱) تألیف نیمه اول قرن سوم هجری، قبا را ارض یثرب می‌داند. پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله مردم مدینه و قبا از هجرت آن حضرت آگاه شده بودند و هر روز و هر لحظه در انتظار ورود آن حضرت بودند و سحرگاهان تا منطقه حره به استقبالش می‌شتافتند. (۲) سرانجام روز موعود رسید و مسلمانان با گفتن الله اکبر قدم پیامبر صلی الله علیه و آله را با شور و شغف فراوان خوش آمد گفتند و آیه ۴ سوره تحریم نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله خانه کلثوم بن هدم را برای سکونت خود اختیار نمود، و خانه سعد را برای پذیرایی واردین قرار داد تا هر دو راضی باشند.

از جمله یاران باوفای آن حضرت که در قبا منزل داشتند، و آن جناب نسبت به آنها علاقه‌مند بود و گاهی هم به منزل آنان رفت و آمد می‌فرمود، تیره‌ای از مردم «اوس» بودند که به آنها «بنی سالم بن عوف» می‌گفتند. در هر حال حضرت در قبا چهار روز و به قولی ۱۲ روز توقف کرد، و منتظر ورود حضرت علی علیه السلام و بعضی از نزدیکان خود بود. (۳) پیغمبر صلی الله علیه و آله هنوز در قبا بودند که علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و ام کلثوم دختران آن حضرت، و سوده همسر آن جناب و فاطمه بنت اسد مادر علی علیه السلام و ام ایمن مادر اسامه بن زید، از مکه معظمه حرکت، و در قبا بر حضرت وارد شدند.

ابن اثیر در کامل (۴) می‌نویسد: وقتی که علی علیه السلام وارد قبا شد پیامبر او را در آغوش گرفت و به خاطر ورم و ناراحتی‌های پایش گریست و آنگاه آب دهانش را با دست خود بر پاهای او مالید و حضرت علی علیه السلام بعد از آن تا وقت مرگ هرگز از درد پا شکایت نکرد.

با ورود پیامبر صلی الله علیه و آله، قبا اولین پایگاه مسلمانان پرشور و پیشگام، پذیرا شوندگان هجرت پربار و تاریخ ساز اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله گردید.

قبا جایگاه نخستین مسجدی است که باصفا و ایمان و براساس تقوی ساخته شده است. دلایل زیادی و منابع متعددی وجود دارد که مسجد قبا را نخستین مسجد می‌دانند.

پیامبر به محض ورود به قبا در خانه‌ای که متعلق به «کلثوم بن هدم» و به قولی سعد بن خیمه بود سکونت گزید. و زمینی که متعلق به کلثوم بن هدم بود و در آنجا

۱- ص ۲۶۴

۲- سیره ابن هشام

۳- اخبار مدینه

۴- ج ۲ ص ۷۵

خرما خشک می کردند و آن را مرید می گفتند، مسجد را تاسیس فرمود. و در بنای آن زحمات زیادی کشید. شمس بنت نعمان می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله را در هنگام ورود به قبا و تاسیس این مسجد دیدم که سنگ‌ها و صخره‌ها را به سختی حمل می کرد، مردی از یارانش آمد و گفت پدر و مادرم فدایت باد به من بده تا من بیاورم من به جای شما کار می کنم. حضرت فرمود: نه، لازم نیست، تو هم برو مثل این سنگ را بیاور تا مسجد را زودتر بنا کنیم. پیامبر در هنگام کار، این شعار یا شعر را می خواند: افلح من يعالج المساجدا ... سازندگان مساجد رستگارانند.

تاسیس قبا به دست مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله در هر حال همانطور که گفته شد پیغمبر صلی الله علیه و آله، به محض ورود به سرزمین قبا، بلافاصله دستور داد که در این سرزمین، مسجدی ساخته شود.

این مسجد را حضرت به دست مبارک خود، و کمک اصحابش ساخت، و فرمود: «جبرئیل در ساختن آن به من کمک کرد و مهندس آن بود»

در عظمت این مسجد، همین بس که در حق آن آیه مبارکه ۱۰۸ سوره توبه: «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ ...» نازل شده است.

یعنی مسجدی که اساس آن بر پایه پرهیزگاری گذارده شده، احق واولی است که در آن نماز به جا آوری ... فضایل این مسجد

۱- اولین مسجد در اسلام است و روایات زیادی این معنی را تایید می کند.

یحیی بن حسن از علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: منظور از آیه «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ» مسجد قبا است. «(۱)» مرحوم کلینی در کافی طی حدیثی نقل می کند که منظور از این آیه، مسجد قبا است. «(۲)» گر چه برخی هم مسجد قبا و هم مسجد النبی صلی الله علیه و آله را مصداق این آیه دانسته اند.

ابن شیبۀ و ابن زباله در اخبار مدینه و طبرانی در الکبیر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که: «الصلوة فی مسجد قبا کعدل عمره او کعمره» ثواب نماز در مسجد قبا

۱- فروع کافی ج ۴ ص ۵۶

۲- وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۲۷۸

معادل ثواب عمره یا همانند عمره است. «(۱)» بعدها نیز پیامبر صلی الله علیه و آله مرتباً به قبا می‌رفت و در آنجا نماز می‌خواند. در برخی از روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله روزهای شنبه هر هفته به این مسجد می‌آمد و نماز می‌خواند. در صحیح مسلم و صحیح بخاری نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله پیاده و سواره به مسجد قبا می‌آمد و دو رکعت نماز در آن می‌خواند.

ساختمان جدید آن در صفر ۱۴۰۵ ه شروع شد و مساحت ۱۳۳۳ متر مربعی آن به ۶۰۰۰ متر مربع افزایش یافت و با ۵۶ قبه و گنبد به قطر ۵/۳۰ متر و گنبد بزرگ با قطر هر یک ۴۲ متر به ارتفاع بین ۱۸/۳۰ تا ۲۴/۳۰ متر دارای چهار مناره به طول هر یک ۴۲ متر با تجهیزات مدرن افتتاح شد.

بناهای تاریخی اطراف مسجد قبا

در سمت جنوب غربی مسجد قبا تا این اواخر قبه‌ای بود که آن را قبه امیر مومنان علی علیه السلام می‌گفتند، و در جنوب قبه علی علیه السلام قبه دیگری بود منسوب به فاطمه زهرا که آن را مسجد السیده فاطمه زهرا می‌گفتند. صاحب مرآت الحرمین می‌گوید: آنجا مکانی بود که فاطمه علیها السلام جو، آسیاب و آرد می‌کرد و همانجا نماز می‌خواند و عبادت می‌نمود.

شاید هم آن دو مکان، خانه «کلثوم بن هدم» و «سعد بن خیثمه» بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در مدت اقامت خود در قبا در آنجا ساکن بودند.

سمهودی در تاریخ مدینه می‌نویسد: انتساب این دو مکان به علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام بدان جهت است که چون پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت در آنها اقامت داشت و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نیز در آن مکان به پیامبر ملحق شدند و مدتی نیز در آنجا بودند ...، به علی علیه السلام و یا فاطمه علیها السلام نسبت داده شد.

در همین مکان خانه‌ای بود که آن را نیز به فاطمه و علی علیه السلام نسبت می‌دادند و می‌گفتند: محل زفاف این دو بزرگوار است. ضمناً تا پایان ساختمان مسجد النبی صلی الله علیه و آله و حجرات اطراف آن، که مدتی طول کشید، بعید نیست همین جا خانه علی علیه السلام و فاطمه زهرا بوده باشد.

و اگر ازدواج علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را در سال‌های اول هجرت آنهم اوایل سال

اول بدانیم این احتمال قوی تر به نظر می‌رسد ...

لازم به یاد آوری است که این مکان فعلاً وجود ندارد و تخریب شده است.

## ۲- مسجد شجره، میقات حج

«میقات» از واژه موقت به معنای مکان یا زمان ملاقات است. و در فرهنگ اسلامی به مکانهایی گفته می‌شود، که حج مسلمانان از آنجا آغاز می‌گردد و در آنجا باید لباس احرام بپوشند و لبیک بگویند و دعوت خدا را پذیرا شوند.

گویی هر زن و مرد حاجی از این مکان به دیدار حق و ملاقات خدا و مهمانی او می‌شتابد و به همین جهت زائران خانه خدا را «ضیوف الرحمن» می‌نامند. «ذوالحلیفه» که مسجد شجره در آنجا قرار دارد، در ده کیلومتری مدینه در کنار جاده مدینه-جده واقع شده است و امروز «ایبار علی» (چاهای علی) نیز نامیده می‌شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حجه الوداع در حالی که هزاران نفر در رکاب آن حضرت بودند، در این مسجد چهار رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) خوانده، سپس احرام بسته و لبیک گفتند.

مسجد شجره میقات همه کسانی است که از مدینه به سوی مکه می‌روند.

پیامبر اسلام که سه بار عمره و حج انجام داد، در این محل محرم شد. این سفرها عبارت بودند از سفر عمره که منجر به پیمانصلح «حدیبه» شد و سفر عمره القضاء در سال ۷ هجرت و آخرین بار «حجه الوداع» و از آن تاریخ اینجا یکی از میقات‌های حج [\(۱\)](#) مقرر شد. [\(۲\)](#) علت اینکه اینجا مسجد شجره نامیده شده این است که در آنجا درختی به نام «سمره» وجود داشته است که پیامبر اسلام در زیر آن نماز خواند و احرام بست. [\(۳\)](#) و بعدها مسجدی در آنجا ساخته شد.

تا سال‌های اخیر این جا مسجد کوچکی بود که مقداری از آن سقف، و باقیصحن مسجد محسوب می‌گردید اما اکنون بسیار وسیع و تمام مسقف ساخته شده و از مساجد بزرگ مدینه و اطراف آن محسوب می‌شود.

## ۳- مسجد غمامه

از مسجد غمامه گاهی به مصلی و گاهی به مسجد استسقاء تعبیر شده است.

مصلی از آن جهت گفته شده که پیامبر صلی الله علیه و آله نماز عید فطر و عید قربان را، در

۱- طبقات ابن سعد ج ۲ ص ۱۷۲

۲- تحدید المواضع ص ۲۹۷

۳- . وفاء الوفا

آن مکان که فضای باز و خارج از مسجدالنبی صلی الله علیه و آله بوده می خوانده اند که بعدها مسجد شده است. و از این جهت مسجد استسقاء نامیده شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای طلب باران به آن مکان می رفت و نماز طلب باران می خواند. پس از بررسی و جمع بندی روایات تاریخی درباره این مسجد به این نتیجه می رسیم که این هر سه، نام یک مسجد است که در محلی به نام «مناخه» به همین نام (مسجد غمامه) قرار دارد و آن مسجدی است که در غرب یا جنوب غربی مسجدالنبی صلی الله علیه و آله است. «ابن شیبیه» در تاریخ المدینة المنورة نقل می کند که فاصله این مسجد تا مسجدالنبی صلی الله علیه و آله هزار ذراع یعنی ۵۰۰ متر است. غمامه یعنی ابر و این نام بدان جهت است که در روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از اعیاد در هوای بسیار گرم مشغول نماز بود که به امر خداوند قطعه ابری بالای سر آن حضرت (ویارانش) سایه افکند و تا پایان نماز بود و سپس ناپدید شد.

روایات زیادی از طرق سنت و شیعه آمده است که در حالیکه پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان، نماز استسقاء می خواند، پاره ابری پدیدار شد و باران زیادی بارید.

به همین جهت آنرا هم مصلی و هم غمامه و هم مسجد استسقاء نامیده اند.

تا این اواخر در شمال غربی مسجد غمامه، مساجد دیگری بود که به ابی بکر و عمر و عثمان و علی و فاطمه و بلال نسبت داده می شد! اما اکنون در اثر نوسازی ها، و خیابان کشی های اطراف حرم پیامبر صلی الله علیه و آله، بعضی از این مساجد از میان رفته است، ولی مسجد منسوب به علی علیه السلام که مسجد با روحی است از جمله مساجدی است که باقی مانده و خراب نشده است و اخیراً نوسازی شده است.

#### ۴- مسجد فاطمه

در جهت شمال شرقی مسجد غمامه کنار بازار فرش فروش ها، مسجدی است منسوب به فاطمه علیها السلام، و این مسجد، در طبقه فوقانی قرار دارد و مسجد بسیار مجللی بوده که در نوسازی اخیر به کلی خراب شده است.

مسجد علی علیه السلام

در محدوده مصلی و شمال مسجد ابوبکر و در واقع روبروی باب السلام به



فاصله ۵۰۰ یا ۶۰۰ متر، مسجدی وجود دارد که به مسجد علی بن ابی طالب مشهور است.

سمهودی و دیگر قدمای مدینه شناس ضمن شرح روایات و ذیل اسناد مربوط به مسجد المصلی «(۱)» به مسجدی بنام مسجد علی بن ابی طالب اشاره می‌کنند.

سمهودی از «ابن شیبیه» مدرکی از طریق سعد بن عبید مولى ابن ازهر ارائه کرده است که می‌گوید من با علی علیه السلام «(۲)» در این جا نماز عید خواندم و عثمان در محاصره شورشیان مسلمان مدینه بود. (قالصلیت العید مع علی رضی الله عنه و عثمان رضی الله عنه محصور.) و در سند دیگری از زهری نقل می‌کند که: «صلی سهل بن حنیف و عثمان محصور، الجمعة و صلی یوم العید علی بن ابی طالب».

ممکن است سجده گاه علی بن ابی طالب علیه السلام در برگزاری نماز عید، آنهم در ایام محاصره خانه خلیفه سوم عثمان بن عفان در همین جا باشد که بعدها به اعتبار وقوع آن، مسجدی بنا شد.

#### ۶- مسجد مباهله یا مسجد الاجابه

این مسجد را اهل مدینه «مسجد الاجابه» می‌نامند، که در جهت شرقی مدینه منوره و در شارع ستین واقع شده است.

تقریباً در شمال مسجد الاجابه و نزدیک به آن، مسجد دیگری است که آن را «مسجد مائده» می‌نامند.

می‌گویند: در اینجا بوده که سوره «مائده» بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گشته است.

در هر حال مسجد الاجابه، مسجد باصفا و مجلل، و نسبتاً بزرگی است که چون جریان معروف مباهله در آنجا رخ داده، به این نام نامیده شده است.

اکثر مفسران در ذیل آیه ۶۰ و ۶۱ سوره آل عمران داستان مباهله را نقل کرده‌اند، از جمله علی بن ابراهیم در تفسیر خود چنین نوشته است:

در سال ۹ هجری که آنرا «سنه الوفود» نیز می‌نامند، هیئتی از مسیحیان نجران به مدینه آمدند و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و به نقلی در داخل مسجد رفتند و هنگام نماز، ناقوس نواختند و نماز خواندند و این عمل آنان بر مسلمانان گران آمد. اصحاب ناراحت شده و به پیغمبر صلی الله علیه و آله گفتند: اکنون که اسلام قوت گرفته و

۱- تاریخ المدینه المنوره

۲- موطا ملک ص ۱۵۰

قریش شکست خورده‌اند، چرا مسیحیان در مسجد شما ناقوس بنوازند و نماز بخوانند!؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: مزاحم آنها نباشید، اینها هم بزودی آگاه خواهند شد و حقیقت را در خواهند یافت.

مسیحیان پس از نماز به حضور پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله شرفیاب شدند، و گفتند ما را به چه چیز دعوت می‌کنی؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به شهادت لا اله الا الله، و شهادت محمد رسول الله، و این که عیسی علیه السلام را بنده خدا

بدانید زیرا او غذا می‌خورد، و می‌آشامید، و می‌خواهید و یک انسان بود نه خدا یا پسر خدا.

گفتند اگر عیسی مخلوق است، پس پدر او کی بود، پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما درباره آدم ابوالبشر چه می‌گویید!؟

مسیحیان متحیر مانده اما تسلیم نمی‌شدند!! در این حال این آیات بر حضرت نازل گردید:

«إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعِيدٍ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛ یعنی بی شک مثل عیسی در نزد خدای تعالی، همچون مثل آدم (علیه السلام) است که او را (بدون این که پدری داشته

باشد) از خاک آفرید. و سپس به او فرمود: موجود شو، او هم فوراً موجود شد. اینها حقیقتی است که از جانب پروردگار تو،

بنابراین از تردید کنندگان مباش. هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیزه

برخیزند به آنها بگو: بیایید ما فرزندان و زنان خویش، و شما نیز فرزندان و زنان خود را دعوت کنیم، ما از نفوس خود دعوت

می‌کنیم، شما هم از نفوس خود، آنگاه مباحله می‌کنیم و لعنت خود را بر دروغگویان قرار می‌دهیم.

پس از نزول این آیات، پیغمبر صلی الله علیه و آله مطابق دستور خدا فرمود: شماها با من مباحله کنید، گفتند انصاف دادی، پس قرار

شد که مباحله کنند، و تعیین وقت کردند، و به منزل خود برگشتند.

رؤسای مسیحیان به یکدیگر گفتند اگر محمد صلی الله علیه و آله با اهل بیت ویژه خود بیاید با او مباحله نمی‌کنیم. و اگر با اصحاب

آمد، با او مباحله می‌کنیم.

صبح روز مباحله (۲۴ ذیحجه) در همین مکان که اکنون مسجد الاجابه است، تمام مسلمین از یک طرف و مسیحیان نجران و مدینه از طرف دیگر به انتظار ایستاده بودند که ناگهان پیغمبر صلی الله علیه و آله با علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام، از خانه اش بیرون آمد، و در این محل ایستاد. مسیحیان، با لباسهای سیاه و بلند زربافت خود که دارای ابهت خاصی بود، آمدند در حالی که صلیب های طلا- را حمایت کرده و فرمان قیصر را به سینه زده بودند آنان با مشاهده همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله، از آن حضرت پرسیدند اینها کیانند؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: این پسرعم و وصی من علی، و این دخترم فاطمه، و فرزندان من حسن و حسین می باشند، چون هنوز پیامبر نفرین نکرده، مسیحیان آثار بلا و عذاب را مشاهده کردند، از مباحله خودداری ورزیدند و صلح نمودند و حاضر شدند جزیه بدهند!

نام مشهور مسجد مباحله در منابع اهل سنت و در زبان مردم مدینه «مسجد الاجابه» و نوشته اند که پیامبر معمولاً در آن نماز می خوانده و دعا می کرده و به استجاب می رسیده است. «(۱)» این تغییر اسمها بی جهت به نظر نمی رسد چون جریان مباحله نه تنها معجزه اسلام و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله است بلکه بزرگترین سند قرآنی و تاریخی بر فضیلت اهل بیت علیه السلام و حضرت علی علیه السلام است و نشان حقانیت و حرمت فوق العاده آنان نزد خداوند است.

مسجد مباحله یادآور جایی است که عصاره های اهل بیت علیه السلام در آنجا جمع شده بودند و در همین رابطه خداوند علی علیه السلام را جان و نفس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خوانده است.

بخصوص آنکه از روایات استفاده می شود که آیه تطهیر نیز در همین رابطه و پیش از حرکت پیامبر صلی الله علیه و آله بطرف مکان مباحله نازل شده، و داستان حدیث کساء هم مربوط به این جریان است.

۷- مسجد ابی ذر

بعضی از مساجد مدینه منوره که از قدیم منسوب به شخصیت های بزرگ اسلام و بنام آنان است، یا بخاطر آن است که یادآور عظمت آنها در طول تاریخ اسلام باشد، همانند مساجد و مدار و خیابان هایی که در ایران به نام افراد

خدمتگزار به اسلام و انقلاب نامگذاری شده است. و یا این که آنان در این اماکن، اقامه نماز نموده‌اند. مسجد ابی ذر یکی از آنها است. این مسجد در زمان سعودیها تجدید بنا شده و مناره‌ای در صحن شمال غربی آن احداث شده. و در سه راهی شارع مطار و شارع ابی ذر واقع است. «(۱)» در هر حال، در جهت شمالی شهر مدینه، مسجدی است به نام «مسجد ابوذر» که سزاوار است به یاد فداکاریها و مبارزات آن بزرگ مرد اسلام به آن مسجد بروند و نماز بخوانند و نام شریف این مجاهد نسته را زنده نگه بدارند.

#### ۸- مسجد جمعه

از بررسی منابع تاریخی و متون تفسیری تا حدود قرن ۷ هجری برمی آید که اولین نماز جمعه توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مدینه و در محله «بنی سالم بن عوف» خوانده شده است.

مسعودی می‌نویسد: محمد صلی الله علیه و آله از قبا بطرف یثرب رفت و به محله بنی سالم رسید، نماز جمعه خواند و این اولین نماز جمعه در اسلام بود. «(۲)» طبری در تاریخ معروف خود می‌نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام حرکت از قبا بمدینه با اصحابش در محله «بنی سالم بن عوف» نماز خواند که بعدا آنجا مسجدی ساختند و این اولین نماز جمعه و اولین خطبه جمعه در اسلام بود. «(۳)» مقریزی در «امتاع الاسماع» می‌نویسد: وقتی که پیامبر اسلام به محله «بنی سالم بن عوف» رسید با جمعی از اصحاب خود کهصد نفر بودند اولین نماز جمعه را در اسلام اقامه کردند.

«سمهودی» نیز در کتابش همین مطلب را آورده که آنحضرت در مسجد «بنی سالم بن عوف» نماز جمعه خواند، بعد اظهار نظر می‌کند که در وادی از محله «بنی سالم بن عوف» خوانده شد. «(۴)» مرحوم مجلسی در بحارالانوار و مرحوم طبرسی در مجمع البیان و بیهقی در سنن خود همین قول را اختیار کرده‌اند. «(۵)» مسجد جمعه اکنون در جنوب مدینه قرار دارد و تا قبا حدود ۵۰۰ متر فاصله دارد.

#### ۱- مروج الذهب

#### ۲- تاریخ الامم و الملوک

#### ۳- وفاء الوفا باب ۱۳ فصل ۱۱ و فصل ۳ باب ۵

#### ۴- بحار ج ۹ ص ۱۲۵ مجمع البیان جزء ۲۸ ص ۷۲ دلائل النبوة ج ۱

#### ۵- معجم البلدان ج ۳ ص ۲۲۸

## ۹- مسجد سقیا یا مسجد عنبریه

سقیا یعنی نوشیدن و نیز گفته‌اند نام قریه‌ای است.

یاقوت حموی آن را در نه مایلی مدینه و خوارزمی در ۲۹ مایلی مدینه دانسته است ولی برخی دیگر آنرا نام چاهی در مدینه ذکر کرده‌اند. از مجموع تحقیقات چنین برمی آید «(۱)» که پیامبر از آنجا آب خنک و سرد نوشیده است. «(۲)» البته ممکن است سقیاهای دیگری هم که پیامبر از آن آب نوشیده است، در جاهای دیگری وجود داشته باشد.

ولی پس از تحقیقات زیادی که نویسنده «مدینه‌شناسی» انجام داده و سرانجام با راهنمایی «سید مصطفی عطار» که در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸ هجری شهردار مدینه بوده، و به محل آن واقف گشته، آن را در دروازه شهر در نزدیکی میدان عنبریه و در محل ایستگاه قدیم راه آهن مدینه که توسط عثمانیها ساخته شده است، یافته است.

ایستگاه قدیم قطار مدینه در سالهای اخیر به صورت ترمینال حمل و نقل زائران در آمده است. مسجد سقیا در ۴۰۰ متری غرب میدان عنبریه، مشرف به جاده مدینه- جده- مکه واقع شده است.

این مسجد که امروز بشکل کاملاً زیبا و به سبک مسجد ایاصوفیاست، توسط عثمانیها بنا شده است و بنام مسجد «عنبریه» معروف است که همان مسجد سقیا می‌باشد. «(۳)» پیامبر اسلام در مسیر بدر، سپاه را در آنجا نگهداشت و در آن مکان نماز خواند و برای اهل مدینه دعا کرد. «(۴)» ۱۰- مسجد فضیخ یا مسجد ردالشمس

یکی دیگر از مساجد معروف مدینه، «مسجد ردالشمس» است که آن را در مدینه، مسجد فضیخ می‌نامند، یعنی مسجد نخل که در میان نخلستانها و منطقه العوالی در جنوب شرقی مدینه قرار دارد.

این مسجد را، مسجد بوعی هم نامیده‌اند، چون نزدیک باغ بوعی بوده است. چنانکه اشاره شده «فضیخ» به معنی خرماست، شاید در این محل، خرما می‌ریخته‌اند، و یا چون در اطراف آن درخت خرما «(۵)» بسیار بوده، آن را فضیخ

۱- المغانم ص ۱۸۹

۲- مدینه‌شناسی ص ۱۳۳

۳- مغازی واقدی ج ۱ ص ۱۶ ترجمه فارسی

۴- مجمع البحرين کلمه فضیخ

۵- فروغ کافی کتاب الحجج باب اتیان المشاهد و قبور الشهداء

نامیده‌اند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله بنی نضیر را محاصره کرد، شش شب در آن مکان نماز خواند، به همین جهت در آنجا مسجدی بنا کردند و این قول نسبتاً مورد اتفاق همه است. «(۱)» و نیز گفته شده است که فضیخ قسمتی از خمر است، و چون اصحاب فضیخ، با نزول آیه تحریم خمر، بساط خمر را از آن محل برچیدند، آنجا فضیخ نامیده شد. مولف مجمع البیان آن را در مسجد ردالشمس می‌داند.

#### مسجد ردالشمس

بسیاری از دانشمندان، مسجد فضیخ را همان مسجد ردالشمس می‌دانند و آنرا بنام مسجد الشمس، مسجد الشمسی و مسجد ردالشمس معرفی کرده‌اند.

سمهودی در کتاب وفاء الوفا به گفته ابن شیبیه (صاحب کتاب اخبار المدینه المنوره) استناد کرده است که «مسجد فضیخ به مسجد ردالشمس مشهور است».

جریان ردالشمسی به اختصار از این قرار است که «اسماء بنت عمیس» می‌گوید: روزی علی علیه السلام به من گفت: این مکان (مکان مسجد) را دیدی؟

گفتم: آری. گفت: با پیامبر در این جا نشسته بودیم، او سر مبارک را در دامن من نهاد و خوابش برد، وقت نماز عصر بود، دوست نداشتم پیامبر صلی الله علیه و آله را بیدار کنم مبادا اذیت شود تا آنکه وقت تمام شد، و نماز من در حال فوت شدن بود که پیامبر صلی الله علیه و آله بیدار شد، گفت یا علی نماز خواندی؟ گفتم: نه، دوست نداشتم با بیدار کردن، شما را اذیت کنم. پیامبر صلی الله علیه و آله رو به قبله ایستاد و هر دو دستش را بلند کرد و گفت: خدایا خورشید را بر گردان تا علی علیه السلام نماز بگذارد، خورشید بحد وقت نماز برگشت و من نماز عصر را خواندم و سپس غروب کرد. «(۲)» بنای این مسجد به قرن اول اسلامی می‌رسد.

در عصر عمر بن عبدالعزیز مسجد فضیخ همراه با مسجد قبا بازسازی شد.

در سفرنامه میرزا حسین خان فراهانی در سال ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ آمده است و آن را در مسجدی است بی سقف که ۲۷ قدم طول و چهار قدم عرض آن است و آن را در میان نخلستانی که مالکش یکی از سادات (اشرف) حسنی و شیعی است می‌داند.

نویسنده مدینه‌شناسی، که در سالهای ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ هـ آن را زیارت کرده

۱- مشکل الآثار طبری ج ۳ ص ۱۱

۲- عمده‌الاجبار ص ۱۷۳

معتقد است که طول مسجد ۱۹ و عرض آن ۴ متر است و شبستانش ۵ گنبد (کوچک) و یک محراب دارد.

این مسجد در میان نخلستان عوالی به فاصله سه کیلومتر از شهر مدینه، در محلی واقع است که اهل مدینه آنرا بلاد حاجر، میخوانند و از راه باب العوالی و شارع مطار یا منتهی الیه تقاطع شارع ابوذر و شارع درب الجنائر، می توان به آنجا رفت.

#### ۱۱- مسجد مشربه ام ابراهیم

این مسجد در جهت شرقی مدینه و تقریباً در دو هزار قدمی مسجد قبا قرار داشته، و به نام «مشربه ام ابراهیم» مشهور بوده است، منتهی متأسفانه در سالهای اخیر تخریب شده است.

مشربه در لغت بمعنی غرفه و اطاق است. می گویند: ماریه قبطیه مادر ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در این مکان بدنیا آورده است. ابن شیبیه در تاریخ «مدینه المنوره» می نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان نماز خواند. «(۱)» و نیز مورخان گفته اند پیامبر صلی الله علیه و آله ماریه قبطیه همسر خود را در این مکان سکونت داده است. همچنین نقل شده که وقتی پیامبر صلی

الله علیه و آله برخی از همسران خود را مورد خشم قرار داد «(۲)» و یک ماه از آنان کناره گرفت، در این مدت در خانه

ام ابراهیم ماند و بعدها در آنجا مسجدی ساخته شد. «(۳)» امام صادق علیه السلام به عقبه بن خالد زیارت چند مکان را در مدینه توصیه

کرده است که از آن جمله زیارت مشربه ام ابراهیم می باشد.

راه جدید مسجد مشربه ام ابراهیم را نویسنده الدر الثمین در عصر ما چنین ترسیم می کند:

از راه العوالی تا مستوصف الزهراء سپس از راه سمت چپ به سوی صاله مرجبا للافراح (سالن جشنها و شادیهها).

حدود یک کیلومتر از در مانگاه الزهراء دیواری را در سمت چپ بسته می بیند که داخل ساختمان مسجد قدیمی را مشاهده می کنید آنجا مشربه ام ابراهیم است و در آنجا ابراهیم پسر پیامبر صلی الله علیه و آله متولد شد.

صاحب در ثمین معتقد است این جا بستانی بود که مال مخیرق از یهودیان

۱- عمده الاخبار ص ۱۷۳

۲- راهنمای حرمین شریفین ص ۲۰۵

۳- معجم البلدان یاقوت حموی

بنی نضیر بود که پس از اسلام آنها را طی وصیتی به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشید و خود در جنگ احد شهید شد.

#### ۱۲- مسجد ثنیة الوداع

ثنیة به معنای راه کوهستانی، راه میان دو کوه، پشته، کوه (تپه) و محل وداع و خداحافظی است. مولف معجم البلدان ثنیة الوداع را تپه‌ای مشرف بر مدینه می‌داند و ابن سعد در طبقات آنرا بین احد و مدینه می‌داند. ابن حجر آنرا در مسیر تبوک دانسته است. بعقیده نویسندگان مدینه‌شناسی، مسجد ثنیة الوداع دقیقاً بر تپه‌ای بنا شده که از سمت جنوب مشرف به مدینه و از سمت شمال مشرف بر دشت قنأه است.

هنگام عبور از مدینه به سوی دشت شمالی که به کوه احد منتهی می‌شود، و کوه سلع و ذباب در غرب آن قرار گرفته، مسجد ثنیة الوداع را در سمت راست مسیر خود می‌بینیم که با طی پلکانی تا قسمت فوقانی تپه، به مسجد می‌رسیم. تصویری که از بنای مسجد در سال ۱۳۹۶ تهیه شده است، نه تنها وصف بنا را در بردارد، بلکه نشانگر موقعیت آن در ارتباط با کوه احد در سمت شامی یا شمالی مدینه است.

#### ۱۳- مسجد ذباب یا مسجد الرایه

در شمال شهر مدینه در نزدیکی کوه سلع، کوه کوچکی است که آنرا جبل ذباب می‌نامند. «(۱)» در هنگام کندن خندق به دور مدینه در سال پنجم هجرت در جریان جنگ احزاب در این مکان خیمه‌ای برای پیامبر صلی الله علیه و آله زده بودند که برای رفع خستگی و نظارت بر کارهای حفاری خندق در آن جا استراحت کند. پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا نماز می‌خواند. مسلمانان برای بزرگداشت این مکان بر فراز کوه ذباب مسجدی ساختند که بعدها بنام مسجد ذباب معروف شد. «(۲)» طبق نقل واقعی در هنگام جنگ «حره» (قتل عام مردم مدینه توسط سپاه یزید) سپاه مدینه نخست بر بالای کوه ذباب صف کشیدند و پرچم مخصوص شورشیان مدینه را به یاد جنگ احزاب، بر ضد یزید در آنجا بر فراز کوه ذباب نصب کردند.

#### ۱- وفاء الوفا سمهودی

#### ۲- معالم دارالهیجره ص ۲۹۹-۱۵۳



طبق نقل علی بن موسی در کتاب «وصف المدینه المنوره» پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام نبرد برای اعلام بسیج مردم مسلمان، پرچم اسلام را در آنجا نصب می کرد.

این مسجد در سالهای ۱۳۹۸-۱۳۹۶ هجری قمری وجود داشته است.

ضمناً مسجد ذباب در مسیر شامی مدینه و مسجد فتح در دامنه شرقی کوه سلع است.

#### ۱۴- مسجد بنی قریظه

یکی دیگر از مساجد اطراف مسجد قبا، «مسجد بنی قریظه» است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این مسجد نماز گزارده است. بنی قریظه طائفه‌ای از یهودیان اطراف مدینه بودند که در سال پنجم هجرت بعد از واقعه خندق، (۲۵ روز بعد) مورد محاصره مسلمانان قرار گرفته، آخر الامر برخی کشته و برخی تسلیم شدند.

در ایامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان، آن قلعه را در محاصره داشتند، پشت آن قلعه، محلی بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با سپاهیان اسلام در آنجا اقامه نماز می کردند، لذا آن مکان به نام مسجد بنی قریظه نامیده شد.

#### ۱۵- مسجد جمعه، یا مسجد بنی نجار

در بازگشت از قبا، رو به طرف مسجد غمامه که می رویم، در جهت دست راست نزدیک به مسجد قبا، به فاصله مختصری با جاده، در میان نخلستان مسجدی است که آن را مسجد بنی نجار می گویند که در محله خویشاوندان مادری جد پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارد.

برخی آن را مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله نیز گفته اند.

## احد

فضیلت زیارت شهدای احد

احد نام کوهی است قهوه‌ای رنگ در شمال شرقی مدینه که طول آن از شرق به غرب تقریباً هفت کیلومتر و ارتفاع آن از سطح دریا ۲۰۰ متر است. بخاطر اینکه جنگ احد در سال سوم هجری در کنار این کوه روی داد و گروهی از مسلمانان

بویژه حمزه سیدالشهداء در این جنگ به شهادت رسیدند. این کوه معروف شده و محل زیارت مسلمانان می‌باشد. درباره فضیلت احد روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که شایان توجه است. آن حضرت فرمود: «احد کوی هی است که ما را دوست دارد و ما نیز آنرا دوست داریم» و نیز فرمود: احد بر دربی از دربهای بهشت قرار دارد ... و این جمله اخیر در کتب مناسک و زیارت اهل سنت نیز نقل شده است. <sup>(۱)</sup> یکی از زیارتگاههای مهم اطراف مدینه منوره، قبر حمزه سیدالشهداء عمومی رسول خدا صلی الله علیه و آله، و دیگر شهدای احد می‌باشد که نزدیک سنگلاخ رودخانه مدینه، در دامنه کوه احد، قرار دارد.

در فضیلت زیارت شهدای راه حق، همین بس که امام ششم علیه السلام، آن را در ردیف زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و زیارت مرقد پاک سیدالشهدا امام حسین علیه السلام شمرده و فرمود: زیارت آنان برابر با حج مبروری است که انسان آن را با رسول خدا صلی الله علیه و آله به جا آورده باشد. <sup>(۲)</sup> پیغمبر برای تجلیل از مقام حمزه علیه السلام فرمود: هر کس مرا زیارت کند و عموم حمزه را زیارت نکند بر من جفا کرده است. <sup>(۳)</sup> محدث قمی (ره) می‌گوید: فضیلت زیارت آن حضرت، بیشتر از آن است که ذکر شود. و شیخ مفید فرموده است: پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات خود فرمان داد که قبر حمزه را زیارت نمایند، و خود به زیارت آن جناب و سایر شهداء می‌رفت، و فاطمه علیه السلام هم بعد از مرگ پدر پیوسته برای زیارت قبر حمزه به احد می‌رفت، لذا مسلمانان پیوسته برای زیارت قبر او می‌رفتند و ملازم قبرش بودند.

فخر المحققین (ره) در رساله «فخریه» فرموده است: زیارت حمزه، و باقی شهدای احد ترک نشود.

چنانکه گفته شد پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: احد کوهی است که ما را دوست می‌دارد، و ما هم آن را دوست می‌داریم و آن کوه بر دری از درهای بهشت قرار دارد. <sup>(۴)</sup> روشن است که این همه شرافت و فضیلت برای سرزمین احد به خاطر پیکرهای شهدایی است که در این سرزمین آرمیده‌اند. خونهای پاک و مقدس آنها است که به این قطعه، از صحنه کوه احد، این همه برتری داده است.

زیارت شهدای احد، همواره مستحب است ولی بهتر است که در روزهای

۱- وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۲۷۸

۲- سفینه البحار ماده احد

۳- سفینه البحار ماده احد

۴- تحفه الزائر

دوشنبه یا پنجشنبه باشد. «(۱)» امام ششم علیه السلام فرمود: فاطمه علیه السلام بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله (۷۵ روز) زنده بود و کسی او را خندا و خوشحال ندید، در هر هفته دو بار (روزهای دوشنبه و پنجشنبه) به آرامگاه شهدا می رفت و می گفت: اینجا جایی است که پیغمبر و یارانش مستقر شده بودند. و اینجا محل استقرار لشکریان مشرکان بود. «(۲)»

### اماکن مقدسه اُحد

سرزمین احد دارای اماکن مقدسی است که از جمله، سه مسجد و دو زیارتگاه است.

#### ۱- مسجد علی علیه السلام

در جهت شرقی قبر جناب حمزه و تقریباً در مقابل آن، مسجدی قرار داشت که مسجد علی علیه السلام نامیده می شد و در کتب تاریخی آنرا حیره گفته اند. و امام صادق علیه السلام زیارت آن را توصیه می کند. «(۳)» سکنه اطراف، نماز را در آن مکان می خواندند.

اینجا محل رشادت و دلاوریهای علی علیه السلام بود و بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله محل عبادت علی علیه السلام گردید و نیز نقل شده است که پیامبر در روز جنگ احد در این محل نماز را به جماعت خوانده است (که شاید نماز خوف بوده است) سمهودی می گوید آنجا را مسجد العسکر می گفتند و آنجا محلی است که حمزه سید الشهداء از بالای اسب بر زمین افتاده است. برخی نیز قبر جناب مصعب بن عمیر و عبدالله بن جحش دو شهید والامقام احد را در این جا می دانند. «(۴)» اکنون این مسجد نوسازی شده ولی کمی پائین تر از مکان قبلی و تاریخی خویش قرار دارد.

#### ۲- آرامگاه حمزه سیدالشهداء

آرامگاه جناب حمزه، بقعه و بارگاه داشته که در عکسهای قدیمی آن را می بینیم لیکن بعدها بدست وهابیه خراب شد و همانند سایر شهدا در یک چهار دیواری

۱- . وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۲۷۹

۲- وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۲۷۶

۳- وفاء الوفا ج ۲

۴- راهنمای کمره ای

مستطیلی شکل قرار گرفته است. درب آن قبلاً باز بود اما در حال حاضر آنرا مسدود ساخته‌اند و فقط باید از پشت دیوار و پنجره این شهداء بزرگوار را زیارت نمود.

این در بزرگ و پنجره فولادی که در جهت جنوب، و قبله اینصحن قرار دارد رو به روی قبر مقدس جناب حمزه است، و چندان فاصله‌ای تا مرقد مطهر آن جناب ندارد. دو صورت قبر در سمت غرب مشاهده می‌شود، که با سنگ مرمر سیاه ساخته شده و کمتر از نیم متر از زمین ارتفاع دارد.

این دو قبر منسوب، به عبدالله بن جحش و مصعب بن عمیر است، ولی قبر دیگری که در جهت شرقی می‌باشد، قبر عموی بزرگوار پیغمبر صلی الله علیه و آله حمزه سیدالشهداء است.

### ۳- آرامگاه شهداء

مدفن مقدس سایر شهدای احد که تقریباً ۷۰ نفر از بزرگان مهاجرین و انصار می‌باشند، در قسمت شمال شرقی اینصحن واقع است، و تا مدفن جناب حمزه (رض)، حدود ۲۵ متر فاصله دارد.

### ۴- مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله

این مسجد، به فاصله ۲۵ قدم در شمال قبور شهدا در سمت راست کسی که وارد احد می‌شود، قرار دارد.

اینجا محلی است که دندان پیامبر صلی الله علیه و آله شکسته شده و حضرت در آن روز در این مکان نیز نماز خوانده است، لذا مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله، نیز، نامیده‌اند.

### ۵- مسجد جبل الرماة

در آخر دره به فاصله تقریباً ۵۰۰ متر با مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله، مسجد دیگری بود که پنجاه نفر از کمانداران لشکر اسلام به دستور پیامبر اسلام در آنجا مستقر بوده‌اند. عبدالله جبر فرمانده این گروه با ۱۱ نفر دیگر در اینجا شهید شده‌اند.

این محل را «جبل الرماة» یعنی کوه تیراندازان می‌نامند.

نقل شده است که حضرت رسولصلی الله علیه و آله در این مسجد به تنهایی نماز خوانده‌اند. «(۱)» سمهودی می‌نویسد: حائر کوچکی، نزدیک جبل است که عده‌ای در آنجا دفن شده‌اند، آنها از شهدا نیستند، بلکه قبور جمعی از فقرای آن منطقه است که در سال قحطی مرده‌اند، و در آنجا دفن شده‌اند. «(۲)» ولی اکنون در این منطقه فقط یک مسجد نوساز و مجلل وجود دارد. ولی در دامنه احد در قسمت غربی مزار شهدا خانه‌های مسکونی زیادی ساخته شده و یک مسجد نوساز هم در میان آن محله وجود دارد که اخیراً ساخته شده است.

مساجد سبعة یا هفتگانه

این مساجد عبارتند از: ۱- مسجد ذوالقبلتین ۲- مسجد فتح ۳- مسجد سلمان ۴- مسجد ابوبکر ۵- مسجد عمر ۶- مسجد علی علیه السلام ۷- مسجد فاطمه زهرا (س) که اینک به شرح آنها می‌پردازیم.

۱- مسجد ذوالقبلتین

و آن مسجدی است که در آن قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر یافت، مسجد ذوقبلتین در شمال حَرّه (الوبره) نزدیک دانشگاه اسلامی مدینه واقع شده است.

به اتفاق همه مولفان سیره و مورخان اسلام، نخستین قبله گاه مسلمانان مسجد الاقصی بوده است و پیامبر اسلام و مسلمانان تا سال دوم هجرت به سوی آن مکان مقدس نماز می‌خواندند.

پس از هجرت حضرت محمدصلی الله علیه و آله و صحابه‌اش از مکه به مدینه و استقرار مسلمانان مهاجر در مجاورت انصار، و تثبیت موقعیت مدینه، به عنوان شهر محمدصلی الله علیه و آله، و به دنبال تبلیغات یهودیان مدینه مبنی بر این که مسلمانان رو به قبله آنان نماز می‌خوانند و خود فاقد قبله هستند، آیاتی مبنی بر تغییر قبله از مسجد الاقصی در بیت المقدس به مسجدالحرام یا بیت عتیق و کعبه بر پیامبر نازل گردید. دراینکه تمامی آیات مربوط به تغییر قبله مدنی هستند، در میان مفسران جای شبهه و خلافتی نمی‌باشد.

۱- وفاء الوفا ج ۲

۲- مغازی واقدی

این آیات در سوره بقره است و به ترتیب مسئله قبله و تغییر آن را از آیه ۱۴۲ تا ۱۵۰ به یاد مسلمانان می‌آورد که مهمترین آنها آیه ۱۴۲ و ۱۴۴ این سوره است، ترجمه این آیات به قرار زیر است:

بزودی بعضی از مردم سبک مغز می‌گویند: چه چیز آنها (مسلمانان) را از قبله‌ای که بر آن بودند، برگرداند، بگو مشرق و مغرب از آن خداست، هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

همان طور (که قبله شما یک قبله میانه است) خود شما را نیز امت میانه‌ای (که از هر نظر حد اعتدال در میان افراط و تفریط می‌باشد) قرار دادیم تا امت نمونه‌ای در برابر مردم باشید و پیامبر هم گواه و فرد نمونه‌ای در برابر شما باشد، و ما آن قبله‌ای را که قبلاً بر آن بودی (بیت المقدس) تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می‌کنند از آنهایی که به جاهلیت باز می‌گردند، مشخص شوند اگر چه این کار جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود (این را هم بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق صحیح بوده است) و خدا هرگز ایمان (نماز) شما را ضایع نمی‌گرداند زیرا خداوند نسبت به مردم رحیم و مهربان است.

ما صورت تو را که بسوی آسمان می‌گردانی (و در انتظار فرمان خدا برای تعیین قبله نهایی بودی) می‌بینیم، اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی، می‌گردانیم. روی خود را به جانب مسجد الحرام کن و هر کجا باشید روی خود را بجانب آن گردانید، و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده می‌دانند که این فرمان درستی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده است (و در کتابهای خود خوانده‌اند که پیامبر اسلام به سوی دو قبله نماز می‌خواند) و خداوند از اعمال آنها (در مخفی داشتن آیات) غافل نیست.

در حال نزول این آیات در هنگام نماز پیامبر در نماز عصر و به نقلی در ظهر و در حال قرائت در محله «بنی سلمه» (مکان فعلی مسجد ذوالقبلتین) بود که قبله از شمال به جنوب و از بیت المقدس به کعبه تغییر یافت. و آرزوی دیرینه پیامبر صلی الله علیه و آله برای احیای قبله ابراهیمی برآورده شد. و این تغییر را خداوند انجام داد. «(۱)» مورخان در تاریخ تغییر قبله اختلاف دارند برخی ۱۰ ماه و برخی ۱۶ تا ۱۷ ماه پس از هجرت و شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه (ج ۱ ص ۸۸) تاریخ آن را ۱۹ ماه پس از هجرت نوشته است.

در هر صورت مسجد ذوالقبلتین اکنون بصورت مسجد زیبایی ساخته شده و به همین نام معروف است. ساختمان قبلی این مسجد دو محراب داشت: یکی به طرف کعبه و دیگری به طرف بیت المقدس ولی اکنون بجای محراب قبلی آیات مربوط به تغییر قبله به چهار زبان گچ بری شده است.

سابقه تاریخی این مسجد به سالهای اول و دوم هجری برمی گردد.

#### ۲- مسجد فتح

مسجد فتح که به مسجد احزاب نیز شهرت دارد، و به آن مسجد خندق نیز می گویند، مسجد کوچکی است که بر فراز قطعه‌ای از کوه سلع در سمت غرب کوه و غرب وادی بطحان قرار دارد، که باید از پله‌های طولانی آن بالا رفت تا بدانجا رسید!...

کوه سلع کوه سیاه رنگی در جهت غربی مدینه و متصل به شهر است و به سمت شمال آن امتداد دارد.

آنجا مرکز تهجد پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان جنگ خندق یا احزاب در سال پنجم هجرت بوده است. و در آنجا دعای پیامبر صلی الله علیه و آله برای نصرت اسلام و شکست سپاه احزاب مستجاب شده و خبر شکست و فرار مشرکان به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و بنقلی سوره فتح در آنجا نازل شده است. «(۱)» پیامبر سه روز در آنجا دعا کرد (دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه) و روز چهارشنبه دعایش مستجاب شد.

#### ۳- مسجد سلمان فارسی:

در کنار این مسجد و در سمت قبله آن در زمین مسطح و آسفالته مسجدی است که بنام مسجد اعلی یا مسجد سلمان فارسی مشهور است. آنجا محل تهجد و دعای سلمان بود و نیز بخاطر نقش سلمان در جریان حفر خندق، مسجدی در آنجا بنا شده است.

#### ۴- مسجد ابی بکر

بعد از مسجد سلمان در جهت غرب آن مسجد دیگری است که آنرا مسجد

ابوبکر می گویند. این مسجد بزرگتر و مجهزتر است و امام جماعت رسمی دارد.

#### ۵- مسجد عمر

مسجد دیگری است که منسوب به عمر بن خطاب است و این مسجد فعلا بین مسجد منسوب به ابی بکر و مسجد فاطمه قرار دارد.

#### ۶- مسجد فاطمه علیهاسلام

محادی مسجد علی علیه السلام در قسمت پایین در اول وادی مسجدی است بی سقف که منسوب به حضرت فاطمه علیه السلام است و یادآور لحظاتی است که آن بزرگوار در آنجا به تهجد و دعا برای نصرت مسلمانان مشغول بود. شاید هم در آن نقطه پس از پیروزی اسلام بر سپاه احزاب نماز شکر خوانده است ...

#### ۷- مسجد علی علیه السلام

این مسجد در مقابل مسجد فتح و در جنوب غربی آن بالاتر از مسجد فاطمه علیه السلام بر روی کوه سلع روبروی مسجد فتح قرار دارد و بنام مسجد علی ابن ابیطالب علیه السلام مشهور است. «(۱)» برای رفتن به مسجد علی ابن ابیطالب باید از پله‌های متعددی بالا رفت تا در آنجا دو رکعت نماز گزارد. که در آن نماز مستحب موکدست.

مسجد فتح و مسجد علی ابن ابیطالب علاوه بر محل دیده‌بانی، محل تهجد پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نیز بوده است. از این مساجد تنها مسجد فتح و مسجد ابوبکر، نوسازی و تعمیر شده است.

### غار سلع

در بالای کوه سلع و در جهت غربی آن غاری است که روزگاری محل عبادت و اعتکاف حضرت محمد صلی الله علیه و آله بوده است.

آن حضرت اعتکاف و خلوت و تنهایی را در مکه در غار حراتجربه کرده بود و تمایل زیادی بدان داشت. شاید هم آن حضرت در دوران کوتاه محاصره مدینه در جنگ خندق به این غار برای عبادت می‌رفته است.

۱- معجم البلدان یا قوت حموی ماده سقیفه



مرحوم شیخ انصاری در مناسک خود به آن اشاره کرده و دعائی هم در مورد آن نقل کرده است.

از آثار تاریخی دیگر در نزدیکی مساجد سبعه نام می‌بریم که عبارت است از:

قبر شهید محمد بن عبدالله محض

در ضلع شرقی جبل سلع کنار شهر مدینه محلی است که مشهور به مسجد الکبیر یا مصلی الاستسقاء است، آنجا محل دفن شهید والا مقام «محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن مجتبی علیه السلام است که او را نفس زکیه می‌نامند.

محمد نفس زکیه از قیام کنندگان علیه ظلم بنی امیه و سپس بنی العباس بوده است.

قبل از پیروزی نهایی بنی العباس، منصور دوانیقی دو بار با او بیعت کرد ولی هنگامی که به خلافت رسید برای سرکوبی او و یارانش به تعقیب وی پرداخت. محمد و ابراهیم دو فرزند عبدالله که به عبدالله محض شهرت داشت، در خفا بسر می‌بردند.

منصور برای دستگیری آنان بسیاری از بنی الحسن را زندانی کرد، ولی سرانجام محمد و ابراهیم قیام کردند.

محمد در سال ۱۴۵ هجری با ۲۵۰ نفر از سادات و بزرگان تکبیر گویان در مدینه قیام کرد، آنان زندان مدینه را گشودند، عمال منصور دوانیقی را بجای زندانیان، زندانی کردند. محمد بر ضد منصور خطبه خواند و مردم با او بیعت کردند. او نخست مدینه را در اختیار گرفت و سپس بر مکه و یمن نیز مسلط شد و صدها هزار نفر با او بیعت کردند.

سپاه منصور مدینه را محاصره کرد، او با کندن خندق از مدینه دفاع کرد ولی سرانجام با متفرق شدن اصحاب او و باقی ماندن تنها ۳۱۶ نفر از یارانش، طی جنگ شدید با سپاه خلیفه ستمگر عباسی شهید شد. و سر او را برای منصور به کوفه بردند و بدنش را زینب خواهرش و فاطمه دخترش در این مکان دفن کردند.

او قبلاً اسامی بیعت کنندگان با خود را آتش زد تا مبادا بدست منصور بیفتد.

شهادت محمد در رمضان ۱۴۵ هجری بود.

امیر مومنان علی علیه السلام در اخبار غیبیه‌اش به شهادت این سید بزرگوار خبر داد و

فرمود: «وانه یقتل عند احجار الزيت ...» او در نزدیک احجار زیت شهید می‌شود.

احجار زیت، همین مکان مسجد کبیر است که در ضلع شرقی کوه سلع و بنقلی محل نماز استسقاء نیز هست قرار دارد. سقیفه بنی ساعده کجاست؟

سقیفه یعنی سایبانی که در زیر آن می‌نشینند. <sup>(۱)</sup> «صفه و سکو و نیز بنای سقف داری که داخل آن آشکار باشد و در و پیکر نداشته باشد، سقیفه نامیده می‌شود. <sup>(۲)</sup>» بنی ساعده طایفه‌ای از انصار بودند که به گفته دانشمندان نسب شناس از فرزندان ساعده بن کعب بن خزرج اکبر بودند. <sup>(۳)</sup> فرزندان ساعده خود به تیره‌ها و قبایل مختلف تقسیم می‌شدند و هر یک در ناحیه‌ای از مدینه سکونت داشتند. و سقیفه بنی ساعده مجاور خانه «سعد بن عباد» از بناهای احدائی بنوایی خزیمه بوده که در حد فاصل مسجد مصلی و چاه بضاعه بوده و مسجد مصلی در جنوب آن قرار داشته است. <sup>(۴)</sup> آنچه مسلم است، سقیفه بنی ساعده در این محل بوده است که بلافاصله پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله گروهی از انصار به ریاست سعد بن عباد و از مهاجران ابوبکر و عمر و ابو عبیده جراح جمع شدند و انصار، سعد را برای خلافت نامزد کردند و مهاجران آن را نپذیرفتند و پس از مذاکرات و مشاجرات بین طرفین، به تفصیلی که در تاریخ اسلام یاد شده، سرانجام ابوبکر برنده شد و به عنوان خلافت با وی بیعت کردند.

آثار این بنا تا نیمه قرن سیزده پا برجا بوده است و عبدالقدوس انصاری در «آثار المدینه المنوره» عکسی از آن، مربوط به سال‌های قبل از تخریب حصار مدینه، به چاپ رسانده است.

بعد از تخریب حصار مدینه و آغاز نوسازی شهر در عصر حکومت سعودیها چهره قدیمی مدینه کاملاً عوض شد. به نحوی که تطبیق آثار تاریخی با موقعیت فعلی دشوار است.

مولف مدینه‌شناسی می‌گوید: «از دست اندرکاران قدیم و جدید شهرداری و اوقاف مدینه کمک خواستم و آنان با سوابقی که در دسترسشان بود حقیر را به

۱- لسان العرب ابن منظور

۲- الانساب سمعانی

۳- مدینه‌شناسی ص ۲۵۱

۴- معجم المعالم الجغرافیه

شناخت محل سقیفه بنی ساعده در بافت نوین شهر، راهنمایی کردند:

محل سقیفه در موقعیت کنونی، در سمت شمالی مثلث میدان سلطانیه است.

میدان سلطانیه به صورت یک مثلث، خیابان سلطانیه و خیابان سحیمی را به خیابان مناخه متصل می کند، و در قسمت شمال غربی مسجدالنبی واقع شده است.

خیابان سلطانیه در قسمت جنوبی میدان و خیابان سحیمی در قسمت شمالی میدان به نحوی واقع شده اند که انتهای غربی دو خیابان یاد شده، به خیابان شمالی جنوبی مناخه ختم، و به آن متصل می شود.

آنچه مسلم است، محل بنای سقیفه بنی ساعده در قسمت شمال غربی مثلث سلطانیه قرار داشته است.

در سال ۱۳۸۳ هجری شهرداری مدینه مدعی اراضی مثلث سلطانیه گردید و پس از پرداخت حدود ۲ میلیون ریال سعودی، میدان فعلی را بصورت پارکی مشجر بنا نهاد و قرار شد طبق نقشه پیشنهادی، مسجد بنی ساعده را احیاء و محل سقیفه را بصورت سالن اجتماعات عمومی مردم شهر مدینه، احداث کنند.

مساحت این مثلث ۴۹۳۸ متر مربع است که طبق نقشه مصوب و موجود در شهرداری مدینه، ۶۴۹ متر مربع را اختصاص به سالن کنفرانس (محل سقیفه بنی ساعده) و ۵۷۳ متر مربع را جهت مسجد و امور اداری، و ۴۶۸ متر دیگر را برای بنای کتابخانه در نظر گرفته اند.

عکسهایی که از پشت بام اداره اعلام مدینه واقع در سمت غربی خیابان مناخه، و نقشه و اسلایدهای متعددی که از محل سقیفه بنی ساعده تهیه شده توجه پژوهندگان را جهت تطبیق مندرجات تاریخی با واقعیت موجود آن تا سال ۱۳۹۸ هجری جلب می کند. مسئول کتابخانه ملک عبدالعزيز معتقد است سقیفه ۳۰ تا ۴۰ متر جلوتر از کتابخانه قرار دارد.

فدک کجاست؟

معمولا زائران مدینه در جستجوی فدک می باشند و سرراغ آن را می گیرند و برخی نیز می پندارند که آن در یکی از نخلستانهای اطراف شهر مدینه است و برخی هم زائران را به آنجا راهنمایی می کنند!...

فدک بخشی از مزارع خیبر یا بهتر بگوییم از مزارع مربوط به یهودیان وادی القری بود. بنا به نوشته کتاب زندگانی فاطمه زهرا (س) خیبر در ۱۶۵ کیلومتری مدینه به طرف شام قرار دارد. «(۱)» آقای دکتر شهیدی در کتاب جنایات تاریخ ج ۱ می نویسد: خیبر تا مدینه ۱۲۰ کیلومتر و از خیبر تا فدک ده کیلومتر است که جمعا ۱۳۰ کیلومتر می شود. یهودیان فدک پس از شکست خیبر با پیامبر مصالحه کردند، به این نحو که، نصف زمینهای فدک خالصه پیامبر صلی الله علیه و آله باشد و نصف دیگر مال خود یهودیان و بدست آنان با شرایط خاصی اداره شود. «(۲)» با نزول آیه «و آت ذی القربی حقه» طبق فرمان الهی پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیه السلام را خواست و آنرا به او بخشید. «(۳)»

۱- نقش تاریخی و سیاسی فدک تالیف علی اکبر حسنی

۲- سوره اسراء آیه ۲۸

۳- . وفاء الوفا

منابع و مأخذ بخش اول

ص: ۸۵

بخش دوم: مکه مکرمه

اشاره

## آشنایی مختصری با تاریخ

شبه جزیره عربستان به لحاظ موقعیت جغرافیایی در جنوب غربی قاره آسیا قرار داشته و دارای ۳/۱۵۶/۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت می‌باشد که از شمال به فلسطین و صحرای شام، از ناحیه جنوب به اقیانوس هند و دریای عمان، از سوی شرق به خلیج فارس و از جانب غرب به دریای سرخ محدود می‌شود. این شبه جزیره شامل: عربستان سعودی، یمن شمالی و جنوبی، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و کویت می‌شود که عربستان با مساحت ۲/۱۳۹/۶۹۰ کیلومتر مربع بزرگترین کشور این شبه جزیره است. اینک جهت آشنایی بیشتر با این شبه جزیره به برخی از شرایط اقلیمی آن اشاره می‌کنیم:

از دیر زمان این سرزمین دارای سه بخش عمده بوده که عبارتند از:

۱- بخش شمالی و غربی که آن را «حجاز» نامیده‌اند.

۲- بخش مرکزی و شرقی که آنرا «صحرای عرب» خوانده‌اند.

۳- بخش جنوبی که «یمن» را تشکیل می‌دهد.

در این شبه جزیره، صحرای وسیع و شنزارهای بسیار گرم و غیرقابل سکونت به چشم می‌خورد که از آنجمله می‌توان «صحرای نفود» را نام برد. وجود همین مناطق خشک و سوزان و کمبود بارندگی است که زندگی کوچ نشینی را در دیرینه این سرزمین بر مردم آن تحمیل ساخته است. ناگفته نماند که مناطقی همچون طائف نیز یافت می‌شوند که از آب و هوایی نسبتاً خوب و معتدل برخوردارند. آنچه این شبه جزیره را در تاریخ بیادماندنی نموده، به اولین بخش این سرزمین مربوط می‌شود که آنرا «حجاز» می‌نامند، آنهم از آن روست که حجاز، شهرهای مقدسی چون مکه و مدینه را در خود جای داده است.

## شبه جزیره عربستان

با توجه به اینکه انگیزه ما آشنا ساختن عاشقان حریم معبود و راهیان کعبه مقصود، با آن دیار مقدس می‌باشد، در این نوشتار از آغازین لحظات ورود به این شبه جزیره شروع و شما را با اماکن تاریخی آن آشنا می‌سازیم:

## جده

این شهر که با مکه حدود ۹۰ کیلومتر و تا مدینه ۴۲۵ کیلومتر فاصله دارد از قدیمی‌ترین و مهمترین شهرهای عربستان و بزرگترین بندر آن به شمار می‌رود و به لحاظ سیاسی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا بسیاری از وزارتخانه‌ها، سفارتخانه‌ها و ادارات دولتی در آنجا قرار دارد. این شهر از آن جهت که به قولی مدفن حضرت حوا «ام البشر» در آن قرار گرفته «جده» نامگذاری شد، گرچه برخی آنرا جُده به «ضم جیم» نیز خوانده‌اند، بدان معنا که در ساحل دریا جای گرفته است. به هر صورت جده نخستین شهری است که همه ساله پذیرای میهمانان الهی گردیده تا پس از درنگی هر چند کوتاه راهی میقات گردند.

## میقات

این واژه از ریشه «وقت» و به معنای زمان یا مکان مشخص است و در قاموس حج به اماکن خاصی گفته می‌شود که از صدر اسلام توسط شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله به منظور نقطه آغاز تشریف به حریم قدس الهی تعیین گردیده و در طول قرون متمادی تاکنون شاهد «لیبیک» راهیان کوی دوست بویژه اولیای الهی بوده است.

## مواقیت حج

با توجه به آنکه حجاج بیت ا... الحرام از نواحی مختلف راهی حرم امن الهی می‌شوند میقاتهای گوناگونی جهت احرام مشخص گردیده که عبارتند از:

## ۱- جحفه:

میقات کسانی است که از طریق مصر، شام و... راهی مکه می‌شوند. این میقات در ۳۲ فرسخی مسیر مکه به مدینه در نزدیکی منطقه «رابغ»



قرار دارد. نام باستانی آن مهیعه بوده و مورخان بر این عقیده‌اند که در روزگاران این منطقه شاهد سیلی عظیم و بنیان کن بوده است و به همین جهت نیز آنرا جحفه نامیده‌اند. شایان یادآوری است که از حجاج ایرانی آنان که مدینه بعد هستند پس از ورود به جده جهت انجام مراسم احرام راهی این میقات می‌شوند.

#### ۲- مسجد شجره (ذوالحلیفه)

میقات اهل مدینه و دیگر کسانی است که از مدینه راهی مکه می‌شوند. مانند حجاج ایرانی (مدینه قبل) که ابتدا از جده به مدینه رفته و پس از اقامت چند روزه در این میقات احرام بسته و به سوی مکه روانه می‌گردند. این میقات دورترین میقات از مکه بوده و با آن ۴۸۶ کیلومتر فاصله دارد.

#### ۳- قرن المنازل:

میقات اهل نجد و طائف است و تا مکه ۹۴ کیلومتر فاصله دارد.

#### ۴- یلملم:

میقات اهل یمن بوده و تا مکه ۸۴ کیلومتر فاصله دارد.

#### ۵- وادی العقیق:

میقات اهل عراق و کسانی است که از ناحیه شرق عربستان راهی مکه می‌شوند و شامل سه نقطه:

«مسلخ»، «غمره» و «ذات عرق» می‌باشد و فاصله آن تا مکه ۹۴ کیلومتر است. «(۱)» حریم حرم امن الهی

حجاج پس از آنکه در یکی از مواقیح احرام می‌بندند تلبیه گویان راهی دیار توحید و حرم امن الهی می‌شوند و گرچه حرم به مکه اطلاق گردیده و در آیاتی چند از قرآن نیز این دیار مقدس، حرم امن الهی خوانده شده است ولی قلمروی وسیع تر از شهر مکه را در بر می‌گیرد.

آنگونه که در برخی نقل‌ها آمده، حضرت ابراهیم علیه السلام حدود حرم را مشخص کرده، در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز همان حدود که امروزه با ستون‌هایی به شکل مکعب مستطیل یا استوانه‌ای شکل در اطراف مکه و در مرز ۱۴ کیلومتری راههای عراق، طائف و یمن بچشم می‌خورد تعیین فرمود. در نقلی دیگر حدود حرم و مشخصه آنرا چنین آورده‌اند:

۱- دو ستون در مسیر جده که در منزل حدیبیه که فاصله آن تا مسجدالحرام ۲۰ کیلومتر است.

۱- . به روایات باب حج کافی مراجعه شود

- ۲- دو ستون در مسیر مدینه به مکه در منزل تنعیم که فاصله آن تا مسجد الحرام ۶ تا ۷ کیلومتر است.
- ۳- دو ستون در راه جعرانه به مکه در بطن نمره که فاصله آن تا مسجد الحرام ۱۵ کیلومتر است.
- ۴- دو ستون در راه عراق به مکه در ذات عرق که فاصله آن تا مسجد الحرام ۱۵ کیلومتر است.
- ۵- دو ستون در راه طائف به مکه در مزدلفه که فاصله آن تا مسجد الحرام ۲۱ کیلومتر است.
- ۶- دو ستون در راه یمن به مکه در اضائه اللبَن که فاصله آن تا مسجد الحرام ۱۲ کیلومتر است.

ناگفته نماند که نقل‌های دیگری نیز آورده‌اند که در مجموع، مرکزیت حرم از مسجد الحرام و کعبه است و در شعاع جغرافیایی حرم اختلاف است. چنانکه محقق در شرایع و مختصر النافع و یا علامه حلی (ره) و دیگرانی در تبعیت از ایشان شعاع آنرا چهار فرسخ از هر طرف دانسته‌اند و در دیرینه تاریخی آن آورده‌اند. مکه به نقل روایات آنروز که آدم علیه السلام بر ابوقیس فرود آمد از تنهایی به خدا شکوه نمود. از اینرو خداوند یاقوتی سرخ برای او فرستاد. وی آنرا در جای کعبه نهاد و برگرد آن طواف نمود، روشنایی آن یاقوت احمر شعاعی را به وسعت آنچه که حدود حرم نامیده می‌شود روشن ساخت که بعدها آن حدود علامت گذاری شد.

#### حرمت حرم

این منطقه وسیع از چنان حرمتی برخوردار است که جنگ و خونریزی در آن (مگر در مقام دفاع) حرام است. همانگونه که برای حیوانات نیز منطقه امن اعلام گردیده و صید حیوانات در آن ممنوع است، و آنکس که حرمت این حریم را حفظ نکند و عمداً آنرا هتک نماید مهدور الدم خواهد بود. <sup>(۱)</sup> و مشرکان نیز حق ندارند با ورود خویش به این منطقه حرمت آنرا لکه دار سازند. از اینرو بود که پیامبر صلی الله علیه و آله دائم بهنگام ورود به قلمرو حرم کاروانیان را متوقف ساخته و با آنکه مُحرم بودند غسل می‌نمودند و با حالتی سرشار از تواضع و با پای برهنه در حالیکه ذکر حق را در زیر لبان خویش زمزمه گر بودند پای در این خطه می‌گذارند.

## مکه المکرمة

چنانکه پیشتر نیز گذشت اولین شهر از دو شهر مذهبی حجاز که ام‌القرای ممالک اسلامی نیز هست مکه معظمه است. این شهر کوهستانی، با دیرینه تاریخی در جنوب سرزمین حجاز قرار دارد و از جانب شمال به مدینه، از ناحیه جنوب به یمن، از سوی شرق به نجد و ریاض و از جهت غرب به جده محدود می‌شود.

ارتفاع آن از سطح دریا ۳۳ متر و در عرض جغرافیایی ۲۱ درجه و ۳۸ دقیقه و طول ۴۰ درجه و ۹ دقیقه واقع گردیده و محصور به سلسله جبالی است که برخی از آن رشته کوهها عبارتند از:

۱- رشته کوه شمال مکه که به «جبل فلق» مشهور است و بطرف غرب امتداد دارد و در همین ناحیه «جبل احمر» یا «اعرف» مشرف به قیقعان و آنسوی «جبل هندی» و «جبل لعل» و «جبل کدّا» است و کدّا همان کوهی را گویند که در حادثه فتح مکه میزبان پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از ورود حضرت به مکه بوده است.

۲- رشته کوه جنوبی مکه که همان «جبل ابی حدیده» بوده و بسوی غرب امتداد دارد و در «جبل کدی» در امتداد جنوب قرار گرفته است.

۳- کوه ابو قییس که در جنوب شهر مکه نزدیک صفا و مشرف بر مسجد الحرام است.

۴- جبل النور که در شرق مکه قرار گرفته و غار حرا (محل نزول اولین وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آغاز بعثت) در آن قرار دارد و در تورات از آن به «جبل فاران» یاد شده است.

۵- جبل الثور در آغاز راه مکه به یمن که غار ثور (محل اختفای پیامبر صلی الله علیه و آله در لیلۃ المبیت و بهنگام هجرت به مدینه) در آن قرار دارد. (درباره این دو کوه توضیحات دیگری را در ادامه نوشتار خواهیم داشت).

## نامهای مکه

برای این شهر نامهای متعددی ذکر گردیده از جمله در قرآن بنامهای زیر یاد شده است:

\* مکه \* بکّة \* البلد \* بلد الامین \* حرم \* ام القری \* بلد امن \*

هر یک از این اسامی خود، گویای حقیقت و بلکه حقایقی است و در مجموع

حکایت از شرافت این زمین دارد. اینک در جهت تکمیل نوشتار به علت نامگذاری «مکه» به این اسامی اشاره می‌نمایم:

مکه

این نام، یکبار در قرآن آمده و در نامگذاری آن گوناگون گفته‌اند. صاحب مجمع البحرین آنرا از ریشه «مک» بمعنای هلاکت و نابودی دانسته و آنرا کنایه از این می‌داند که هر کس (مانند اصحاب فیل) بدان قصد سوء بنماید جز نابودی سرنوشتی نخواهد داشت. دو وجه دیگر نیز ذکر می‌کند: یکی آنکه محل نابودی و پاک شدن گناهان است و دیگر آن که زمینی بی بهره از آب آشامیدنی، گویی زمین، آب آنرا مکیده و نابود ساخته است.

فرید مجدی کلمه «مکه» را از «مکا» بمعنای خانه می‌داند و معتقد است که این کلمه واژه‌ای بابلی است و چون حضرت ابراهیم علیه السلام اهل بابل بود پس از بنای کعبه این نام را برگزید و بعدها تدریجاً بتمام شهر اطلاق گردید.

بکه

برای این نام نیز که در قرآن یکبار آمده است وجوه مختلفی ذکر کرده‌اند. از جمله در بیانی امام‌صادق علیه السلام می‌فرماید:

«این سرزمین، بکه نامگذاری شده چه آنکه مردم در کنار کعبه گریان میشوند» (۱) البته شایان ذکر است که به بیان امام‌صادق علیه السلام تمام شهر را «مکه» و جایگاه کعبه را «بکه» نامیده‌اند.

مؤلف مجمع البحرین معتقد است که آنرا «بکه» نامیده‌اند بدان جهت که گردن ستمکاران و جباران را می‌شکنند.

ام القرى

به معنای مادر شهرها، نام دیگری است که برای مکه ذکر کرده‌اند و در قرآن دو بار آمده است. علت نامگذاری آن نیز مرکزیت این شهر است.

حرم

این نام در دو جای قرآن آمده است، آنهم با پسوند «امن» که گویای کرامت و امنیت آن است. چه آنکه حرم مکانی را گویند که هر گونه بی احترامی بدان حرام است و اگر از اموری در آن باید پرهیز شود بدلیل حرمت حرم خواهد بود.

این نام در قرآن به شکل‌های مختلف وارد گردیده و مورد سوگند خداوند قرار گرفته است. در موردی بصورت «البلد»، در جایی با عنوان «البلد الامین» و یا «البلد آمن» که اینها گویای یک حقیقت است و آن چیزی جز «شهر امن» نخواهد بود. یادآوری

آنچه از اسامی که تاکنون ذکر نموده‌ایم نامهایی است که در قرآن از آنها یاد شده بود، لکن اسامی دیگری نیز برای مکه آورده‌اند. در بیانی از امام ششم علیه السلام آمده است که می‌فرماید: مکه پنج نام مهم دارد و آنها عبارتند از: \* ام القری \* مکه \* بکه \* بساسته \* ام رحم \* و در علت نامگذاری دو نام اخیر حضرت فرمودند: آنها «بساسته» گویند زیرا هر گاه در آن به کسی ستم نمایند، آنها را از خود رانده، هلاکشان می‌سازد و «ام رحم» از آنرو نامیده می‌شود که هر گاه کسی به آن چنگ زند مورد ترحم خداوند واقع خواهد گردید.

طریحی نیز در مجمع البحرین نامهای زیر را برای مکه برشمرده است:

\* صراح \* العرض \* المقدسه \* نساسته \* بیت العتیق \* ام رحم \* ام القری \* الحاطه \* القادس \* الباسه \* الرأس \* کوئی \* شرافت مکه:

این شهر از کرامت و شرافت ویژه‌ای برخوردار و در طول تاریخ مورد توجه بوده است، چه آنکه خاستگاه انبیای بزرگ الهی بوده و «روایات بسیاری» به اهمیت و عظمت آن اشاره گردیده که در برخی روایات از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: ای مکه! چقدر خوبی. تو برترین زمین خدایی و محبوب‌ترین زمینها نزد او، و گر نبود که مرا بیرون ساختند هرگز تو را رها نمی‌ساختم. (۱) این شهر و زمین با ارزش از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است که به برخی از آنها ذیلاً اشاره می‌نماییم: \* حرم امن الهی است و از دیرینه تاریخی برخوردار و همواره مورد تقدس و ارزش بوده است.

\* هیچکس را نشاید که بدون احرام در آن گام گذارد.

\* ورود مشرکان و کافران به آن حرام و ممنوع است.

\* حمل سلاح در آن حال احرام، حرام است.

\* بریدن درخت و گیاه در آن حرام است.

\* صید در آن حرام است.

\* انتقال خاک مسجدالحرام، به نقطه دیگر حرام است.

\* قصد معصیت در آن بمصابه گناه بوده و کیفر خواهد داشت.

\* احتکار در آن الحاد و کفر است.

\* مورد سوگند الهی قرار گرفته است.

\* مظا استجابت دعا (مطاف - ملتزم - کعبه - صفا - مروه - مسعی - خلف مقام - عرفات - مزدلفه - منی و ...) در آن قرار دارد.

\* قرآن خواندن در آن، اقامه نماز در آن، هر عمل نیک در آن از پاداش ویژه برخوردار است.

\* جنگ و ستیز در آن حرام است.

\* مرگ در آن دیار هر چند در راه وصول به این شهر باشد سبب نجات از محاسبه اخروی است و کیفر الهی نیز از او برداشته

میشود.

و بسیاری ویژگیهای دیگر که در روایات بطور پراکنده آمده و در این مختصر نمی گنجد.

### اماکن معنوی - تاریخی مکه

مکه این شهر تاریخی و پایگاه عظیم معنوی در جای جای خود، مشاهد مشرفه و اماکن متبرکه‌ای را سراغ دارد که در این مجموعه به هر یک از آنها اشاره می کنیم:

مسجد الحرام

این مسجد که با همین نام در بیش از ده مورد در قرآن از آن یاد گردیده است، سابقه‌ای تاریخی دارد، آنگاه که ابراهیم و فرزندش اسماعیل «علیهما السلام» کعبه را تجدید بنا کردند گرداگرد کعبه ساختمانی وجود نداشت «(۱)» و عموماً قبایلی که در آن خطه می زیستند در دره‌ها و شعب‌های اطراف اسکان گزیده بودند، تا آنکه بتدریج نقاط نزدیک نیز مسکونی شد، تا آنکه در زمان قُصی بن کلاب جد

چهارم پیامبر صلی الله علیه و آله حضور مردم در مکه افزون شد و اطراف کعبه بصورت

مسجدی در آمد. هر چند در سال‌های بعد تجدید بناها و توسعه های بصورت گرفت، مثل آنچه در سال ۱۷ هجری اتفاق افتاد و در پی سیلی عظیم که خساراتی بر مسجد وارد ساخت و لذا تجدید بنا صورت گرفت (۱) و در سال ۲۶ هجری بر گستره آن افزوده شد و این بنا هم چنان پا بر جا بود تا عصر عبدالملک مروان و والی او حجاج بن یوسف که پس از شکست عبدالله بن زبیر در سال ۷۵ هجری مجدداً ساختمان آن تجدید گردید و به ترتیب در سنوات ۹۱ هجری (عصر ولید بن عبدالملک) و ۱۳۷ هجری (عهد منصور عباسی) و ۱۹۶ هجری (زمان مهدی عباسی) اضافاتی صورت گرفت. تا آنکه بالاخره در زمان سلطان سلیم عثمانی در سال ۹۷۹ ه بنای جدید مسجد الحرام آغاز و در سال ۱۰۳۹ ه پایان یافت. پس از آن دیگر بار در سال ۱۳۷۵ هجری مسجد توسعه یافت و به آخرین مساحت «۱۶۰۸۶۱» مترمربع رسید. ناگفته نماند که در سالهای اخیر (۱۴۱۲-۱۴۱۰ ه) مسجد شاهد تغییرات دیگری بوده است که هم چنان ادامه دارد، در این مرحله نیز، ۷۶۰۰۰ متر مربع با گنجایش ۱۹۰/۰۰۰ نماز گزار بر مساحت مسجد افزوده شد، بنابراین مساحت کل مسجد الحرام پس از آخرین توسعه ۳۶۱/۰۰۰ متر مربع خواهد بود که می توان افزون بر ۷۳۰/۰۰۰ نماز گزار را در موسم حج در خود جای دهد.

درب‌های مسجد الحرام

تعداد درب‌های مسجد در زمانهای مختلف افزایش یافته، تا آنجا که امروزه دارای ۶۲ درب بزرگ و کوچک است، درب‌های اصلی و رئیسی آن عبارتند از:

\* باب السلام \* باب العمره \* باب ملک عبدالعزيز

و ابواب دیگر آن به نقل «ازرقی» در اخبار مکه چنین است:

\* باب بنی شیبه که به باب الکبیر موسوم است. «(۲)» \* باب دار القواریر یا تالار آئینه و خانه آئینه که فعلاً به نام باب القارار نامیده می شود.

\* بابی که پیامبر صلی الله علیه و آله از منزل خود که در کوچه عطفروشان بود به مسجد می آمدند و به آن مسجد خدیجه بنت خویلد نیز گفته می شد.

\* دربی که در سوی بینصفا و مروه قرار دارد.

\* دربی در محله بنی هاشم که به باب بنی هاشم نیز معروف است.

۱- فی رحاب البیت الحرام، ص ۹۳

۲- اخبار مکه ص ۳۶۸

\* باب بنی تیم.

\* باب عبدا ... بن جذعان و او کسی است که حلف الفضول یا پیمان جوانمردان با شرکت پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت در خانه او تشکیل می شد.

\* باب ام هانی دختر ابی طالب خواهر علی علیه السلام

\* باب العمرة \* باب العتق \* باب الباسطه \* باب القطبی \* باب الزیارة \* باب المحکمة \* باب سلیمانیه \* باب الدر بیه و باب الدوله \* باب السلام کبیر \* باب النبی \* باب العباس \* باب السلام صغیر که بیاب قایتبای نیز معروف است \* باب علی که همان را نیز باب بنی هاشم نیز می دانند \* باب الصفا \* باب الاجیاد \* باب بازان \* باب البغله \* باب الرحمه \* باب بنی تیمیم \* باب جده \* باب جبرئیل که برخی آنرا باب آل عثمان گفته اند \* باب وداع \* باب ابراهیم \* باب داودیه \* باب فتح \* باب مکه \* باب دارالندوه \* باب جدید \* باب حج مقابل باب بنی هاشم \* باب شریف \* باب الفرضه \* باب المدبغه \* (۱) مناره های مسجد الحرام

بنا بر آنچه ازرقی نقل کرده مسجد الحرام دارای ۴ مناره بوده که موذن بر بالای آن اذان می گفته است.

مناره اول در ناحیه درب بنی سهم بود، مناره دوم در جانب اجیاد و مشرف بر بازار خیاطها در باب الخزوره بود و در آن اذان سحرهای ماه رمضان گفته می شد. مناره سوم مشرف بر خانه ابن عباد و خانه سفیانی ها و سوق اللیل بود، که به آن مناره مکه می گفتند. مناره چهارم، میان شرق و شمال و مشرف بر دارالاماره و بازار کفاش هاست. هم اکنون مسجد الحرام دارای ۷ مناره می باشد که بنام های زیر مشهور است:

\* مناره باب العمرة \* مناره باب السلام \* مناره باب الخزوره \* مناره باب الزیارة \* مناره باب علی \* مناره قایتبانی \* مناره سلیمانیه سالار موذن در مناره باب العمرة اذان می گفته و دیگران آنرا تکرار می کردند. (۲) دو مناره دیگر هم در توسعه اخیر مسجد الحرام در سالهای ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ توسط آل سعود بر آنها افزوده شده که در نتیجه مناره های مسجد الحرام به ۹ مناره میرسد. خانه کعبه

مسجد الحرام، کعبه را چون نگین انگشتری در درون خود جای داده است.

۱- معالم الحجاز، ص ۱۶۹

۲- اخبار مکه للازرقی ص ۲۷۵



کعبه قبله مسلمین جهان از قدمت تاریخی برخوردار است تا آنجا که اصل پیدایش آن به دورانهای قبل از حضرت ابراهیم صلی الله علیه و آله و بلکه طبق نقل هایی به قبل از حضرت آدم باز می گردد و حرمت و شرافت آن نیز به دیرینه های پیش از اسلام مربوط می شود. اکنون جهت ارزیابی پیشینه تاریخی آن به آینه آیات و روایات نظری می افکنیم:

### کعبه در قرآن

۱- در جایی از قرآن چنین می خوانیم:

\* اِنَّ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ \* ﴿۱﴾

با این بیان از کعبه بعنوان اولین خانه ای که برای مردم نهاده شده یاد می کند و در ذیل آیه در روایتی چنین می فرماید:

\* آنگاه که خدای متعال اراده فرمود تا زمین را هستی بخشد از موضع کعبه آغاز کرد و آنرا گسترانید.

۲- در آیه ای دیگر خداوند می فرماید:

\* وَلِيُطَوِّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ \* ﴿۲﴾

یکی از معانی عتیق «قدیم» است، که روایاتی چند در ذیل آیه به این حقیقت اشاره دارد. خاورشناس معروف انگلیسی «موئیس» در کتابی که بعنوان بیوگرافی پیامبر عرضه کرده می گوید: قدیمی ترین معبد بشر خانه کعبه می باشد.

۳- در آیه ای می فرماید:

رَبَّنَا اِنَّا اسْكَنْتُمْ مِن دُرَيْتِي بَوَادِ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ ﴿۳﴾ از این آیه استفاده می گردد که قدمت کعبه به قبل از حضرت ابراهیم علیه السلام مربوط می شود، چه آنکه ابراهیم همسرش هاجر و فرزندش اسماعیل را نزد آن اسکان داده، پس کعبه پیش از آن هم وجود داشته است.

۴- در آیه ای آمده است:

وَ اذِ يَرْفَعُ اِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَاِسْمَعِيلُ ﴿۴﴾ ...

به بیان این آیه حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل مامور بالابردن پایه های کعبه شدند. فخر رازی (در مفاتیح الغیب) ذیل این آیه معتقد است که از همین آیه سبقت تاریخی خانه کعبه بر حضرت ابراهیم استفاده می شود. گویی پایه ها از قبل موجود بوده لکن ابراهیم مامور تعمیر و ترفیع آن گردید.

۱- سوره آل عمران آیه ۹۶

۲- سوره حج آیه ۲۹

۳- سوره ابراهیم آیه ۲۷

۴- سوره بقره آیه ۲۷

**کعبه در روایات:**

همان گونه که از آیات استفاده گردید در روایات نیز قدمت آن مورد توجه بوده و بیشتر نظر به قبل از حضرت آدم علیه السلام دارد که در این مجال برخی از آنها را یادآور می‌شویم:

\* زراره از امام‌صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند:

«دو هزار سال پیش از آدم ابوالبشر حج‌صورت می‌گرفت.» <sup>(۱)</sup> \* زراره از امام باقر علیه السلام نیز نقل می‌کند که حضرتش فرمودند:

«حضرت آدم علیه السلام هزار بار با پای خود به این خانه آمد که هفتصد بار آن به قصد حج و سیصد مرتبه آن به نیت عمره صورت پذیرفت» <sup>(۲)</sup> \* در ضمن روایتی که زمخشری وی را دیدار کرده و به او گفتند:

ای آدم، ما این خانه را، دو هزار سال قبل از تو زیارت کرده‌ایم.

\* امیرالمومنین علیه السلام در پاسخ پرسشهای مرد شامی از جمله فرمود:

«دو هزار سال قبل از آدم علیه السلام در خانه کعبه توسط ملائکه حج انجام می‌گرفته است»

نامهای کعبه

برای خانه خدا اسامی متعددی ذکر کرده‌اند که برخی از آنها در قرآن آمده است. از جمله با همین عنوان (کعبه) که نام اختصاصی و معروف این خانه بوده و در دو جای قرآن آمده است، شاید این نام بدلیل مکعب بودن آن باشد. از میان اسامی خانه، مشهورترین نامها عبارتند از:

بیت الله

انتساب این خانه به خداوند نشان عظمت و شرافت کعبه است، گو اینکه اضافه «بیت» به «الله» از نوع اضافه تشریفی می‌باشد. حتی در مواردی خداوند با کلمه «بیتی» یعنی «خانه من» از آن یاد فرموده است.

۱- شرح مناسک حج شهید ثانی، بخش اول

۲- همان مدرک

این نام در قرآن شش مورد آمده است. از آنجمله در آیه تشریح حج که می‌فرماید:

«وَاللَّهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» (۱) بیت الحرام

این نام را بدلیل حرمت ویژه کعبه بر آن نهاده‌اند، حرمتی که پیشتر بدان اشاره شد و بجهت همین حرمت است که ورود مشرکان به آن حرام است. در جایی از امام‌صادق علیه السلام پرسیدند که چرا کعبه را بیت الحرام نام گذارده‌اند؟ حضرتش فرمود: از آنرو که مشرکان حق ورود به آنرا ندارند. (۲) بیت عتیق

برای نامگذاری آن به این اسم وجوه مختلفی ذکر شده است. برخی «عتیق» را بمعنای «قدیم» دانسته‌اند و علت این نام را «قدمت کعبه» گفته‌اند و گروهی آنرا بمعنای آزاد شده می‌دانند، چه بدانجهت که در توفان نوح از نقاط آزاد شده بود و یا از آنرو که از سلطه کافران و ستمپیشگان آزاد و یا از شرک و پلیدی پیراسته است. (۳) بیت المعمور بنا به نقل بعضی تفاسیر مراد از «بیت المعمور» که در قرآن آمده است، خانه کعبه می‌باشد که عمران آن با انجام شکوهمند حج تحقق پذیر است.

بکة

گر چه در نظر مشهور موضع کعبه را بکة گویند، لکن از بعضی از روایات استفاده می‌شود که به کعبه نیز اطلاق گردیده است. عبدا... بن منان از امام‌صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت پرسیدند چرا کعبه را بکة گویند؟ حضرتش فرمودند: زیرا مردم در اطراف کعبه و نیز در داخل آن گریه می‌کنند. (۴) شرافت کعبه هر چند که روایات اسلامی ارزش خاصی را برای کعبه یادآور شده‌اند تا جایی که

۱- سوره آل عمران آیه ۹۷

۲- علل الشرایع

۳- اخبار مکه ج ۱ ص ۲۱۵

۴- علل شرایع

در جوار کعبه کسی بی بهره از آن نخواهد بود. چه آنکس که طواف می‌کند، نماز می‌گزارد، قرآن تلاوت می‌کند و یا حتی تنها به نگرستن به آن اکتفا می‌کند. لکن باید دانست که ارزش کعبه محدود به زمان خاص و یا گروهی مخصوص نیست بلکه از زمانهای بسیار دور و در نزد غیر مسلمانان نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است:

\* هندوها معتقدند که «بودا» به زیارت کعبه آمده و روح او در حجرالاسود حلول نموده است.

\* ایرانیان باستان بدان احترام گذاشته، و بر این عقیده بودند که روح «اهورامزدا» در آن حلول نموده است و زیارت «ساسان بن بابک» و هدیه‌اش به کعبه را در همین راستا توجیه می‌کنند و به نقل «مسعودی» در مروج الذهب، آندسته از ایرانیان کهصائبی و ستاره پرست بودند، کعبه را خانه «زحل» دانسته، از اینرو برای آن احترام ویژه قائل بودند.

\* اعراب در پی نیاکان خویش و در تبعیت از آنان به کعبه احترام می‌گزارند، و بالاخره تا آنجا که تاریخ با ما سخن می‌گوید گویای احترام ملت‌ها و ملیت‌ها به این خانه والامقام است.

تجدید بنای کعبه:

آنگونه که از روایات و تاریخ گذشته استفاده می‌گردد کعبه تاکنون ۱۲ بار تجدید بنا شده است. «(۱)» ۱- نخست توسط فرشتگان

و جبرئیل پیش از آدم علیه السلام

۲- توسط حضرت آدم علیه السلام

۳- توسط شیث فرزند آدم، سپس در توفان نوح خراب شد.

۴- بنای آن توسط حضرت ابراهیم علیه السلام

۵- بوسیله قبیله جرهم تعمیر شد.

۶- دولت عمالقه آنرا تعمیر کردند.

۷- وسیله قُصی بن کلاب جد چهارم پیامبر صلی الله علیه و آله پس از خرابی توسط سیل.

۸- توسط قریش پیش از بعثت و در عصر جاهلیت زمانی که بر سر نصب حجرالاسود نزاع شد و پیامبر صلی الله علیه و آله آنرا حل کرد.

۹- تعمیر آن در عصر خلافت عمر و عثمان

۱۰- بنای آن توسط عبدا ... بن زبیر

۱۱- در عصر عبدالملک مروان که توسط حجاج بن یوسف خراب شد و سپس ساخته شد.

۱۲- پس از تهاجم قرامطه و ربودن حجرالاسود در سال ۳۳۹ هجری

۱۳- به وسیله سلطان سلیم عثمانی در سال ۱۰۳۹ و ... «(۱)» پرده کعبه

براساس آنچه از روایات بدست می آید اولین پوشش کعبه از حضرت آدم علیه السلام و با جامعه‌ای بافته شده زا مو، بود و سپس در زمان ابراهیم علیه السلام و اسمعیل با بافته‌هایی از لیف خرما و مو، که توسط همسر اسمعیل بافته می‌شد و بعد از او توسط «تبع» و سپس بوسیله جانشین «تبع» پوشش یافت.

در گذر تاریخ زمانی سلیمان پیامبر با گرانباترین جامه، پوشش این خانه را تهیه کرده است. و پس از سلیمان (که بر کعبه جامه قبطنی پوشانید) دیگر کسی مانند «جناب قصی» جد چهارم پیغمبر صلی الله علیه و آله آنرا جامه گرانباترین پوشانده است. از ابن (اعشی) می‌گوید:

خَلِفْتُ بَثْوَبِي، رَاهِبَ الدَّيْرِ وَ التِّي بِنَاهَا قَصِي وَالْمَضَاضَ بْنَ جَرَاهِمَ

گویند قبل از اسلام برای اینکه این افتخار نصیب همگان شود، در هر سالی قبیله‌ای از مردم مکه، با عباهای مختلف و رنگارنگ اقدام به این کار می‌کردند.

پس از ظهور اسلام و فتح مکه نخستین کسی که کعبه را با قماش یمانی پوشانید پیغمبر صلی الله علیه و آله بود.

علی علیه السلام نیز در دوران خلافت خویش از عراق هر سال جامعه‌ای برای کعبه می‌فرستاد. البته دیگرانی نیز بوده‌اند که در این امر سهیم بوده و برای پوشش کعبه اهتمامی ویژه داشتند.

در تاریخ آورده‌اند که: جامه خانه را در قدیم الایام، ایرانیان، تقدیم می‌کردند، و این افتخار ویژه آنان بوده است. «ابن بطوطه» در سفرنامه خود می‌نویسد: پیراهن کعبه را در شوشتر خوزستان از یک نوع دیا می‌بافتند و نقل کرده‌اند: که مهدی عباسی چون به خلافت رسید، و به مکه رفت، مسئولین خانه کعبه از تراکم پیراهن‌ها بر سطح خانه شکایت کرده و گفتند: از سنگینی این پیراهن‌ها که از طرف قبایل مختلف پوشانده می‌شود، ممکن است سقف کعبه فرود آید. وی دستور داد جامه‌های گوناگون را برداشته، بصورت جامه‌ای واحد

در آورند و از آنروز تا کنون این روش معمول بوده است.

و اما علت اینکه اجازه دادند پوشش کعبه هم چون افتخاری بزرگ نصیب ایرانیان گردد آن بوده است که مهدی عباسی ولیعهد منصور دوانیقی در دوران ولایت عهدی خویش را در ایران (ری) گذرانده و هارون الرشید نیز در همین شهر بدنیا آمده بود و انتخاب شوشتر از آنرو بود که در این شهرستان پارچه نفیسی بنام دیباج بافته می‌شد. در گذشته‌های دور، درون خانه نیز جامعه‌ای مخصوص داشت. در این باره نوشته‌اند مادر عباس بن عبدالمطلب برای برآورده شدن خواسته‌ای که داشت نذر کرد تا جامعه‌ای جهت داخل کعبه تهیه کند و چون حاجتش برآورده گردید به عهد خویش وفا نمود و این امر چون سنتی نیکو تا مدت‌ها دوام یافت، گرچه بعدها بفراموشی سپرده شد.

پوشش کعبه با همه سابقه طولانی خود برنامه خاصی نداشت، بگونه‌ای که گاه هر ساله عوض می‌شد و گاهی سالهای مدید بر جای می‌ماند تا آنکه مندرس گردد و پاره شود. در سال ۸ هجری و در جریان فتح مکه پیامبر صلی الله علیه و آله پرده کعبه را بر جای گذارد، ولی پس از آتش سوزی و سوختن پرده، پیامبر صلی الله علیه و آله برای پوشاندن آن از پارچه‌ای یمانی بهره جست که این شیوه نیز بعدها ادامه یافت تا آنکه در سال ۱۳۹۲ هجری کارخانه‌ای بمنظور بافت پرده کعبه در مکه تاسیس و در سال ۱۳۹۵ افتتاح گردید.

این پرده با توجه به نفیس بودن پارچه مورد استفاده‌اش و با نظر به آیاتی که بر آن طلا باف می‌گردد کاری زیاد و هزینه‌ای بسیار را بخود اختصاص می‌دهد تا آنجا که امروزه هزینه آنرا حدود ۱۷/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال سعودی تخمین زده‌اند. «(۱)» ارتفاع این پرده ۱۴ متر و در قسمت بالای آن کمربندی است که آنرا حزام گویند. این کمربند با عرض ۹۵ سانتیمتر است که دور تا دور آن آیات قرآن با خطوط نقره آمیخته به طلا بافته می‌شود، این کمربند در مجموع ۴۷ متر و ۱۶ قطعه است. پرده درب کعبه نیز که به آن بُرُقع گفته می‌شود از ابریشم سیاه رنگی است که آیات جالبی روی آن زردوزی شده است و اصل پوشش کعبه نیز از آن می‌باشد.

ارکان کعبه:

کعبه تقریباً به شکل مکعب مستطیل و دیوار آن از سنگ‌های کبود رنگ متمایل به سیاه که به آن «صماء» گفته می‌شود ساخته شده است. درون کعبه نیز با سنگ

مرمر سیاه که برخی منقوش و از دوره شاهان بنی قلابدون مصر اهدا شده بنا گردیده است.

ارتفاع کعبه از سطح مسجدالحرام و مطاف ۱۴/۸۵ متر و طول ضلعی که باب بیت در آن قرار گرفته ۱۱/۵۸ متر و طول ضلعی که ناودان در آن قرار دارد ۱۰/۲۲ متر می باشد.

کعبه دارای ۴ رکن است که هر یک از آنها بنامی مخصوص خوانده می شود: ۱- رکن شرقی یا رکن حجرالاسود. این رکن که محاذی آن را با سنگ مرمر قهوه‌ای رنگی در کف مطاف مشخص ساخته‌اند مبدأ شروع طواف است. و حجرالاسود به ارتفاع یک متر و نیم از سطح مطاف و مسجدالحرام، در آن نصب شده است و در واقع جهت قبله قسمتی از جنوب حجاز و استرالیا و جنوب ایران در هنگام نماز می باشد.

۲- رکن شمالی یا رکن عراقی که در زاویه شمالی کعبه و در طرف راست درب خانه کعبه قرار دارد و سمت قبله اهل عراق و شام در هنگام نماز است.

۳- رکن غربی که در طرف ناودان طلا- قرار دارد و توجه اهل غرب هنگام نماز به این جانب است و بهمین جهت به رکن غربی معروف است. این رکن را برخی رکن شامی می دانند. «(۱)» ۴- رکن یمانی، یا رکن جنوبی: این رکن، در زاویه جنوبی خانه، و قبل از رکن حجرالاسود می باشد. از این جهت به آن یمانی می گویند که توجه اهل یمن در نماز به ناحیه این رکن است. اینجا را (ملتزم) هم می گویند. از این جهت که زائران خود را به آن چسبانیده و آنرا در آغوش می کشند. روایات در فضیلت و شرافت این رکن بسیار است.

امام ششم علیه السلام فرمود: با پدرم مشغول طواف بودم، هر گاه به حجرالاسود می رسید آنرا با دست مسح نموده و می بوسید و زمانی که به رکن یمانی می رسید آنرا در آغوش می کشید! گفتم: فدای تو گردم، می بینم که حجرالاسود را با دست، مسح می کنی، اما رکن یمانی را در آغوش می کنی؟ پاسخ داد: رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: زیرا هنگام رسیدن به رکن یمانی همواره می دیدم جبرئیل قبل از من آن را در آغوش کشیده است. «(۲)» امام پنجم علیه السلام فرمود: رسول خداصلی الله علیه و آله با دست خود حجرالاسود و رکن

۱- اخبار مکه، ص ۲۳۲

۲- وسائل الشیعه، ج ۹ ص ۴۱۸

یمانی را مسح می کرد، سپس آن دو را می بوسید و گونه و صورتش را بر آنها می نهاد. «(۱)» و نیز آن حضرت می فرماید: رکن یمانی، دری است از درهای بهشت، از آن وقتی که خدا آنرا باز کرده، نبسته است. «(۲)» و در روایت دیگر فرمود: هیچ مومنی نزد رکن یمانی دعا نمی کند مگر اینکه دعای او بالا رود، و میان او و خدا حائلی نباشد. و در روایت دیگر فرمود: خداوند متعال را در نزد رکن یمانی فرشته ای است که کار او، آمین گفتن به دعای مومنین است. «(۳)» عبدا ... بن عمر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: مسح رکن یمانی خطایا و گناهان را می پوشاند. «(۴)» درون کعبه:

در داخل کعبه روبروی درب، محرابی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن نماز خوانده اند. مولد علی علیه السلام در گوشه غربی خانه است. یعنی در زاویه ضلعی که مقابل درب کعبه قرار دارد و مستجار در آن می باشد که قبلا با ساختمان کوچکی تقریبا دو ذرع در دوزرع، که دیوارهاش تا سقف بالا رفته بود و سنگ کوچک و سرخ رنگی در کف آن بعنوان نمودار محل تولد علی علیه السلام قرار داشت مشخص بود لیکن این آثار هم اینک وجود ندارد. در قسمت شمالی داخل کعبه مکانی است بنام «باب التوبه» که از آنجا برپام کعبه می روند. این باب را باب علی علیه السلام نیز می گویند.

درب خانه و بیت الله در سال بطور معمول دوبار باز می شود. یکی قبل از شروع موسم حج و دیگری بعد از پایان موسم حج و در آن هنگام، کعبه با گلاب شستشو می شود. قبلا- تعویض پرده نیز در مُحَرَّم انجام می شد ولی از دوران قدرت بنی هاشم (وبنی العباس)، به بعد از موسم حج تغییر یافت.

دباره اوصاف درون کعبه و نقش و نقوش آن پیش از فتح مکه و نابودی آنها بدست پیامبر صلی الله علیه و آله مطالب زیادی در کتاب اخبار مکه تالیف ازرقی که از علمای قرن سوم می باشد آمده است که به جهت اختصار مقال از ذکر آن در این مجال پرهیز شد.

۱- همان مدرک

۲- همان مدرک ۴۱۹

۳- علل الشرایع

۴- وسائل، ج ۹ ص ۴۲۱



**حجرالاسود:**

حجرالاسود سنگی است بیضی شکل، برنگ سیاه و تیره مایل به سرخی با نقطه‌های قرمز که قطر آن ۳۰ سانتیمتر و در قابی از نقره، در رکن شرقی کعبه، به ارتفاع یک متر و نیم از سطح مطاف نصب گردیده است. مطابق نوشته ازرقی و نیز قاضی مکه در شفاء الغرام فاصله حجرالاسود تا مقام ابراهیم ۲۹ ذراع و هفت انگشت است.

گویند: جوهره این سنگ چیزی شبیه و نزدیک به یاقوت می‌باشد. این سنگ، در ابتدا بزرگتر و یکپارچه بود ولی در سال‌های اخیر، شکسته و چند قطعه شده است. در سال ۱۲۹۰ هجری قطعات شکسته شده را کنار یکدیگر گذاشته و قسمت بیرونی آنرا با روپوشی از نقره خالص پوشانیده‌اند، و آنرا بشکلصفحه دایره‌ای به اندازه‌ای که بتوان با سر و صورت آنرا لمس کرد و بوسید، ساخته و ار گذاشته‌اند.

در شرافت و فضیلت حجرالاسود در اسلام، جای بحث نیست، سخن در این است که این سنگ در ابتدا چه موقعیت، و چه حالتی داشت؟ آیا از سنگ‌های معمولی است؟ یا آن که بنا به نقل بعضی از روایات از آسمان و یا از بهشت آمده و بدستور وحی در رکن کعبه نصب گردیده است؟ «(۱)»

**تاریخچه حجرالاسود**

حضرت ابراهیم علیه السلام سرگرم ساختن کعبه بود، هنگامی که بموضع حجرالاسود رسید، به زبان سریانی به اسماعیل فرمود: سنگ نیکویی بیاور که در گوشه این دیوار نصب نمایم تا نشانی باشد برای آنان که می‌خواهند این خانه را زیارت نمایند. اسمعیل در جستجو بود که ناگاه از جانب کوه ابوقییس ندایی بگوشش رسید که سنگ دلخواه تو در اینجا است! اسمعیل به شتاب رفت و سنگ نیکویی یافت و آنرا پیش پدر آورد.

بعضی نیز گفته‌اند قبل از اینکه اسمعیل سنگ را بیاورد، جبرئیل سنگی را برای حضرت ابراهیم علیه السلام آورد. چون اسمعیل آمد پرسید، پدرجان، این سنگ را از کجا آورده‌ای؟ ابراهیم علیه السلام فرمود: آن خدایی که هیچگاه مرا فراموش نمی‌کند این سنگ را برایم فرستاد.

چون دیوار بالا آمد دیگر دست ابراهیم علیه السلام نمی‌رسید تا سنگها را کار بگذارد. لذا سنگی زیر پای خود گذاشته و بجای چوب بست از آن استفاده می‌کرد و دیوار را تا آنجا که توانست بالا برد، سپس همین سنگ را برداشته و آنرا در رکن قرار داد. اینک بچند موضوع در رابطه با این سنگ اشاره می‌کنیم:

الف- حجرالاسود را، در روایات و در اصطلاح حج، بمنزله دست راست خدا در زمین خوانده‌اند، که به وسیله او خداوند با بندگان مصافحه می‌کند!

ب- از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمود: حجرالاسود در ابتدا فرشته‌ای بوده، و بعد جوهره‌ای درخشا شد و سپس خدای تعالی آنرا برای آدم علیه السلام فرستاد.

بکیر بن اعین گوید: از امام ششم علیه السلام پرسیدم:

۱- چرا حجرالاسود در رکن فعلی قرار دارد و در دیگر ارکان قرار نگرفته است؟

۲- چرا باید آن را استلام کرد؟

۳- چرا از بهشت بیرونش آورده‌اند؟

۴- چرا او مورد عهد و پیمان قرار گرفت؟ مرا از این شگفتی‌ها آگاه فرما.

امام علیه السلام فرمود: در پرسشهای خود، خوب دقیق شده و نکات مهمی را مد نظر قرار داده‌ای، بدان که حجرالاسود را خدای تعالی فرستاد تا حضرت آدم علیه السلام آنرا در همین رکن قرار دهد، و گواه بر افراد بشر باشد بر اینکه آیا بعهده و پیمانی که با خدای خود بسته‌اند عمل خواهند کرد یا نه؟ علاوه بر این هر زمان حضرت مهدی (عج) ظهور و قیام کند تکیه بر حجرالاسود خواهد داد. آنگاه جبرئیل نازل شده و با آن حضرت بیعت می‌نماید، در این زمان حجرالاسود بر افرادی که بر بیعت خود با آن حضرت وفا نموده‌اند، گواهی خواهی داد، اما استلام حجر، تجدید عهدی است که مردم با خدای خود بسته‌اند، آیا نمی‌بینی، در موقع استلام می‌گویی: «اللَّهُمَّ امانتی ادیتها و میثاقی تعاهدتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَاَفَاءِ»

پروردگارا امانت خود را که عهد و پیمان من بود ادا کردم، و به عهد خود وفا نمودم، و امیدوارم که او در نزد تو گواهی دهد. بخدا سوگند! چنین امانت مهمی را، نمی‌توانند نگهدارند و عمل نمایند مگر شیعیان ما! آنها حجر را می‌شناسند و حجر هم کاملاً آنها را می‌شناسد و اعمال آنها را تصدیق می‌نماید ...

اما علت بیرون آوردن حجرالاسود از بهشت: آیا می‌دانی حجر چیست؟  
گفتم: نه.

فرمود: این فرشته‌ای بود عظیم الشان و مقرب، آنگاه که پروردگار، از گروه فرشتگان عهد و پیمان خواست این اولین فرشته‌ای بود که تعهد انجام فرمان پروردگار را پذیرفت، از این رو خدای تعالی او را بر افراد بشر، امین قرار داد، تا عهدی را که در عالم ارواح (ذر) با خدا بسته‌اند گواه باشد، و او را با آدم علیه السلام در بهشت مصاحب ساخت، تا آن عهد را به او تذکر دهد، یعنی چون آدم ترک اولی نموده از بهشت بیرون آمد، و آن عهد را فراموش کرد، در سرگردانی بود تا زمانی که موفق شد توبه نماید. پس آن فرشته بصورت دُرّه درخشان سفیدی نزد آدم علیه السلام رسید. از او پرسید، مرا می‌شناسی؟ آدم گفت: نه. خود را معرفی کن، آدم اقرار به عهد خود نمود، و با آن انس داشت. و در هر شبانه روزی یکبار تجدید عهد می‌کرد، تا خانه کعبه را ساخت، سپس او را در آن رکن نصب نمود ...

و نیز فرمود که: اول فرشته‌ای بود که به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و وصایت علی علیه السلام و اولادش اعتراف نمود، این فرشته بود، پس خدای بزرگ او را، مورد توجه قرار داد و چنین مقامی را به او ارزانی داشت، او در روز قیامت با زبانی گویا، و چشمی بینا خواهد آمد، و برای هر کس که عهد خود را ایفا نموده است، گواهی خواهد داد.

در روایات اسلامی آمده است که حجرالاسود باید بوسیله مردان پاک و حجج الهی نصب شود. از اینرو اولین بار بوسیله آدم نصب شد، و سپس حضرت ابراهیم علیه السلام و بعدها حجج الهی دیگر آنرا در جایش قرار دادند تا آنکه زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بدست آن حضرت نصب گردید و در زمان حجاج بن یوسف، بدست امام چهارم علیه السلام نصب شده، و در آینده نیز بدست حضرت مهدی (عج) نصب خواهد شد.

مقام ابراهیم

در شمال شرقی خانه کعبه و با فاصله ۲۷ ذراع (حدود ۱۳/۵ متر) ضریح کوچک و طلایی رنگی وجود دارد که در خود سنگی را جای داده است. این همان سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام بهنگام بنای کعبه روی آن می‌ایستاد تا پایه‌های خانه را بالا برد.

مساحت ساختمان بالای مقام قبلا ۶\*۳ متر یعنی ۱۸ متر مربع بوده، ولی داخل مقام ۴۰\*۴۰ سانتیمتر بیشتر نبوده است. قطر پوشش خارجی مقام فعلا ۸۰ و ضخامت آن ۲۰ و ارتفاعش ۱۰۰ سانتیمتر است که بر روی پایه‌ای از مس به ارتفاع ۷۵ سانتیمتر قرار گرفته و وزن آن کلا ۱۷۰۰ کیلوگرم می‌باشد.

در فضیلت مقام همین بس که آنرا از سنگهای بهشتی دانسته‌اند.

ازرقی ضمن نقل بهشتی بودن حجرالاسود و مقام ابراهیم علیه السلام، از مجاهد نقل می‌کند که نباید بدون طهارت بمقام ابراهیم دست کشید زیرا آن نشانه (یا آیتی) از آیات خداوند است و در آن طی نشانه‌های روشنی است. «(۱)» مستجار روبروی درب کعبه، نرسیده به رکن یمانی را مستجار گویند.

در گذشته کعبه دارای دو درب بوده که درب دوم آن روبروی درب فعلی کعبه قرار داشته است. حدود مستجاراز درب بسته شده تا رکن یمانی چهار ذراع است که محل پناه بردن مردم به خانه خدا بوده است و از این جهت آنرا مستجار گویند. دعا کردن در آنجا بسیار تاکید شده بشکلی که برخی از آن تعبیر به مستجاب کرده‌اند. صاحب عقدالثلثین مستجار را بین رکن یمانی و باب بسته شده در پشت کعبه می‌داند.

ملتزم

ابو ولید ازرقی از پدرش با واسطه از ابن عبا نقل می‌کند که ملتزم، محل دعا کردن و محل پناه بردن بخداست، و در فاصله میان حجرالاسود و درب کعبه قرار دارد.

و نیز از ابوالزبیر نقل می‌کند که در کنار ملتزم دعا کرده و مستجاب شده است. ابن عباس می‌گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الملتزم موضع یتجاب فیه الدعاء» ملتزم مکانی است که دعا درون آن مستجاب می‌شود. «(۲)»

ناودان طلا

ناودان کعبه که به آن ناودان طلا و ناودان رحمت نیز می‌گویند، در بالای دیوار شمالی خانه، بر لب بام قرار دارد و آب آن هنگام باران داخل حجراسماعیل

۱- تفسیر ابوالفتوح ج ۳ ص ۳۱۶

۲- اخبار مکه ۲۶۰

می‌ریزد و دعا در زیر آن مستجاب است. در هنگام باران انبوه طواف کنندگان و زائران را می‌بینید که برای استشفاء و تبرک، قصد گرفتن چند قطره‌ای از آب آنرا دارند.

این ناودان نخست از چوب بود، سپس از مس و در سال ۹۵۹ توسط سلیمان قانونی از نقره ساخته شد و در سال ۱۰۲۱ سلطان احمد آنرا با طلا و لاجورد رنگین نمود.

در سال ۱۲۷۳ توسط سلطان عبدالمجید (عثمانی) از طلای خالص ساخته شد که هنوز باقی است. در روایات آمده است که اگر کسی در زیر ناودان طلا بایستد و دعا کند از گناهانش بیرون می‌رود، مانند روزی که از مادر متولد شده است.

#### حجر اسماعیل

حجر بمعنای پناه و دامن است و فضا و محوطه میان دیوار کعبه را که در کنف و پناه کعبه می‌باشد حجر اسماعیل گویند. حجر مدفن حضرت اسماعیل علیه السلام و مادر موحد و با اخلاص و والا مقامش حضرت هاجر و بسیاری از انبیاء علیهم السلام است. «(۱)» در برخی از روایات آمده است که نماز در حجر اسماعیل مثل نماز در داخل کعبه است. حجر اسماعیل طبق نقل ابن عباس و ... بخشی از کعبه بشمار می‌رود.

#### مشخصات حجر اسماعیل

حجر اسماعیل فضایی است بین کعبه و دیواری که به شکل نیم دایره و از سنگ مرمر است، این دیوار یک متر و سی (۱/۳۰) سانتیمتر، ارتفاع دارد، و از یکطرف به زاویه شمالی (رکن عراقی) و از سوی دیگر به زاویه رکن غربی منتهی می‌شود. اینجا، محل زندگی حضرت اسماعیل، و مادرش هاجر و همسر اسماعیل بوده است. روزی که حضرت ابراهیم علیه السلام، هاجر و اسماعیل را به وادی لم یزرع و غیر قابل کشت آورد، آنها خیمه خود را در همین جا، برافراشته و زندگی را شروع کردند، بعدها هم که اسماعیل همسر اختیار نمود، باز در همین جا می‌زیست.

همسر اول به سفارش پدر طلاق داده شد و همسر دوم اسماعیل، در همین جا به بافتن پرده‌ای برای کعبه اقدام کرد، و بعد اینجا مدفن حضرت اسماعیل، و

مادرش هاجر، و دختران اسماعیل، و مدفن پیغمبران زیادی گردید. مساحت این فضا از داخل حجر، تا وسط ضلع میزاب ۸/۳۶ متر و عرض دیوار ۱/۵ متر است، بنابراین از طرف خارج دیوار حجر تا دیوار کعبه ۹/۸۶ متری باشد.

### فضیلت حجر اسماعیل

از امام ششم علیه السلام درباره (حطیم) روایتی نقل شده است که آن حضرت فرمود: بعد از حطیم، برترین نقطه مسجدالحرام برای خواندن نماز و عبادت (جز نماز طواف واجب) حجر اسماعیل می باشد.

ابی بلال می گوید: دیدم امام ششم علیه السلام را که داخل حجر اسماعیل شد و به اندازه دو ذراع از بیت فاصله گرفت و نماز خواند، عرض کردم: چگونه است که شما در اینجا نماز گزاردید در حالیکه من ندیدم کسی از اهل بیت شما را که در اینجا نماز بخواند، آن هم محاذی ناودان و میزاب رحمت؟ فرمود: اینجا محل نماز خواندن شبر و شبیر فرزندان هارون پیغمبر است.

در روایت دیگری آمده که حضرت سجاد علیه السلام شبها در حجر اسماعیل به راز و نیاز مشغول می شد.

طاووس یمانی می گوید: آن حضرت بعد از نماز: پیشانی بر زمین می نهاد و می گفت: «الهی عَبْدُكَ بِفِنَائِكَ، سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ، مَسْكِينُكَ بِفِنَائِكَ، فَقِيرُكَ بِفِنَائِكَ، يَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْكَ» (۱)

### حطیم

به فتح حاء، یعنی شکسته شدن و در هم فشردن.

حطیم طبق روایات بسیاری، یکی از مکانهای مقدس و بافضیلت کعبه است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنجا جایگاهی از جایگاههای بهشت است و بهترین و پاکترین و نزدیکترین مکان بمقام قرب الهی میان رکن و مقام است و به نقلی بین رکن و مقام تا زمزم، ۹۹ پیامبر از جمله نوح و هود و صالح و شعیب دفن شده اند.

در شرافت این محل بحثی نیست، سخن در این است که حطیم کجاست و چرا آنرا حطیم گفته اند؟

در مجمع البحرین آمده است: لفظ حطیم در احادیث، زیاد تکرار شده و طبق روایات: حطیم، بین حجرالاسود و باب کعبه می باشد.

وی می افزاید: از این جهت به آن حطیم گفته شده که مردم برای خواندن دعا و استغاثه، در اینجا ازدحام

نموده و یکدیگر را بشدت درهم می فشارند.

معاویة بن عمار می گوید: از امام ششم علیه السلام از حطیم پرسیدم؟ فرمود: حطیم میان حجرالاسود و باب بیت می باشد. دوباره سوال کردم چرا آن محل را حطیم نامیده اند؟ فرمود: برای اینکه مردم در آنجا یکدیگر را می شکنند و بر یکدیگر فشار می آورند. طبق این نقل «حطیم» حد فاصل درب خانه و حجرالاسود میباشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر ممکن شود که تمامی نمازهای واجب و مستحب خود را نزد حطیم بخوانی، به جا آور، زیرا که آنجا بهترین مکان در روی زمین است و حطیم میان درب خانه و حجرالاسود است و همان جایی است که خدای تعالی توبه آدم را قبول فرمود: و بعد از حطیم از نظر فضیلت، در حجر اسماعیل نماز بگزار، و بعد میان رکن عراقی و درب خانه، که مقام ابراهیم در آنجاست، و بعد از آن، از نظر فضیلت، پشت مقام ابراهیم است، و هر اندازه نزدیک تر به خانه خدا، نماز خوانده شود، بهتر و افضل است، ولی جائز نیست نماز طواف واجب و طواف نساء مگر در پشت مقام ابراهیم» و نیز فرمود: «نماز در مسجدالحرام برابر با صد هزار نماز در غیر آن می باشد»

شاذروان

در قسمت پائین دیوار کعبه سنگ نمای کم عرضی وجود دارد که بدان شاذروان می گویند. و بنقل ازرقی حدود ۲ ذرع است، شماره سنگهایی که بر گرد کعبه به این عنوان کشیده شده ۶۸ سنگ است، که در سه جانب کعبه قرار دارد، قسمتی از دیوار کعبه که داخل حجر قرار دارد بدون شاذروان است. فقهای شیعه، شاذروان را جزء بیت و دیوار کعبه میدانند و حتما باید آنرا داخل در طواف نمود چون این مقدار در هنگام بازسازی قریش از کعبه بیرون مانده بود لذا در واقع دیوار کعبه را کوچکتر کرده اند.

درب کعبه

باب البیت که اندازه آن حدود ۲ متر است، در ضلع شرقی کعبه قرار دارد و هنگام دخول و ورود به کعبه باید بوسیله نردبان فلزی که ۵ پله دارد وارد بیت شد.

این درب با قفل بزرگ نقره‌ای که توسط سلطان سلیمان قانونی در سال ۹۵۹

هجری تقدیم شده بسته می‌شود، و در موارد ویژه، از جمله برای شستشوی خانه بوسیله گلاب در موسم حج باز می‌گردد، این شستشو همه سال ۲ بار، قبل از حج و بعد از حج انجام می‌گیرد.

در سال ۱۳۶۳ هجری بعثت فرسودگی، درب جدیدی ساختند و بجای آن نصب نمودند. این باب در واقع مرکب از دو درب داخلی و خارجی است.

طلای بکار رفته در آن بالغ بر ۲۸۰ کیلوگرم با عیار ۹/۹۹۹٪ می‌باشد و ۱۳/۴۲۰/۰۰۰ ریال سعودی هزینه برداشته است. باب داخلی هم که مستقل و جداست و به آن باب توبه می‌گویند در ظرافت و دقت و طلاکاری و زینت عین باب خارجی است. هم اینک قفل جدیدی برای درب کعبه از طلا ساخته‌اند و بجای قفل قدیمی که بیش از هفتاد سال پیش ساخته شده از آن استفاده می‌کنند. «(۱)» چاه زمزم:

زمزم بر وزن همدم، که به آن چاه اسماعیل هم گفته می‌شود. این چاه در شرق کعبه با فاصله کمی از خانه و مابین حجرالاسود و مقام ابراهیم بفاصله ۱۷ تا ۱۸ متر قرار دارد که عمق آن ۱۴۰ قدم است.

درباره فضیلت آن و ثواب و فایده نوشیدن آب زمزم روایات زیادی آمده است.

نامهای زمزم و علت آن

\* شَبَاعَه یعنی سیر کننده. «(۲)» \* مرویه: یعنی سیراب کننده و رفع کننده تشنگی به نحوی که تشنگی را قطع می‌کند.

\* عافیه: چون موجب عافیت و رفع بلا می‌شود، بهمین جهت به آن عافیه می‌گویند.

\* شافیه: نیز گفته می‌شود، شفا دهنده و در دعای مربوط به آن هم آمده است که: «و شفاء من کل سُقم»

\* نافع، بخاطر منافع متعدد این آب و سیر تاریخی آن.

\* میمونه

۱- مجله وزارت تبلیغات عربستان، ص ۷۶

۲- فی رحاب بیت الحرام، ص ۱۳۵



\* برّه

\* برکه و ... و امثال آن نیز گفته شده است.

چرا زمزم نامیده شد

علل متعددی برای این نام گذاری ذکر کرده‌اند:

\* چون آب فراوان و خوشگوار بوده است، زمزم گفته‌اند، زیرا زمزم در لغت، آب گوارا و شیرین را که اندکی شور طعم باشد گویند.

صاحب مجمع البحرین می گوید:

\* چون فراوان باشد و چون هاجر آنرا «زم» نمود، یعنی جلوی آن را گرفت تا پخش نشود، لذا به آن زمزم گفته‌اند.

\* برای زمزمه جبرئیل و کلام او زمزم گفته‌اند.

نامهای دیگری هم غیر از زمزم دارد مانند: رَكْضَةُ جِبْرَائِيل، سُقْيَا إِسْمَاعِيلِ الْمَصُونَةُ، حَفِيرَةُ عَبْدِ الْمَطْلَبِ، طَعَامُ طَعْمٍ، وَ شَفَاسُ قَوْمٍ. در گذشته فقط زائران از این آب استفاده می کردند و سقایت آن قبل از اسلام، از افتخارات بزرگ مردم مکه بشمار می رفت، و در صدر اسلام سقایت آن بر عهده عباس عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده است. دهانه این چاه در سابق یک متر در یک متر، و عمقش بسیار کم بود و بدون آن که سایبانی بر آن باشد، با ریسمان و دلو از آن استفاده می شد، و در نتیجه کشمکش بر سر آن بسیار بود.

ولی اکنون تغییرات زیادی یافته و با تشکیلات نسبتا وسیع، آب آن به ضمیمه آبهایی که از خارج یا قنات زبیده بوسیله لوله کشی داخل آن می شود پس از تصفیه و خنک شدن، در زیر مطاف و در جاهای دیگر حرم به مردم می رسد.

پیدایش چاه زمزم

زمزم چاه مقدسی است که در چگونگی پیدایش آن چنین آورده‌اند:

چون همسر ابراهیم، ساره به سنی رسید که دیگر امید فرزند آوردن نداشت، حضرت ابراهیم علیه السلام از کنیزش هاجر با تمایل ساره، بچه دار شد و اسمش را اسماعیل گذاشت. ساره با توجه به ایمانش، نسبت به او حسادت کرد و بنقلی به

درخواست او و نیز بدستور وحی، ابراهیم آن زن و فرزندش را از کنعان بهصحرای خشک و سوزان عربستان آورد و در سرزمینی در دامنه کوههای حجاز و مکه، یعنی در مکان کعبه فعلی با اندکی آب و نان اسکان داد، و خود از آنان جدا شد. در هنگام مراجعت از مکه وقتی به کوه گُدا رسید در حالیکه بسیار گرفته و غمگین بود، در مورد ذریه‌اش چنین بدرگاه خدا دعا کرد: «رَبَّنَا اِنِّیْ اَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِیْ بُوَادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لَیْقِیْمُوا الصَّلٰوٰةَ ...» (۱) «هاجر نیز به امر وارده الهی تسلیم شد و فرزندش را تنگ در آغوش گرفت و آذوقه مختصری که همراه داشت مصرف کرد تا توشه‌اش به پایان رسید و گرسنه و تشنه ماند و شیر در پستانش بخشکید، بادهای سام (مرگ) و ریگ‌های سوزان آن بیابا نیز دل مادر و کودک را ملتهب ساخت و طفل شیرخوار، از شدت گرسنگی و تشنگی بی تاب شد و بخود می‌پیچید و پای خود را بزمین می‌سایید.

هاجر کوشش بسیار کرد تا راه نجاتی یابد و ناچار طفل را رها کرد و خود در جستجوی آب بر فراز کوهصفا رفت و به اطراف نظر می‌کرد لیکن از آب خبری نبود و نالان و گریان باز می‌گشت و چون طرف کوه مروه آبی بنظر رسید بیالای آن کوه شتافت، در آنجا نیز آبی نیافت، بلکه سراب بود. از آنجا به کوهصفا می‌نگریست بخاطر آنکه آبی نظرش را جلب کرد، مجدداً به کوهصفا برگشت، باز هم سرابی بیش نبود.

می‌گویند هفت بار راه میان کوهصفا و مروه را پیمود (که امروزه حاجیان همان سنت را تعقیب می‌کنند) و مأیوسانه نزد طفلصغیرش بازگشت و برخلاف انتظار مشاهده کرد که به لطف پروردگار چشمه آبی در زیر پای اسماعیل روان است، هاجر کنارش را با کلوخ و سنگ بست تا آب پخش نشود.

برخی زمزم را به همین معنا گرفته‌اند.

آب زمزم اکنون بهترین آب مکه می‌باشد که بسیارصاف و دارای املاح معدنی و طعم آن کمی شور و گرم است و خوردن آن بسیار مفید است.

از روایات تاریخی چنین برمی‌آید که:

حضرت جبرئیل، زمزم را برای استفاده حضرت اسماعیل و سیراب کردن او و مادرش هاجر به اعجاز و به امر خدا پدید آورد، ولی زمزم چشمه کوچکی بود که بعدها حضرت ابراهیم علیه السلام آنرا مرتب ساخت.

یکبار این چاه بوسیله عمرو بن

الحارث جُرهمی پر شد زیرا نفایس و اشیاء ارزنده‌ای که نزد او بود از جمله هفت شمشیر طلا، اهدایی امپراتور ایران به آنجا و نیز دو مجسمه آهو از طلا- و ... را در آن افکند تا محفوظ بماند و خود به یمن فرار کرد. می‌گویند: پانصد سال چنین بود و مردم جای زمزم را نمی‌دانستند ...

حضرت عبدالمطلب علیه السلام سه بار در خواب پشت سر هم با علامت‌های ویژه‌ای از مکانش آگاهی یافت و آنرا حفر کرد و از آن تاریخ تاکنون همواره مورد استفاده مردم و زائران خانه خدا قرار دارد.

«ابن عباس» آنرا نوشیدنی ابرار و نیکان خوانده است که فرمود: «صلو اصلاة

الابرار و اشربوا من شراب الابرار (ماء زمزم ...)». «(۱)» امام هشتم علیه السلام فرمود: هر کس از آب زمزم سیراب گردد خداوند شفایی برایش قرار دهد و دردی از او دور می‌سازد و در امان از هر ترس و اندوهی خواهد بود. «(۲)» در مصباح الحرمین آمده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود برای ما از آب زمزم هدیه بیاورید. در کافی نقل شده است که حضرت به بیماری سینه درد مبتلا شد از آب زمزم آشامید و بهبودی یافت و فرمود: «ماء زمزم سید الماء و اشرفها و اجلها و ...». «(۳)» میزان مصرف آب زمزم حدّ متوسط مصرف روزانه آب زمزم توسط زائران خانه خدا ده هزار متر مکعب است. این چاه هنگام هجرت حضرت ابراهیم علیه السلام و هاجر و اسماعیل همواره و بدون انقطاع آب داشته، جز در موارد قلیلی که آب آن کم شد. و این خود بسیار عجیب است که یک چاه در طول ۴۰ قرن این چنین آب بدهد.

اقدامات انجام شده در سال ۱۳۷۷ هجری، تغییرات هندسی در چاه داده و آنرا از کنار بیت به زیر زمین مطاف، منتقل ساخت. دو مدخل جداگانه مردانه و زنانه با شیرهای آب سردکن ساخته شد که در قسمت مردانه آن ۳۴۰ شیر و قسمت زنانه ۱۱۰ شیر آب سرد وجود دارد. بعلاوه با لوله کشی این آب در داخل مسجدالحرام و اطراف مسعی و نیز بیرون مسجد برای بردن زائران بعنوان تبرک و هدیه، تسهیلاتی فراهم شده است. در داخل مسجدصدها کلمن بزرگ آب خنک و تعدادی مخزن فلزی آب سرد از زمزم وجود دارد و حتی از این آب علاوه بر

۱- فی رحاب بیت الحرام، ص ۱۳۸-۱۳۹

۲- فقه الرضا علیه السلام ص ۷۵

۳- همان مدرک

مکه روزانه چهل تُن به مسجد النبی در مدینه (در ایام حج) حمل می‌شود.

قنات زبیده یا قنات حُنین

این قنات یا چشمه زبیده که منسوب به همسر هارون است از کوهی بنام «طاد» سرچشمه می‌گیرد و به نخلستانها و مزارع حنین می‌رسد.

این قنات در ۳۵ کیلومتری شمال شرقی عرفه حفر شده و برای تامین آب حجاج در مراسم حج و در کنار آب زمزم در مجاری مخصوصی گاهی در زیر زمین و گاهی بصورت آب نما به مکه (و منا و عرفات و مشعر) می‌رسد.

قنات دیگری هم هست که از وادی نعمان (منطقه‌ای آنسوی عرفات) جاری است این قنات از کوه (کِرا) بیرون می‌آید و در انتهای وادی نعمان به قنات دیگری در منطقه «اوحِر» با قنات‌های دیگر ضمیمه شده و در گذشته بوسیله مجاری گود و سنگ چین در وادی عرفه جریان می‌یافت و مورد استفاده زائران قرار می‌گرفت.

آورده‌اند که برای تاسیس این قنات و ... یک میلیون و هفتصد دینار طلا (معادل یک میلیون و هفتصد مثقال طلا) خرج کرده‌اند. این قنات در گذشته چندین بار تخریب و بوسیله سیل از بین رفت ولی دوباره ترمیم شده است.

صفا

نام کوهی است در کنار مسجدالحرام که در دامنه کوه ابوقبیس واقع گردیده است. صفا همان نقطه آغاز سعی است. گویند نامگذاری آن، به این اسم با توجه به ریشه لغوی کلمه صفا (که بمعنی سنگصاف و محکم و شفاف آمده) بدانجهت است که سنگهایش خالص بوده و چیزی از خاک با آن مخلوط نیست، لکن در روایات مطلب دیگری آمده است.

در بیانی از امامصادق علیه السلام چنین منقول است که فرمود: آدم ابوالبشر که او را «صفی الله» نامند هنگام هبوط بسوی زمین نخست به این کوه فرود آمد، بدینجهت آن را به اعتبار لغت حضرت آدم علیه السلام صفا نامیدند.

صفا علاوه بر آنچه گذشت نقطه آغاز دعوت علنی پیامبرصلی الله علیه و آله بوده است، چه آنکه در پی نزول آیه:

«فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَاَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» حضرتش بر

بالایصفا قرار گرفت و ضمن سخنانی مردم را به توحید، نبوت و معاد رهنمون گردید و انسان را رسماً از پرستش بت و گرایش به شرک، فساد و انحراف بر حذر داشت.

مروه

نام کوه معروفی است در کنار مسجدالحرام، که در شمال خانه خدا در دامنه کوه قعیقان قرار دارد.

مروه در لغت بمعنای سنگ سخت و سفید و براقی است که با آن آتش می‌افروزند. این کوه کوچک ۸ متر ارتفاع دارد که با شیب خاصی برای سعی

کنندگان بازسازی شده است. مروه همچونصفا از مشاعر حج است که سعی میانصفا و مروه هفت بار با ابتدا ازصفا و ختم به مروه، انجام می‌گیرد. قرآن کریم به این دو مقام با فضیلت اشاره نموده و می‌فرماید: «ان الصفا و المروه من شعائرالله فمن حج اواعتمر فلا جناح ان يطوف بهما». (۱) با پایان مرتبه هفتم سعی، در مروده تقصیر انجام می‌گیرد. یعنی زن و مرد با گرفتن کمی از ناخن، یا کوتاه کردن کمی موی سر و یا صورت از احرام خارج می‌شوند.

فاصلهصفا تا مروه (مسعی) ۴۲۰ متر (۷۶۶/۵ ذراع) است که بصورت یک سالن دو طبقه بشکل اتوبانی در طبقه اول با عرض ۲۰ متر و ارتفاع تقریبی ۲۱ متر ساخته شده است. در وسط محدوده‌ای است که اشخاص پیر و معلول با چرخ روان، از آن بدون مزاحمت پیاده‌ها، سعی می‌کنند.

در میانصفا و مروه در دو سوی مسعی ۴ عدد ستون سبز رنگ قرار دارد که با مهتابی‌های سبز مشخص است. این محدود محاذی کعبه قرار دارد و محل هروله است که مستحب است مردان در حال سعی در دو طرف (ازصفا به مروه و از مروه بهصفا) در آن محدوده کمی تندتر به حالت نسبتاً دویدن بسان حرکت اسب حرکت کنند. در فلسفه هروله میان مسعی، مختلف گفته‌اند. برخی به حرکت هاجر اشاره کرده‌اند که چون به این نقطه می‌رسید بر سرعت خود می‌افزود و گروهی به حرکت پیامبرصلی الله علیه و آله و یاران او اشاره می‌کنند که پس از صلح حدیبیه و در جریان عمره القضاء جهت مانور قدرت در برابر کفار به یاران خویش که بسیاری از آنان پیرمردان لاغر اندام بودند دستور داد تا دوان دوان حرکت کنند.

صفا و مروه دارای ۸ درب ورودی است ...

مراسم سعی، یادآور خاطره رفت و برگشت مادر با ایمان و با اخلاص و صبوری بنام هاجر است که صرفاً برای اطاعت خدا و پیامبرش حضرت ابراهیم، فرزندش را در بیابانی کنار خانه قدیمی خدا بیت الله الحرام نهاد و برای نجات از تشنگی بدنبال آب روانه شد و گاهی بالاصفا و گاهی بالای مروه می آمد تا کسی را ببیند یا کسیصدایش را بشنود یا بر کودکش نظاره کند. تا اینکه خداوند چاه زمزم را بقدرت خویش به او ارزانی داشت و این عمل را سنت گردانید. ولی بتدریج این سنتصحیح ابراهیمی در عصر جاهلیت به غلط و انحراف گرائید و بت پرستان، بتی سنگی بشکل مرد برصفا و بتی سنگی به شکل زن در مروه نهادند و بنامهای اساف و نائله بر آن بعنوان تبرک و تیمن دست می زدند. لیکن پس از اسلام بهمان شکل و همان سنت اصیل ابراهیمی بوسیله سلاله ابراهیم پیامبر اسلامصلی الله علیه و آله احیا گردید و با شکستن بتها، سعی بینصفا و مروه از شعائر الهی محسوب و معمول گردید.

سیری در شهر مکه

پس از شناختی هر چند مختصر با مسجدالحرام، اکنون بجاست با دیگر اماکن تاریخی شهر مکه آشنا گردیم. شایان یادآوری است که برخی از آن نقاط تاریخی دستخوش خرابی شده و هم اکنون اثری از آنها نیست که برای نمونه می توان به خانه خدیجه کبری در انتهای بازار بزرگ ابوسفیان، یا مولد پیامبرصلی الله علیه و آله در ابتدای شارع سوق اللیل اشاره نمود که تا همین سالهای اخیر آثارش بر جای مانده بود. لکن امروزه از این دو بنای تاریخی و اثر اسلامی جلوه ای پیدا نیست. مکانهای باستانی و با فضیلت دیگری وجود دارد که هر یک چون برگی از اوراق زرین و آموزنده تاریخ اسلام جلوه گر بوده و برای رهگذران دارای بینش، پیام داشته و ارائه روش می کنند. اینک بر این اماکن گذری خواهیم داشت:

شعب ابی طالب

رسول خداصلی الله علیه و آله و یارانش در سالهای نخستین رسالت تحت فشار مشرکان بوده و هر روز با حربه ای از سوی آنان روبرو بودند، هر چند هیچکدام موثر واقع نشد. یکی از حربه ها به سال ششم بعثت مربوط می شود که مشرکان با تصویب

قطعنامه‌ای در دارالندوه بر آن شدند که از هر گونه معامله، معاشرت، ازدواج و حمایت، نسبت به مسلمین اجتناب ورزند. در نتیجه زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران او در شعب و دره‌ای در خارج مکه آنروز، بمدت سه سال بر آنان تحمیل شد که این دره بعدها به شعب ابوطالب مشهور شد. گویند این شعب همان مکان معروف به قبرستان ابوطالب است، که قبر ابوطالب علیه السلام و حضرت خدیجه و ...

در آنجا قرار دارد، ولی در کنار کعبه شعبی است که گاهی از آن به شعب ابوطالب و بنی هاشم و هم به شعب علی علیه السلام تعبیر می‌شود.

برخی از مورخان و جغرافی دانان، در کتابهایشان با اعتراف به اینکه در مکه شعب زیاد است، از شعب ابی طالب به شعب ابو یوسف تعبیر می‌کنند و می‌گویند همانجاست که بنی هاشم در آن محاصره شدند و بعدها به شعب ایطالب یا شعب بنی هاشم و سپس به شعب علی علیه السلام معروف شده است.

قبرستان ابوطالب\* حجون، المعلاة

مشهور آن است که شعب ابوطالب و قبرستان ابوطالب که بنامهای: مقابر حجون، مقبره بنی هاشم و مقبره المعلاة نیز خوانده می‌شود در یکجا واقعند.

این مقابر در شمال شرقی مسجدالحرام، کنار شارع غزه بالاتر از مسجد جن و در تقاطع شارع الحجون، قرار گرفته و شخصیتهای بسیاری از مومنان، صلحا، شهدا و علما را در خود جای داده است.

نویسنده کتاب فی رحاب بیت الحرام می‌گوید: تنها ۳۹ تن از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله در این قبرستان مدفونند. ما بر حسب اهمیت، مشاهیر ب خاک خفتگان در این دیار را نام می‌بریم که عبارتند از:

ابوطالب

این بزرگوار (کنیه اش، ابوطالب) و (نامش عبدمناف)، فرزند عبدالمطلب و سید بطحا و شیخ قریش بوده است.

امامیه بر ایمان و توحید او اتفاق نظر دارند و اصولاً اجداد و امهات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیه السلام را موحد می‌دانند. ابوطالب درباره ایمان خویش اشعار نغز و شیرینی سروده و از آن جمله گفته است:

\* ولقد علمت بان دین محمد صلی الله علیه و آله من خیر ادیان البریه دیناً\* (۱) یعنی محققاً دانستم که دین محمد صلی الله علیه و

آله از همه ادیان جهان بهتر است. و این شعر نیز منسوب به آن حضرت می‌باشد:

\* یا شاهد اعلی فاشهد انی علی دین النبی احمد صلی الله علیه و آله\*

\* من ضل فی الدین، فانی مهتد\* (۲)

۱- راهنمای حرمین شریفین ص ۲۵۰.

۲- همان مدرک

یعنی ای گمراهان شاهد باشید که من بر دین پیغمبر خدا، احمدصلی الله علیه و آله استوارم، هر کس از دین خارج است باشد، ولی من به او هدایت شده‌ام. هم چنین هنگام مهاجرت جعفر و همراهانش به حبشه، ابوطالب اشعار جالبی را طی نامه‌ای به نجاشی می‌نویسد که دالّ بر ایمان اوست:

\* تعلم ملیک الحبش ان محمداً صلی الله علیه و آله نبی کموسی والمسیح بن مریم\*

امیرالمومنین علیه السلام دوست داشت که اشعار پدرش روایت شود و تدوین گردد. او می‌فرمود: آنها را بیاموزید و به اولاد خود نیز یاد دهید که آن جناب بر دین خدا بوده و اشعارش سراسر علم است.

محدث قمی (ره) می‌نویسد: در روایات است که: مثل ابوطالب، مثل اصحاب کهف است ایمان خود را پنهان داشت تا بتواند پیغمبرصلی الله علیه و آله را یاری کند و شر کفار قریش را از آنحضرت بگرداند، ابوطالب نگهدارنده وصایا، و آثار انبیابود که آنها را به پیغمبرصلی الله علیه و آله سپرد. فداکاری جناب ابوطالب، نسبت به وجود مقدس پیغمبرصلی الله علیه و آله و داستان سه سال حراست، از آن حضرت در شعب ابی طالب و کوشش‌های طاقت فرسای او، در اسلام بر کسی پوشیده نیست.

پیغمبرصلی الله علیه و آله فرمود: قریش جرات بر اذیت من نداشت، تا اینکه ابوطالب درگذشت، سپس شروع به اذیت من نمودند. ابن ابی الحدید، می‌گوید:

\* و لولا ابوطالب و ابنه لما مثل الدین شخص فقاما\*

\* فذاک بمکة آوی و حاما و ذاک به یثرب جسّ الحماما\*

یعنی اگر ابوطالب و پسرش علی علیه السلام نبودند، کسی در خدمت اسلام نمی‌ایستاد، پس ابوطالب در مکه از پیغمبرصلی الله علیه و آله حمایت کرد، و علی در مدینه، پیغمبر اسلام را با شمشیر خویش حمایت و یاری نمود.

پیغمبرصلی الله علیه و آله در مرگ عم بزرگش، زیاد گریه نمود، جنازه‌اش را که بطرف این قبرستان حرکت دادند پیشاپیش جنازه می‌رفت و می‌فرمود: ای عم! صله رحم کردی، و در کار من هیچ کوتاهی نکردی خدا ترا جزای خیر دهد.



امیرالمومنین علیه السلام در مرثیه پدرش چنین گفت:

\* لقد هد فقدك اهل الحفاظ فصلی عليك ولي النعم\*

\* ولقاك ربك رضوانه فقد كنت للطهر من خير عم\*

\* اباطالب عصمه المستجير وغيث المحول و نور الظلم\*

و بالاخره آن سالی که ابوطالب و خدیجه در آن درگذشتند، «عام الحزن» لقب یافت و این خود نشان دیگری از جایگاه معنوی ابوطالب است.

عبدالمطلب علیه السلام

آرامگاه جناب عبدالمطلب، نزدیک به مرقد فرزندش ابوطالب می‌باشد، عبدالمطلب نامش (عامر) فرزند هاشم، ملقب به شبیه الحمد بوده است.

وی پناهگاه عرب، رئیس مکه، و بزرگ قبیله قریش بود. او از ایمانی قوی برخوردار بود، رفادت و سقاییت حاج، بر عهده او بود، هنگامی که چاه زمزم را مجدداً حفر کرد و آب زمزم جاری ساخت لقب سید البطحا و ساقی الحجج و حافر الزمزم بر القاب او افزوده شد.

امام ششم علیه السلام فرمود: عبدالمطلب در روز رستاخیز، با سیمای پیامبران وارد محشر می‌شود. «(۱)» و نیز فرمود: او در روز رستاخیز تنها محشور خواهد شد، زیرا در ایمان و ستایش خدا در میان قوم خود تنها بوده است. داستان او با ابرهه (که فرمود من صاحب شترانم و برای آن خانه‌صاحبی است که از آن حمایت خواهد کرد) حکایت از ایمان محکم او می‌نماید. «(۲)» قریش او را ابراهیم دوم می‌خواندند.

یکی از امتیازات عبدالمطلب این بود که در کنار کعبه برایش فرش پهن می‌کردند و فرزندانش در کنار او می‌ایستادند و او به مشکلات مردم، رسیدگی می‌کرد. یکی از روزها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که هنوز طفل بود آمد، عبدالمطلب فرمود: بگذار بیاید، چه خداوند به او مقامی ارجمند عطا فرموده است. عبدالمطلب تا آخر عمر، از نوه برومند خود پیغمبر صلی الله علیه و آله نگهداری فرمود و هنگامی که درگذشت آن حضرت ۸ سال داشت که او را به ابوطالب سپرد. عبدالمطلب دارای ده پسر و شش دختر بوده است، گویند وی هنگام مرگ ۱۲۰ سال داشت، به دخترانش امر نمود تا برای او مرثیه بخوانند تا خود بشنود.

۱- اصول کافی به نقل از راهنمای حرمین ص ۲۵۲

۲- همان مدرک

خدیجه علیه السلام

از جمله کسانی که در قبرستان ابوطالب مدفونند جناب خدیجه است او که از زنان نمونه تاریخ است در شرایطی همسر رسولصلی الله علیه و آله گردید که مورد توبیخ سران مشرکین قرار داشت. وی علیرغم همه آنچه مکیان درباره اش می گفتند به همسری پیامبرصلی الله علیه و آله افتخار ورزیده و تمام ثروت خویش را وقف آرمانهای اسلام ناب محمدیصلی الله علیه و آله نمود. در کنار کعبه همراه رسول خداصلی الله علیه و آله به نماز می ایستاد و تا واپسین لحظات عمرش همواره پشتوانه ای قوی برای پیامبرصلی الله علیه و آله بشمار می رفت. از اینرو بود که پیامبر پس از فوت وی مکرر او را یاد کرده و در فقدان او می گریست. «(۱)» عبد مناف قبر عبد مناف، نزدیک مرقد جناب عبدالمطلب قرار دارد.

عبد مناف که نامش (مغیره) است، فرزند قُصَیِّ و پدر هاشم، جد اعلی پیغمبرصلی الله علیه و آله می باشد و بخاطر جمال زیبایش به او قمر البطحا می گفته اند.

دیگرانی که:

علامه بر شخصیت هایی که نام آنها ذکر شد دیگرانی نیز در قبرستان ابوطالب بخاک خفته اند که ذیلا به ذکر اسامی آنها بسنده می کنیم:

\* قصی بن کلاب از اجداد رسول اللّٰهصلی الله علیه و آله

\* میمونه دختر امام هفتم علیه السلام

\* محمد بن جعفر، نوه امام سجاد علیه السلام

\* قاسم فرزند رسول اللّٰهصلی الله علیه و آله

\* سمیه (مادر عمار یاسر) اولین زن شهید در راه اسلام

\* یاسر (پدر عمار)

\* دانشمندان مدفون در حجون\*

در این آرامگاه نزدیک قبر خدیجه کبری، عده بسیاری از علمای امامیه و بزرگانی از اهل ایمان مدفونند، که بنام تعدادی از آنها اشاره می شود:

۱- الشیخ الجلیل: «محمد بن حسن بن الشهید الثانی» مصنف شرح

استبصار، قبر ایشان نزدیک به قبر خدیجه (رض) می‌باشد، وفاتش در سال ۱۰۳۰ هجری بوده است.

صاحب مستدرک از همسر آن عالم بزرگ نقل کرده: در آن شبی که وی درگذشت و جنازه‌اش در منزل بود تاصبحگاهان از آن تلاوت قرآن شنیده می‌شد. حاکم عراق مکرر به این بزرگوار نامه می‌نوشت و پیشنهاد می‌کرد که او را با تجلیل فراوان به عراق آورد و مقیم آنجا گرداند، ولی او نمی‌پذیرفت چون می‌خواست در حرم خدای تعالی دفن گردد.

۲- شیخ زین الدین، فرزند محمد بن حسن. وفات او در سال ۱۰۷۳ بود و نزدیک قبر پدرش دفن گردید، او دارای جلالت قدر، و زهد و ورع بسیار بوده است.

۳- میرزا محمد استرآبادی، که وفاتش در سال ۱۰۲۸ بوده است. این بزرگوار کتب بسیاری نوشته است که از جمله، رجال کبیر، مسمی به (منهج المقال) و شرح آیات الاحکام می‌باشد. در مستدرک نقل شده، که حجرالاسود، یک مرتبه بخاطر تقوا و جلالتش به دست این سید جلیل نصب شده است.

۴- محمد امین محمد شریف استرآبادی شاگرد میرزا محمد استرآبادی، صاحب مدارک و معالم، وفات او، در سال ۱۰۳۶ بوده است.

۵- سید جلیل، زاهد و عابد، امیر محمد مومن استرآبادی صاحب کتاب الرجعة. وی از سادات عقیلیه و استاد علامه مجلسی (ره)، و داماد محمد امین استرآبادی و از مجاورین مکه مکرمه بوده است. او در سال ۱۰۸۸ توسط معاندین بشهادت رسید.

مساجد تاریخی مکه

مساجد تاریخی مکه زیاد است، تعدادی از آنها دارای بنای قدیمی بوده و برخی نیز جدیداً تجدید بنا شده است.

مسجد ابراهیم خلیل

طبق نقل تاریخ مکه اولین کسی که نماز ظهر و عصر را در عرفه جمع کرد، ابراهیم خلیل بود، اولین مسجد نیز همان است که به آن مسجد نمره می‌گویند. نمره کوهی است در غرب مسجد و آنرا مسجد عرفه نیز می‌گویند. طبق نوشته اخبار

مکه، آن مسجد ابراهیم خلیل الرحمن است. «(۱)» پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام کوچ به عرفات نخست در این مکان، یعنی نمره، پیاده می شد و تا ظهر آنجا می ماند، آنگاه وارد عرفات می گردید.

#### مسجد جن

در مکه نزدیک قبرستان المعلاة مسجدی وجود دارد که بدان مسجد جن گویند. اهل مکه آنرا مسجد الحرس هم گفته اند. چون طبق نوشته ازرقیصاحب حرس، مکه را دور می زده و سپس در آنجا توقف می کند. این مسجدی در محلی است که رسول خدا در آنجا برای ابن مسعود خط و نشان و علامت کشید و گروهی از جنیان در آن مکان قرآن را شنیدند و به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آوردند. آنرا مسجد بیعت هم می گویند چون جنیان در آنجا با رسول خدا بیعت کردند و ایمان آوردند. صاحب معجم معالم مکه ... آنرا، همان مسجد جن می داند.

#### مسجد شق القمر

در سال نهم بعثت بسیاری از مشرکان مکه از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای معجزه ای کردند که با اشاره حضرت، ماه دو نیم شد و دیگر بار بصورت اول درآمد که قرآن نیز گویای این حقیقت در اولین آیه سوره انشقاق است. این قضیه در شب چهاردهم ماه و در نقطه ای که بر فراز کوه ابوقییس نمایان بود انجام گرفت.

از اینرو آنجا را محل شق القمر دانسته و مسجدی که بعدها ساخته شد بنام شق القمر معروف گردید.

شایان ذکر است که در پی توسعه اطراف مسجدالحرام اثری از این مسجد نیست. آنچه نیز بنام مسجد بلال در کوه ابوقییس مشهور بود همین مسجد بود که بسیاری آنرا منسوب به بلال، مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله می دانستند در حالیکه منسوب به ابراهیم قیسی بوده است.

#### مسجد بیعت

مسجدی است که در گردنه منا است و انصار و اهل مدینه در سال ۱۲ و ۱۳ در موسم حج و ایام تشریق در آنجا با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کردند. بیعت اول را که سال ۱۲ بعثت انجام شد، بیعت النساء می نامند و بیعت دوم را در سال ۱۳، بیعت الحرب می خوانند. فاصله اش را تا عقبه کبری، به اندازه مساحت پرتاب یک سنگ دانسته اند، این مسجد را نیز مسجد عقبه نیز گفته اند.

## مسجد خدیجه علیه السلام

ازرقی آنرا در همان منزل خدیجه علیه السلام می‌داند که مکان آن قبل از هجرت پیامبر در زقاق عطارین یعنی کوچه عطر فروشان بوده است. قبلاً از مسعی پنج پله می‌خورد تا بدانجا می‌رسید ولی اکنون در توسعه حرم از بین رفته است. ازرقی تصحیح می‌کند که همانجا اکنون معروف به بیت فاطمه علیه السلام در زقاق قشاشیه است. لکنصاحب معالم مکه التاریخیه والاثریه می‌گوید: بیت فاطمه علیه السلام و مولد فاطم علیها سلام اکنون بنام مدرسه دخترانه در حی قشاشیه است که سید عباس قطان در سال ۱۳۶۹ هجری آنرا از مال شخصی خود ساخته و وقف کرده است.

## مسجدالرایه

این مسجد نزدیک حرم و پائین تر از مسجد جن است و محل نصب پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه بوده است.

## مسجد متکاء

این مسجد در اجیادصغیر در مکان معروفی نزدیک باب العمرة قرار دارد. «(۱)» می‌گویند هنگامیکه بچه‌ها به تحریک مشرکین و ابوجهل، پیامبر صلی الله علیه و آله را سنگباران کردند و سر مبارکش را شکستند آنحضرت در حال بیهوشی به سنگی در این مکان نزدیک کعبه است تکیه داد و بهمین جهت آن را متکاء رسول الله نامیدند و بعداً در آنجا مسجدی به همین نام ساخته شده است. ازرقی در اخبار مکه بعد از آنکه تایید می‌کند که مسجدی در اجیاد بوده و به آن متکاء می‌گفتند از قول جدش در وجود آن تردید نموده لیکن خواندن نماز توسط پیامبر صلی الله علیه و آله در آن مکان (اجیادصغیر) را تایید می‌کند. این مکان و این مسجد اخیراً خراب شده و ایستگاه اتوبوسها در اسفل اجیاد است.

## مسجد کبش

این مسجد در منی و بین جمره اولی و جمره وسطی و نزدیک به مسجد بیعت، می‌باشد. کبش یعنی قوچ و این نام را بدانجهت بر مسجد نهاده‌اند که کبش و قوچی که از غیب بوسیله جبرئیل برای فدای اسماعیل آورده شد و بجای او ذبح

گردید، در این مکان به حضرت ابراهیم علیه السلام داده شد. آنرا مسجد النحر نیز گفته‌اند، در روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در این مسجد نماز گزارده و قربانی خویش را در این مکان انجام داده‌اند.

#### مسجد کوثر

این مسجد در وسط منی در طرف راست انسان هنگام رفتن از منا به عرفات، قرار داشته است. علت نامگذاری این مسجد به کوثر را نزول کوثر بر پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان دانسته‌اند. هم اینک این مسجد در مسیر پلهای هوایی خراب شده است.

#### مسجد صفائح

این مسجد در جنوب مسجد خیف در دامنه کوه صفائح قرار دارد. اینجا را غار مرسلات نیز گفته‌اند، این غار بشکل دایره است. گفته‌اند پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا استراحت می‌کرد و آن محل نیز جای سر پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام استراحت بوده است. می‌گویند: سوره مرسلات نیز در اینجا نازل شده است و بهمان جهت آنرا غار مرسلات نیز می‌نامند.

#### مسجد رضوان

این مسجد در سرزمین حدیبیه است که تا مکه بیست کیلومتر فاصله دارد.

حدیبیه سرزمین خاطره هاست. پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا در سال ششم هجرت با قریش پیمان‌صلح بستصلحی که خیر و برکت فراوانی داشت و در سایه آن پیامبر صلی الله علیه و آله دشمن دیرینه خود یهود خیبر را شکست داد و نامه به سران کشورها و شاهان و امپراتوران نوشت و با برخی از قبایل پیمان‌صلح منعقد کرد. بهمین جهت در قرآن از این‌صلح به فتح قریب تعبیر شده است.

لذا قبل از صلح با یاران خود بیعت عدم فرار منعقد کرد این پیمان در زیر درختی بنام شجره السمره بود که با نزول آیه شریفه «لقد رضی الله عن المومنین اذ یأیة یعونک تحت الشجره» به بیعت رضوان مشهور گشت بعدها در آن مکان مسجدی ساخته شد که بنام مسجد رضوان معروف گردید.

#### مسجد خیف

خیف به زمینی گفته می‌شود که اطرافش مسیل و بلندتر از وادی باشد و در عین حال

میان دو کوه قرار گیرد. مسجد خیف، مهمترین مسجد در منطقه مشاعر مقدسه است که در سرزمین منا واقع گردیده و مساحت آن حدود ۴۵۰۰۰ متر مربع و گنجایش تعداد زیادی نماز گزار را دارد.

نوسازی این مسجد با تشکیلات همراه آن از وضوخانه و ...، (۹۰ / ۱۰۰۰ / ۱۰۰۰) ریال سعودی هزینه برداشته است. طبق نقل ازرقی طول این مسجد در گذشته، ۲۹۳ ذراع و ۱۲ انگشت و عرض آن، ۲۰۴ ذراع و ۱۲ انگشت بوده است، وی در اوصاف مسجد و درب‌ها و خصوصیات داخلی و پلکان مطالبی دارد که با تغییرات جدید تطبیق نمی‌کند و مربوط به گذشته‌های دور است. می‌گویند که در گذشته این مسجد حتی از مسجدالحرام نیز با وسعت‌تر بود. مسجد خیف در قرن سوم سال ۲۵۶ هجری و در عصر معتمد عباسی بنا شد و سپس در سال ۵۵۹ هجری توسط یکی از وزرا که بنام جواد اصفهانی معروف است تجدید بنا شد. آنگاه در سال ۸۹۴ هجری به بعد بوسیله قایتبای، یکی از سلاطین چروکسی (چراکس) نوسازی و گسترش یافت و در عصر سلاطین عثمانی در قرن نهم تعمیر و در سال ۱۰۲۵ هجری توسط سلطان احمد بن سلطان محمد ثالث، نوسازی شد. مساحت مسجد خیف در زمان قایتبای ده هزار متر مربع بود.

#### مسجد مزدلفه

مسجدی است بزرگ و تاریخی، بمساحت ۶۰۰۰ متر مربع که تعداد کثیری نماز گزار را در خود جای می‌دهد. «(۱)» این مسجد در سرزمین مشعرالحرام (مزدلفه) ساخته شده است. پیامبرصلی الله علیه و آله هنگام کوچ کردن از عرفات به سوی مشعر و منا در این مکان نماز مغرب و عشاء گزاردند، و آنجا بود که جبرئیل نازل و آیاتی درباره مشعر به پیامبرصلی الله علیه و آله وحی نمود.

#### سرزمین منی

از جمله اماکن تاریخی و مشاعر حج ابراهیمی، منی است که در فاصله ۱۰ کیلومتری مسجدالحرام قرار دارد. در علت نامگذاری این سرزمین بدین نام مختلف گفته‌اند.

برخی گفته‌اند: جبرئیل در این سرزمین به ابراهیم گفت: آرزوی خود را باز گوی، و او خواهان بدلی از ذبح فرزندش گردید که مورد اجابت خدا واقع و کبشی برای و آماده گردید.

بعضی برآند که این خطاب به جبرئیل به آدم علیه السلام بود و او خواهان بازگشت به بهشت گردیده است. بهر صورت سرزمینی است مقدس که مسجد خیف و جمرات و قربانگاه را در خود جای داده است.

#### سرزمین عرفات

صحرای وسیع عرفات در غرب منی و در ۲۱ کیلومتری مسجدالحرام قرار دارد. این سرزمین محل عبادت ابراهیم خلیل و دیگر انبیا بوده است. عرفات مسجد نمره و نیز جبل الرحمه را در آغوش خود دارد.

در وجه تسمیه آن مختلف گفته‌اند:

\* حضرت آدم علیه السلام و حوا علیه السلام پس از دوره طولانی فراق یکدیگر را در این وادی یافتند و شناختند.

\* ابراهیم علیه السلام با دیدن خواب ذبح فرزند، در این سرزمین، به وظیفه خود شناخت حاصل کرد.

\* این زمین محل اعتراف آدم به خطای خویش بوده است.

#### مشعرالحرام

در حد فاصل میان عرفات و منی سرزمینی، بنام مشعر یا مزدلفه وجود دارد. این منطقه از سویی به «مأزمین» و از جانب دیگر به «وادی مُحَسَّر» و «حیاض» محدود می‌گردد و این همان سرزمینی است که حجاج ریگ‌های لازم جهت رمی جمرات را از این منطقه جمع آوری می‌کنند.

#### وادی محسّر

منطقه‌ای محدود را گویند که میان مشعر و منی واقع گردیده و همان نقطه‌ای است که اصحاب فیل (سپاهیان ابرهه) توسط پرنده‌گان که از ناحیه خداوند مامور بودند بهلاکت رسیدند. [\(۱\)](#)



## مسجد تنعیم یا مسجد عمره

تنعیم که در مسیر ورودی شهر مکه واقع و تا کعبه کمی بیش از ۷ کیلومتر فاصله دارد، نزدیکترین (میقات)، و خارج از حرم است. مردم مکه و نیز زائران خانه خدا از اینجا برای عمره احرام می‌بندند. بهمین جهت به مسجد عمره نیز مشهور است. این مسجد اخیراً بشکل زیبایی نوسازی شده و توسعه یافته و در توسعه شهر مکه در داخل شهر واقع شده است.

## شهدای فح

فح محلی است نزدیک مکه که اکنون در داخل شهر و تقریباً در حدود، دو تا سه کیلومتری مسجد تنعیم، در کنار شارع تنعیم واقع است. «(۱)» آن منطقه را محله شهداء نیز می‌گویند و اخیراً برجهایی در آنجا ساخته شده که به ابراج شهداء معروف است. هنگام رفتن به تنعیم در سمت راست، خیابان کوچکی است بنام شارع عبداللّه بن عمر که در انتهای آن قبرستان مخروبه ایست که برخی از معمرین و ساکنان محل، قبور شهداء را در آنجا می‌دانند.

مبارزین فح که بیش از سیصد نفر بوده‌اند، در زمان هادی خلیفه عباسی به رهبری «حسین بن علی بن حسن بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام قیام کردند، و بی رحمانه به شهادت رسیدند. طبق نقل مسعودی: اجساد آنان سه شبانه روز بر روی زمین افتاده بود. «(۲)» امام جواد علیه السلام فرمودند: «برای ما اهل بیت بعد از واقعه کربلا قتلگاهی بزرگتر از فح دیده نشده است.» امام باقر علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از سفرها در این مکان نماز گزارد و در رکعت دوم آن، بسیار گریست که مردم نیز با او گریستند، و وقتیکه از علت گریه سوال شد، فرمود:

«جبرئیل بمن خبر داد که از فرزندان در اینجا کسی شهید می‌شود که اجر دو شهید را دارد.»

۱- مقاتل الطالبین ابی الفرج ۳۹۷ تا ۴۲۷.

۲- مادر او زینب دختر عبداللّه بن حسن است.

ص: ۱۳۰

و نیز طی روایتی آنحضرت فرمود: «در اینجا یکی از اولاد من با جماعتی دیگر شهید می‌شوند که ارواح آنان برای سبقت به بهشت از اجساد آنان پیشی و سبقت گرفته و «کفن و حنوط آنان از بهشت می‌آید.»  
حسین بن علیصاحب فخر می‌گفت: «ما پس از مشورت با موسی بن جعفر علیه السلام قیام کردیم.»  
دعبل خزاعی در شعرش به این جریان اشاره می‌کند که:  
«قبور بکوفان و آخری بطیبه و آخری بفخّ نالهاصلوات.»  
[\(۱\)](#)»

۱- مقاتل الطالبین ابی الفرج و شهداء الفضیله علامه امینی و منتهی الامال محدث قمی مراجعه شود

ص: ۱۳۲

منابع و مآخذ بخش دوم

ص: ۱۳۳

فهرست منابع کتاب

- ۱- تاریخ المدینه المنوره- ابن شیبہ
- ۲- معجم معالم الجغرافیه فی السیره النبویه- المقدم: عاتق بن غیث البلادی
- ۳- خلاصه الوفاء با حواشی ابراهیم فقیه
- ۴- معجم معالم الحجاز- المقدم عاتق بن غیث البلادی
- ۵- مرآة الحرمین- رفعت پاشا
- ۶- مرآة الجزيرة العرب جلد ۱- ایوبصبری پاشا
- ۷- عمدة الاخبار فی مدینه المختار- شیخ احمد عبدالحمید عباسی
- ۸- موسوعه اعباب المقدسه- جعفر خلیلی
- ۹- معالم دارالمعجزه- یوسف عبدالرزاق استاد دانشکده اصول دین
- ۱۰- معالم مکه تاریخیه و الاثریه- عاتق بین غیث البلادی
- ۱۱- فتوح البلدان- بلاذری
- ۱۲- معجم البلدان- یاقوت حموی
- ۱۳- فی رحاب بیت الحرام
- ۱۴- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام- قاضی مکه حافظ ابی الطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی
- ۱۵- اتحاف الوری باخبارام القری تالیف بغم عمر بن فهد
- ۱۶- العقد الثمین فی تاریخ بلد الامین تالیف امام ابی الطیب التقی الفاسی
- ۱۷- الدر الثمین فی معالم دارالرسول الامینصلی الله علیه و آله: عالی محمد امین شنقیطی
- ۱۸- مجله و نشریه فی خدمه ضیوف عبدالرحمن چاپ سال ۱۴۱۲ مکه
- ۱۹- سیره الحلبیه

ص: ۱۳۴

۲۰- سیره ابن هشام

۲۱- مغازی واقدی

۲۲- سیره النبی

۲۳- بحار الانوار مرحوم مجلسی (ره)

۲۴- مدینه شناسی

۲۵- راهنمای حرمین شریفین

۲۶- اخبارمکه ازرقی

۲۷- فی رحاب بیت الله الحرام

۲۸- سیره ابن هشام

۲۹- سیره النبی الهدی و الرحمه از عبدالسلام هاشم حافظ رابط العالم الاسلامی چاپ ۱۴۰۶ چاپ دوم

۳۰- دراسات فی جغرافیه الممکه العربیه .. تالیف دکتر عمر فاروق سید رجب چاپ دارالشرق

۳۱- المنتقى فی اخبارام القرى تالیف زهیر محمد عبدالله ملیباری

۳۲- التحفة اللطیفه فی تاریخ المدینه الشریفه از سنجاوی

۳۳- التاريخ المفصل لكعبة المشرفه: عبدالقدوس انصاری چاپ مکه

۳۴- تاریخ الكعبه تالیف علی حسنی الخربوطی

۳۵- اخبار مدینه الرسول تالیف امام حافظ محمد بن محمود بن النجار

۳۶- موسوعه المدینه المنوره التاريخیه تالیف دکتر محمدالسید الوکیل

**فهرست مصادری که در مجموعه مکه مورد استفاده قرار گرفته است**

- ۱- قرآن کریم
- ۲- مرآت جزیره العرب
- ۳- مجمع البحرين
- ۴- معجم معالم الحجاز
- ۵- وافی فیض کاشانی
- ۶- علل الشرایع
- ۷- وسائل الشیعه
- ۸- تفسیر ابوالفتح رازی
- ۹- اخبار مکه ازرقی
- ۱۰- مرآت الحرمین
- ۱۱- شفاء الغرام
- ۱۲- سنن ترمذی
- ۱۳- صحیح مسلم
- ۱۴- مجمع البیان طبرسی
- ۱۵- فی رحاب البیت الحرام
- ۱۶- مستدرک حاکم
- ۱۷- مرآت الحج مغازی واقدی
- ۱۹- مجله ضیوف الرحمن
- ۲۰- معالم مکه
- ۲۱- فقه الرضا

ص: ۱۳۶

۲۲- موسوعه العتبات المقدسه

۲۳- بحار الانوار

۲۴- راهنمای حرمین شریفین

۲۵- تبصره المتعلمین

۲۶- معجم المعالم الجغرافیه

۲۷- وفاء الوفا

۲۸- تاریخ المدینه المنوره

۲۹- عمدۀ الاخبار

۳۰- فتوح البلدان

۳۱- اتحاف الوری

۳۲- العقد الثمین

۳۳- الدر الثمین

۳۴- سیره حلبی

۳۵- سیره ابن هشام